



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن  
علیه صاب

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

# اسلام و تنظيم خانوادہ

سید محمد علی ہاشمی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# اسلام و تنظيم خانواده

نویسنده:

محمد علی ایازی

ناشر چاپی:

دفتر نشر فرهنگ اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۹	اسلام و تنظیم خانواده
۹	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۳	فهرست مطالب
۱۸	مقدمه چاپ سوم
۲۰	مقدمه
۲۰	اشاره
۲۳	پیشینه مسئله
۲۷	موضع دینی کلیسا
۲۸	مواضع جهان اسلام
۳۲	بخش اول: مبانی تنظیم خانواده
۳۲	اشاره
۳۵	۱. اهمیت تشکیل خانواده
۳۸	۲. اصل تنسیل (داشتن نسل)
۴۲	۳. اصل اختیار و اراده انسان
۴۲	اشاره
۴۳	نظریات در باب تنظیم خانواده
۴۷	اصطلاح تنظیم خانواده
۵۰	ضرورت تنظیم خانواده
۵۱	۴. وظایف و مشکلات خانواده:
۵۱	۵. جامعه و تنظیم خانواده:
۵۱	اشاره
۵۱	ادله تنظیم خانواده

۱. اصالت اباحه ..... ۵۱
۲. روایات «عزل» ..... ۵۴
۳. روایات ارشادی ..... ۶۶
- اشاره ..... ۶۶
- مشکلات و وظایف خانواده ..... ۶۹
- ۱ - ۴ وظایف اقتصادی ..... ۷۰
- ۲ - ۴ وظایف تربیتی و اخلاقی ..... ۷۶
- ۳ - ۴ وظیفه بهداشتی و درمانی ..... ۸۱
- ۴ - ۴ وظایف روحی و روانی ..... ۸۴
- ۴ - ۵ سلامت جسمی مادر ..... ۹۴
۵. جامعه و تنظیم خانواده ..... ۹۶
- اشاره ..... ۹۶
- پیامدهای تکثیر نسل از بُعد اجتماعی ..... ۱۰۴
- ۱/۵ برنامه ریزی و رشد جمعیت ..... ۱۰۴
- ۲/۵ جمعیت و افزایش بهره‌کاری ..... ۱۰۹
- بخش دوم: شبهات مخالفین تنظیم خانواده ..... ۱۱۳
- اشاره ..... ۱۱۳
۱. اصل تکثیر نسل ..... ۱۱۵
- تفاوت شرایط تاریخی ..... ۱۲۰
۲. مناقشه در جواز عزل ..... ۱۳۵
- اشاره ..... ۱۳۵
- پاسخ به روایات مذمت عزل: ..... ۱۳۷
۳. تنظیم خانواده و رازقیت خدا ..... ۱۴۶
- اشاره ..... ۱۴۶
- پاسخ به شبهه رازقیت ..... ۱۴۹
- یکم: پاسخ به تنافی تنظیم نسل با قضا و قدر: ..... ۱۴۹

- دوم: پاسخ به تنافی تنظیم خانواده با رازقیت خداوند: ..... ۱۵۲
۴. شبهه استعماری بودن نظریه تنظیم خانواده ..... ۱۵۶
- اشاره ..... ۱۵۶
- پاسخ به استعماری بودن ..... ۱۶۰
۵. تنظیم خانواده و مسئله ضرورت ..... ۱۶۸
- اشاره ..... ۱۶۸
- پاسخ به مناقشه در ضرورت تنظیم ..... ۱۶۹
۶. شبهات دیگر ..... ۱۷۶
- جمع بندی ..... ۱۷۷
- اشاره ..... ۱۷۷
- تندروی ها ..... ۱۷۷
۱. احکام فقهی تنظیم خانواده ..... ۱۷۹
- اشاره ..... ۱۷۹
- انواع روش های پیشگیری ..... ۱۸۲
- نازایی (عقیم کردن) ..... ۱۸۴
- پاسخ به شبهه نازاسازی ..... ۱۸۸
۲. مخالفت با فلسفه ازدواج ..... ۱۹۱
- اشاره ..... ۱۹۱
- پاسخ به شبهه مخالفت با فلسفه ازدواج در عقیم کردن ..... ۱۹۱
۳. استدلال به روایات ..... ۱۹۴
- اشاره ..... ۱۹۴
- پاسخ به روایات ..... ۱۹۵
۴. تنافی با مصلحت زن و شوهر ..... ۱۹۶
- اشاره ..... ۱۹۶
- پاسخ تنافی با مصلحت: ..... ۱۹۷
- احکام فقهی روش های پیشگیری ..... ۱۹۸

۱۹۸	فتوای مراجع معظم
۲۰۲	بخش سوم: کتابشناسی توصیفی تنظیم خانواده
۲۰۲	اشاره
۲۰۳	درآمد
۲۰۴	بخش نخست: کتابها
۲۰۴	اشاره
۲۱۸	فهرست مقالات عربی تنظیم خانواده
۲۲۱	فهرست مقالات فارسی تنظیم خانواده
۲۳۳	فهرست آیات
۲۳۸	فهرست روایات
۲۴۱	فهرست اعلام
۲۵۱	فهرست منابع و مصادر
۲۵۵	درباره مرکز



سرشناسه : ايازي ، محمدعلي ، - 1333

عنوان و نام پديدآور : اسلام و تنظيم خانواده / محمدعلي ايازي

مشخصات نشر : تهران : دفتر نشر فرهنگ اسلامي ، 1373.

مشخصات ظاهري : 256 ص .نمونه

شابک : بها:2560ريال

يادداشت : چاپ دوم : 1374؛ بها: 3850 ريال

يادداشت : چاپ سوم : 1376؛ بها: 4000 ريال : ISBN 964-430-180-3

يادداشت : کتابنامه به صورت زيرنويس

موضوع : اسلام و خانواده

موضوع : تنظيم خانواده

شناسه افزوده : دفتر نشر فرهنگ اسلامي

رده بندي کنگره : 17/17BP230/الف9الف5 1373

رده بندي ديويي : 297/4831

شماره کتابشناسي ملي : م 73-1269

ويراستار ديگيتالي : محمد منصوري

ص : 1

اشاره



اسلام و تنظيم خانواده

سيد محمد علي ايازي

ص: 3



بخش اول: مبانی تنظیم خانواده... 23

1. اهمیت تشکیل خانواده... 26

2. اصل تسهیل (داشتن نسل)... 29

3. اصل اختیار و اراده انسان... 33

نظریات در باب تنظیم خانواده... 34

اصطلاح تنظیم خانواده... 38

ضرورت تنظیم خانواده... 41

4. وظایف و مشکلات خانواده... 42

5. جامعه و تنظیم خانواده... 42

ادله تنظیم خانواده... 42

1. اصالت اباحه... 42

2. روایات «عزل»... 45

3. روایات ارشادی... 57

مشکلات و وظایف خانواده... 60

1 - 4 وظایف اقتصادی... 61

2 - 4 وظایف تربیتی و اخلاقی... 67

3 - 4 وظیفه بهداشتی و درمانی... 72

4 - 4 وظایف روحی و روانی... 75

4-5 سلامت جسمی مادر... 85

5. جامعه و تنظیم خانواده... 87

پیامدهای تکثیر نسل از بعد اجتماعی... 95

1/5 برنامه ریزی و رشد جمعیت... 95

2/5 جمعیت و افزایش بهره‌کاری... 100

بخش دوم: شبهات مخالفین تنظیم خانواده... 104

1. اصل تکثیر نسل... 106

تفاوت شرایط تاریخی... 111

2. مناقشه در جواز عزل... 126

3. تنظیم خانواده و رازقیت خدا... 137

4. استعماری بودن نظریه تنظیم خانواده... 147

5. تنظیم خانواده و مسئله ضرورت... 159

6. شبهات دیگر... 167

جمع بندی... 168

تندروی ها... 168

احکام فقهی تنظیم خانواده... 170

انواع روش های پیشگیری... 173

نازایی (عقیم کردن)... 175

ص: 6

2. مخالفت با فلسفه ازدواج... 182
3. استدلال به روایات... 185
4. تنافی با مصلحت زن و شوهر... 187
- احکام فقهی روش های پیشگیری... 189
- فتوای مراجع معظم... 189
- بخش سوم: کتابشناسی توصیفی تنظیم خانواده... 193
- بخش نخست: کتابها... 195
- فهرست مقالات عربی تنظیم خانواده... 209
- فهرست مقالات فارسی تنظیم خانواده... 212
- فهرست آیات... 224
- فهرست روایات... 227
- فهرست اعلام... 229
- فهرست منابع و مصادر... 235





اکنون که بیش از 25 سال از چاپ نخست کتاب می‌گذرد و ایران و مسئولین آن، افزایش جمعیت ایران در دهه شصت و رشد جمعیت را بی‌رویه و بی‌برنامه می‌دانند و به این نکته اذعان دارند که این حرکت تشویق به افزایش جمعیت تحت تأثیر شرایط جنگ عراق با ایران و فضای انقلاب بوده است. این وضعیت در حالی است که مصلحان اجتماعی به دنبال تأکید بر برنامه ریزی و آموزش جامعه برای متناسب شدن تولید مثل بودند و نه مخالفت با زادوولد و نه معتقد به آزادی عمل تکثیر به هر قیمت. اما چه در آن زمان و چه امروز آن نگاه روحانیون سنتی و جریان محافظه کار کشور است که بدون توجه به مطالعات کارشناسی با هر برنامه تنظیم مخالفت کرده و اصولاً با تنظیم خانواده و آموزش خانواده‌ها برای درک شرایط مخالفت کرده و این کار را که افراد بخواهند موقعیت خود را بسنجند، نوعی مخالفت با سنت نبوی و گروه سیاسی محافظه کار این حرکت را مخالف با اقتدار و آینده و جمعیت ایران می‌دانستند. آنچه سخن صریح ما است ضرورت آموزش و آگاهی جامعه تا افرادی که می‌خواهند فرزنددار شوند بدانند که چه می‌خواهند و فرزند ناخواسته داشته باشند و کسانی که زمینه آسیب پذیری دارند، امکانات برای پیشگیری داشته باشند و شرایط برای آموزش فراهم شود و نسبتی میان شرایط برنامه ریزی کشور و تحولات اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی و تنظیم خانواده فراهم شده باشد. حقیقت این است که امروز عدم انتخاب بسیاری از

خانواده‌ها برای بچه‌دار نشدن، ترس از مشکلات اقتصادی، فرار از مسئولیت و نوسانات اداره و عدم ثبات اجتماعی و سیاسی است.

نگارش این کتاب هرچند با رویکرد فقهی و پاسخی به مناقشات تنظیم خانواده نگاشته شده و بسیاری از آمارها قدیمی است، اما صورت مسئله را تغییر نداده و امروز هم بحث آن داغ و همچنان چالش برانگیز است، اما نباید از نظرات کارشناسی غفلت کرد و به همین دلیل هرچند آمارها و ارقام از وضعیت رشد کاهش یافته است، اما مشکلات اقتصادی و مدیریتی افزون شده و درک ذهنی گروهی در مخالفت با تنظیم تغییر پیدا نکرده و از آن طرف انگیزه بچه‌دار شدن در بخش طبقات متوسط که مشکلی برای آن ندارند، بیش از دهه شصت پدید آمده است.

به اعتقاد این جانب مخالفت این گروه اخیر را نمی‌توان با تشویق فرهنگی و امر و نهی و دستورات آمرانه و یا تعطیل کردن خانه‌های بهداشت و ندادن امکانات پیشگیری برای طبقات ضعیف و آسیب‌پذیر حل کرد، زیرا حل این مسئله با بسته‌های فرهنگی و حل مشکلات اقتصادی و ایجاد امید به آینده ممکن است.

این اثر هرچند به جز مواردی چند از آن تغییر پیدا نکرده و اندک ویرایشی شده، اما کلیت بحث آن پس از دو دهه برای چندمین بار نشر یافته و در این چاپ تغییراتی جزئی پیدا کرده که قابل دفاع است.

سید محمدعلی ایازی

بهار 1397

ص: 10

از مسائل جنجال برانگیز و مورد بحث در محافل علمی و اجتماعی معاصر، موضوع تنظیم خانواده و کنترل جمعیت است که علما و دانشمندان مسلمان را به دو گروه موافق و مخالف تقسیم کرده است. گرچه این موضوع با همه جوانب حقوقی و ارزشی آن به خوبی در زبان فارسی منتقل نشده است و اغلب کتاب‌ها به زبان عربی و انگلیسی نگاشته شده است، اما همان اندازه که در میان دانشوران اسلامی کشور ما مطرح شده، آنان را به موافق و مخالف تقسیم کرده است.

طرح این مسئله در سال‌های پس از پایان جنگ تحمیلی عراق و دوران بازسازی و پس از اعلام آمارهای رسمی از افزایش جمعیت 9/3 درصد در ایران و نگرانی از رشد فوق‌العاده جمعیت و افزایش نرخ جمعیت ایران در ردیف سومین کشور جهان، گوشه‌ای از واقعیت قضیه بود. اما طرح آن از سوی مسئولان جمهوری اسلامی رنگ دیگری به موضوع داد و با نگاهی دیگر ارزیابی گردید و مانند آنچه در سال‌های پیش از انقلاب و آن هم از سوی نظام شاهنشاهی و وابسته انجام می‌گرفت، نمی‌توانست یکسان تلقی گردد. زیرا نه تنها آن سوءظن و

بی تفاوتی گسترده مطرح بود، بلکه ارزیابی تئوریک و بحث و چند و چون از مسائل مختلف فقهی و ارزشی آن را ضروری می نمود.

بدین جهت در ماه اردیبهشت 1369 سمیناری به عنوان اسلام و سیاست جمعیت، در شهر اصفهان برگزار گردید و عده ای از علما و محققان از جنبه های مختلف به این مسئله پرداختند.

البته پیش از آن سمینار دیگری در اسفند 1368 در زمینه دیدگاه های اسلام در پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد برگزار گردیده بود و یکی از مباحث آن مسئله کنترل جمعیت از بُعد ارزشی و حقوقی بود. همچنین مقالات مختلفی در روزنامه های کثیرالانتشار کشور در موافقت یا موافقت مشروط و یا در مخالفت با کنترل جمعیت منتشر گردید. (1)

اما این مقالات و بحث ها نمی توانست مشکل را به خوبی ترسیم کند و در جهت روشن کردن موضوع مفید واقع شود. زیرا دو مسئله در پیچیدگی خود باقی مانده بود و موافقان و مخالفان، آن را به خوبی مورد بررسی قرار نداده بودند.

1- مسئله تنظیم خانواده از دیدگاه اسلام و با تکیه بر ارزش های اسلامی و واقعیت های فرهنگی موجود بیان نمی شد، و طبعاً تنها جنبه کارشناسی پیدا می کرد و بیانگر موضوع از نگرش قرآن و احادیث اهل بیت و فرهنگ تشیع نبود.

2- حدود بحث و محل اختلاف موافقان و مخالفان به خوبی بیان نشده بود. به همین دلیل، بسیار دیده می شد کسانی که با تنظیم خانواده

ص: 12

---

1- رجوع شود به سلسله مقالات روزنامه اطلاعات، شماره 19036 تا 19017 و روزنامه کیهان 13879 تا 13600 و جمهوری اسلامی، شماره 3281 - 3312.

مخالفت می کردند، در حالی که با دولتی یا اجباری کردن آن مخالفت و آن را مخالف شرع می دانستند و با نگاهی به ادله آنان روشن بود که آنان مشکل خانواده را دریافته و موافقت با تنظیم فردی را پذیرفته اند.

از سوی مقابل، گروهی تنظیم خانواده را بدین دلیل که انفجار جمعیت و قحطی و گرسنگی و فشارهای اجتماعی سیاسی جهان را تهدید می کند، ضروری می دانستند. در صورتی که مدعا و دلیل هر یک از موافقان و مخالفان در برابر هم قرار نداشت.

از این رو، برای روشن شدن بحث و نزدیک شدن نظریات مختلف با یکدیگر، باید دقیقاً هم موضوع و حدود آن روشن گردد و هم ادله موافقت و مخالفت با تنظیم خانواده دقیقاً بیان شود.

همچنین باید روشن شود که منظور موافقان و مخالفان، تنظیم خانواده است و یا کنترل جمعیت. چون هرکدام که باشد، در حکم اجتماعی و فردی آن متفاوت خواهد بود. زیرا تنظیم خانواده، تنها نظمی برای توالد و تناسل و رعایت فاصله زایمان ها و بهداشت و درمان کودک و مادر و تناسب معیشت با تعداد عائله را توصیه می کند. در حالی که کنترل جمعیت به جنبه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جمعیت می پردازد.

همین طور باید روشن شود که دلیل اصلی موافقان تنظیم خانواده چیست، آیا رعایت مصالح خانواده و توجه به مشکلات آنان در صورت کثرت عائله است، یا توجه به مشکلات دولت و نابسامانی های اقتصادی و انفجار جمعیت و مانند آن. زیرا هرکدام از آن ها که باشد، شکل استدلال و نوع موافقت و مخالفت متفاوت خواهد بود. بنابراین،

تناسب بین دلیل و موضوع در بحث تنظیم خانواده امری ضروری است. همین طور روشن شدن تاریخچه بحث و علل و انگیزه گرایش به کنترل جمعیت، در جهت دسته بندی دلایل جواز و عدم جواز تنظیم خانواده، ضروری است. لذا ما از تاریخچه بحث شروع می کنیم.

### پیشینه مسئله

سابقه بحث کنترل جمعیت به نظریه مالتوس، کشیش انگلیسی، برمی گردد. وی در سال 1798 میلادی، کتابی به نام رساله در اصل جمعیت (بدون نام مؤلف) منتشر کرد، که پس از آن در سال های 1803 تا 1821 میلادی، به صورت مستدل تر از چاپ نخستین آن، پنج بار تجدید چاپ گردید. (1)

مالتوس، در این کتاب با نگاهی بدبینانه آینده بشریت را ترسیم می کند و می گوید که باید رشد جمعیت مهار شود، وگرنه گرسنگی و انفجار جمعیت، جهان را تهدید می کند.

دلیل نگارش این رساله و بدبینی مالتوس از آینده بشریت، به رشد جمعیت بی سابقه انگلستان در آن قرن برمی گردد. زیرا رشد جمعیت تا قرن هفدهم بسیار کند و مرگ و میر، فراوان بود؛ به گونه ای که جمعیت دنیا در آن مدت از نیم میلیارد نفر تجاوز نکرده بود. در حالی که از سال 1650 میلادی، رشد جمعیت به صورت انفجاری درآمد.

تخمینات گرگوری کینگ، رقمی نزدیک به پنج میلیون نفر را در سال 1700 در انگلستان به دست می داد؛ در حالی که اولین سرشماری

ص: 14

---

1- . جمعیت شناسی اجتماعی، ص 7.

در سال 1801، این میزان را به 2/9 میلیون نفر تعیین می کرد. (1)

چنین رشدی در جهان نیز مشهود بود. از سال 1650 تا 1730 میلادی، یعنی در صد و هشتاد سال، پانصد میلیون نفر بر جمعیت افزوده شده بود. و از طرف دیگر، نوعی نامساعدی شرایط از نظر مواد غذایی به چشم می خورد که در پیدایش آن، اقدام بسیاری از مالکین در زمینه محدود کردن زمین های زیر کشت و تبدیل آن به مرتع، سهم اساسی داشت. در نتیجه انگلستان صادرکننده غله، به واردکننده آن مبدل شد. عامل دیگر نیز این بود که قیمت ها، بیشتر از دستمزدها بالا رفت. (2)

چنین شرایطی، زمینه فکری مالتوس را فراهم ساخت تا با مقایسه میان رشد جمعیت از یکسو و مواد غذایی از سوی دیگر، عدم تشابه کامل میان رشد هندسی جمعیت در برابر افزایش مواد غذایی را مطرح سازد. لذا وی بنابر محاسبه ای که میان رشد مضاعف هندسی جمعیت بیان می کرد، در هر بیست و پنج سال جمعیت انگلستان دو برابر می شد، ولی مواد غذایی تابع رشد حسابی و به همان حساب یک برابر بود.

بدین جهت وی نه تنها توصیه به کنترل جمعیت از طریق موانع پیشگیری کننده به جای موانع طبیعی می کرد، بلکه با اظهار نظرهای بدبینانه ای، نگرانی خود را نسبت به آینده جهان ابراز می کرد. وی در جایی نوشته است: فردی که در دنیای پرشده از نفوس آدمی متولد

ص: 15

1- . همان.

2- . همان.



می شود، اگر والدینش نتوانند به تغذیه او پردازند، حق مطالبه کوچک ترین سهمی از مواد غذایی موجود را ندارد. (1)

بعدها این اندیشه گسترش یافت. گروهی به موافقت و گروهی به مخالفت با این نظریه پرداختند و مهم ترین دلیل آنان، مسائل اقتصادی و انفجار جمعیت و مانند آن بود.

البته بعدها این نظریه در جهت جلوگیری از رشد جمعیت، تقویت گردید، زیرا از سال 1830 م تا سال 1930 یک میلیارد بر جمعیت قبلی افزوده شد و تا سال 1960 یک میلیارد دیگر به جمعیت جهان افزوده شده است و تا سال 1975 یعنی مدت 15 سال جمعیت به چهار میلیارد رسیده است. (2) امروز هم جمعیت جهان به هفت میلیارد رسیده است.

به همین دلیل سازمان ملل در سال 1962 میلادی دریکی از بیانات رسمی خود چنین اعلام کرد: «آمار جمعیت جهان سه میلیارد و صد و بیست و پنج میلیون نفر است و هر سال 62 میلیون به این جمعیت اضافه می شود. که پس از ده سال جمعیت جهان به نسبت تصاعدی به 4 میلیارد نفر می رسد.

ضمناً همه ساله ده ها هزار انسان در اثر گرسنگی می میرند و نصف از مردم در کمتر از حد سلامت مطلوب زندگی می کنند.

و نیز اعلام کرد: اگر همین منوال ادامه پیدا کند، این فقر و گرسنگی و مرگ و میر و نسبت سطح زندگی پایین طبقات محروم افزایش پیدا

ص: 16

---

1- . همان.

2- . الاسلام و تنظیم الاسرة، ج 1، ص 252.

این نظریه بعدها از سوی مخالفان مورد هجوم و انتقاد قرار گرفت و مسئله انفجار جمعیت و گرسنگی آینده جهان مردود شناخته شد.

مخالفان در پاسخ به این اشکالات مطرح می کردند که اگر جهان برنامه ریزی کند و از امکانات خود به ویژه با توسعه صنعتی و انقلاب کشاورزی بهره لازم را ببرد همچنان که بعدها چنین شد. قحطی و گرسنگی انسان را تهدید نمی کند و بخش مهمی از این مشکلات برطرف خواهد شد.

اما این بحث و کشمکش خاتمه نیافت، همان طور که مشکلات نه تنها پایان یافتند؛ بلکه روزبه روز عمیق تر شدند و مسائل دیگری هم مطرح شدند. مسائل خانواده و مشکلاتی که گریبانگیر جوامع محروم می گشت، امور آموزشی، بهداشتی، درمانی و ده ها مسئله دیگر را چگونه باید تأمین کرد، تا آن زمان که این مشکلات برطرف نشده است، چه باید کرد؟

از آنجا که این مباحث در اروپا مطرح بود، و مسائل متوجه مسیحیت و کلیسا بود، کلیسا می بایست نسبت به کنترل جمعیت برخورد کند و پاسخ مسیحیان معتقد و وفادار به کلیسا را بدهد و دستورالعمل شرعی برای آنان معین کند، آیا مسیحیان می توانند پیشگیری از بارداری کنند و چنین چیزی مشروع است یا جایز نیست.

در این زمینه دو واکنش مختلف از کلیسا مشاهده گردید:

کلیسای کاتولیک، همواره در برابر حرکت کنترل جمعیت، مقاومت

ص: 17

به خرج می داد و با هر نوع حرکتی که منجر به محدود کردن خانواده برای بچه دار شدن باشد، مخالفت می ورزید و معتقد بود که: «اولین هدف ازدواج، تولید و پرورش فرزندان است».

لذا نباید این هدف از بین رود. این اصل همچنان توسط پاپ یازدهم در اعلامیه 1931 م، تأیید گشت و سبب گردید که در مدت خیلی زیاد، کلیسای کاتولیک استعمال هر نوع روش پیشگیری از حاملگی را رد کند.

در برابر این موضع گیری، کلیسای انگلیسی پروتستان ها در سال 1930، از طریق اعلامیه اجلاس لامبت (LAMBETH)، پیشگیری از حاملگی را به این شرط که برای آن نوعی مجوز اخلاقی وجود داشته باشد، مجاز اعلام کرد.<sup>(1)</sup>

اما بعدها روحانیت مسیحیت، با نگرانی از تندروی ها، به گونه متعادلی به مسئله کنترل نسل پاسخ داد و با اذعان به این که دیدگاه مسیحیت در این باره چند پاره گشته و پاسخ آن دشوار است، چنین اظهار نظر کرد:

### موضع دینی کلیسا

درباره تحدید نسل دو نکته را می توانیم قاطعانه پاسخ دهیم:

1- کتاب مقدس، گرچه راه و روش جازم یا اجتهاد به خصوصی را درباره کنترل نسل پیشنهاد نمی کند، ولی در سایه تعالیم آن درمی یابیم که پایه و ثمره ازدواج مقدس، داشتن فرزند است. زیرا در سفر تکوین (1، 28) می گوید: «بارور و فراوان گردید و زمین را پر سازید.» از این رو، داشتن فرزند، ثمره مبارکی از خداوند است و چگونه می توان به

ص: 18

---

1- . جمعیت شناسی اجتماعی، ص 57.

تحدید نسل روی آورد در حالی که خداوند به زیاد کردن آن فرمان می دهد.

2- از سوی دیگر، والدین، نباید مسئولیت های خود را در برابر فرزندان شان فراموش کنند و تصور کنند که هدف خداوند از تشریح زناشویی آن، زایمان کردن و بچه آوردن زن برای شوهر یا زیاد کردن نسل است. در صورتی که خداوند از مردم، زندگی سعادت مندانه و با شرافتی را خواسته است.

بدین جهت، لازم است هر خانواده پیش از آن که در فکر زیاد کردن بچه باشند در فکر سلامتی مادر، امکانات مادی اداره عائله بزرگ، مشکلات تربیتی و مسائل دیگر کودکان باشند و بر اساس محاسبه و ارزیابی توانایی های خود در زمینه تربیت فرزندان صالح و مؤمن و اداره معیشتی شرافتمندانه همراه با فرهنگ و علم، فرزندان خود را زیاد کنند و در سایه چنین درك و عقلی حکیمانه، مسئله کنترل نسل از دیدگاه مسیحیت باید ملاحظه گردد و به مسئله زیاد بچه داشتن نگریسته شود. (1)

### مواضع جهان اسلام

جهان اسلام در باره کنترل جمعیت و یا تنظیم خانواده موضع واحدی ندارد. حتی موافقت ها و مخالفت ها در برابر هم قرار ندارد. زیرا به لحاظ تاریخی مسئله کنترل جمعیت و مباحث نظری آن همراه با افزایش جمعیت و کاهش مرگ و میر، در جهان اسلام و کشورهای

ص: 19

---

1- . سؤال و جواب (مجموعه پرسش ها و پاسخهایی که درباره ایمان و حیات از نظر مسیحیت شده است)، ج 1، ص 80.

اسلامی از آن مواضع کارشناسی تا مخالفت های دینی نیز به این جهان با شبهات هایی سرایت کرده است.

گروهی به موافقت با کنترل جمعیت برخاستند و آن را يك ضرورت اجتماعی ترسیم کردند و در این باره کتاب نوشتند و مقاله منتشر کردند و بیانیه صادر کردند و گروهی دلایل کارشناسی داشتند.

شاید از نخستین کسانی که در این باره مطالبی نوشتند و موضوع را از جنبه های فقهی و دینی بررسی کردند، علمای مصر و به ویژه علمای الازهر، مانند شیخ احمد ابراهیم در سال های 1936 تا 1953 بودند.<sup>(1)</sup>

گروهی دیگر، این حرکت را نغمه شوم استعمار دانستند و با آن مخالفت کردند و در پاسخ گروه نخست کتاب و مقاله نوشتند و دلایل آنان را در ضرورت یا جواز تنظیم نسل مردود شمردند.

مجموع نوشته هایی که در این زمینه در کشورهای اسلامی منتشر شده، گویای طرح جدی آن در محافل علمای اهل سنت در شکل موافق یا مخالف کنترل جمعیت است؛ اما همان طور که گفته شد، این مباحث به خوبی تفکیک نشده است و نیاز به ارزیابی مجدد آن با توجه به ابعاد دیگری نیز هست. خاصه این که عموم کسانی که در مخالفت چیزی نوشته اند، به مسائل انفجار جمعیت و مشکلات غذایی و اقتصادی جهان یا کشورهای اسلامی پرداخته اند و با بدبینی، آن را القاء دشمنان اسلام شمرده اند.

اما این مباحث در ایران، همان طوری که در آغاز اشاره شد، به صورت بسیار بسیط و ابتدایی طرح شده و کسانی که به این موضوع

ص: 20

---

1- . الاسلام وتنظیم الأسرة، ج 2، ص 237.

پرداخته اند، فقط به برخی از جنبه های آن پرداخته اند، در حالی که این مسئله نیازمند توجه به ابعاد دیگر آن در شکل معقول و اجراپذیر است.

هدف از بررسی موضوع تنظیم خانواده در این کتاب، بحث درباره همه ابعاد موضوع کنترل جمعیت و کاهش آن نیست. هدف در این نوشته بررسی و ارزیابی نظریاتی است که از دیدگاه اسلامی و با رویکرد فقهی و اخلاقی به مسئله تنظیم خانواده پرداخته است. بدین جهت ما به مباحث علمی و تجربی یا جمعیت شناسی یا جامعه شناسی جمعیت و پیامدهای اقتصادی آن پرداخته ایم و نخواسته ایم این مباحث را به شکل علمی مورد بحث قرار دهیم. گرچه در هنگام طرح نظریات موافق یا مخالف، احیاناً به این موضوع پرداخته شده است.

هدف از این کتاب، بررسی موضوع تنظیم خانواده با توجه به جنبه های فردی و اجتماعی آن از دیدگاه اسلام است. بدین جهت ما مباحث کلان کنترل جمعیت، یا به عبارت دیگر، کنترل در سطح کلی جهان و مطلق جمعیت و در هر صورت و در همه شرایط را مورد نظر قرار نداده ایم، بلکه متناسب با شرایط و نیازهای هر جامعه بحث کرده ایم. بنابراین اگر مسئولیت های مردم و دولت و تشویق حکومت برای تنظیم خانواده مطرح شده است، در همین محدوده قابل توجیه است. به این معنا که تنظیم خانواده بر اساس مصالح خانواده ها و موقعیت اجتماعی و اقتصادی و تربیتی و آموزشی آن ها مطرح شده است و لذا هرگز توصیه ای به اجبار یا تعیین حدی مشخص از تعداد فرزندان نشده است.

مباحث کتاب در چهار بخش تقسیم بندی شده است، بخشی درباره ادله تنظیم خانواده، بخش دوم درباره شبهات مخالفین و پاسخ به آن، و بخش سوم درباره انواع روش های پیشگیری و در بخش چهارم و نهایی برای محققان سیرنگارش ها و کتابشناسی تنظیم خانواده و منابع و فهرست های کتاب آمده است. امید است که طرح موضوع، تکامل بحث های بعدی تنظیم خانواده را فراهم سازد.

در پایان نویسنده بر خود واجب می داند از صاحب نظرانی که دست نوشته این اثر را مطالعه کردند و با یادآوری نکاتی که موجب اصلاح آن گردیدند، تشکر کند و از خوانندگان تقاضا کند با ارائه نظریات اصلاحی خویش، در بسامان کردن این تحقیق سهیم باشند.

سید محمدعلی ایازی

پائیز 1371

ص: 22







کتاب حاضر همان طور که در مقدمه اجمالاً اشاره شد، عهده دار بحث ضرورت «تنظیم خانواده» از دیدگاه اسلام با رویکرد تفسیری و فقهی است. منظور از این بحث، تبیین انتخاب برنامه ای برای تنظیم فرزنددار شدن از موضع دینی (اخلاقی و فقهی) است؛ به گونه ای که پدر و مادر با توجه به شرایط خانوادگی، اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی خود فرزنددار شوند و پیش از فرزنددار شدن، موقعیت و امکانات خود را بسنجند و سپس بچه دار شوند.

به عبارت دیگر، آنچه در این کتاب بیشتر پیگیری می شود، بررسی عوامل بیرونی، مانند افزایش جمعیت و یا عوامل روانی، مانند رفاه طلبی و آسایش خواهی خانواده برای تنظیم خانواده نیست - که ممکن است خانواده را به پیشگیری از بارداری وادار سازد - بلکه تبیین ضرورت داشتن برنامه و حسابگری و ارزیابی امکاناتی است که می بایست برای آینده فرزند در نظر گرفته شود، و این که هر خانواده چند فرزند را می تواند سرپرستی و اداره و تربیت کند و تغذیه و پوشاک و مسکن آنان را فراهم سازد و امکانات آموزشی برای آنان فراهم آورد. بنابراین،

سخن از مشخص کردن تعداد فرزندان نیست، تا گفته شود داشتن دو فرزند بهتر است یا سه فرزند یا بیشتر؛ بلکه چنین ارزیابی و محدودیت و برنامه ریزی، بسته به امکانات و توان هر خانواده و جامعه و انتخاب پدر و مادر مطرح است.

این بحث در برابر کسانی طرح شده که مخالف با تنظیم و پیشگیری هستند، و این کار را برخلاف دستورات دینی می دانند. پیش از آن که وارد بحث اصلی کتاب شویم، مناسب است به اموری اشاره کنیم که به عنوان مبانی «تنظیم خانواده» می تواند مطرح باشد. مبانی ای که در شمار اصول ارزشی اسلام است و در تنظیم خانواده باید مورد توجه قرار گیرد و طرح اجرایی پیشگیری از بارداری با رعایت آن اصول اعتقادی و اخلاقی تنظیم شود.

فهرست اصول و ارزش های اخلاقی به شرح زیر است:

1- اصل تشکیل خانواده

2- اصل تسهیل

3- اصل اختیار و اراده انسان

### **1. اهمیت تشکیل خانواده**

ازدواج و تشکیل خانواده، روشی است که خداوند برای تنظیم زندگی انسان به آن دستور داده است. این دستور، از آن رو صادر شده است تا نیازهای طبیعی انسان به طور مشروع و با روشی سالم تأمین گردد و از بحران های روحی و گسترش بیماری های جنسی و درگیری های اجتماعی و اخلاقی پرهیز شود. قرآن تشکیل خانواده را

ص: 26

یک فرمان الهی می داند و می فرماید:

« وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ». (نور: 32).

مردان و زنان مجرد را به ازدواج هم در آورید؛ اگر فقیر باشند خداوند آنها را از فضلش بی نیاز می گرداند که خداوند توسعه دهنده و داناست.

در اهمیت تشکیل خانواده همین بس که خداوند متعال این وظیفه را سنت پیامبر آسمانی دانسته و فرموده است:

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً ؛ (رعد: 38)

و ما پیش از تو پیامبرانی گسیل داشتیم و برایشان همسران و فرزندان قرار دادیم (تا نسل هدایتگران برقرار بماند)

و در حدیثی از پیامبر نقل شده که فرموده است:

« ما بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءَ أَحَبِّ إِلَى اللَّهِ مِنَ التَّزْوِيجِ؛ <sup>(1)</sup>

در اسلام بنیانی دوست داشتنی تر از ازدواج در نظر خداوند بنا نشده است.

همچنین خداوند تشکیل خانواده را وسیله ای برای بقاع نوع انسانی و افزایش جمعیت و عامل وحدت و مساوات بشریت قرار داده است:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي

ص: 27

---

1- . وسائل الشیعه، باب 1 از ابواب نکاح، حدیث 4.

خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً (نساء: 1)؛

ای مردم پروا کنید از پروردگارتان که شما را از یک جان آفرید و جفت او را هم چنان آفرید و از این دو، مردان بسیار و زنان بسیار بر پهنه گیتی پراکند.

بنابراین اسلام ازدواج و تشکیل کانون خانواده را تشویق می کند. نهاد خانواده اصل می شود که انسان با ازدواج، غرائز جنسی خود را مهار، و آرامش روحی و روانی و خوشبختی خود را تأمین می کند و برخوردهای سالم اجتماعی در سایه تشکیل خانواده حاصل می گردد. زیرا آدمی با ازدواج و فرزنددار شدن، به ارزش زحمات پدر و مادر پی می برد و لذت و زینت بچه دار شدن و پدر و مادر شدن را کسب می کند و پیداست که چنین اموری بدون تشکیل خانواده به دست نمی آید و جامعه از ارزش های معنوی آن برخوردار نمی گردد.

با توجه به آنچه گفته شد، یکی از نگرانی های جوامع کنونی این است که مبادا مشکلات اجتماعی و اقتصادی و شیوه زندگی کنونی، زمینه بی توجهی به تشکیل خانواده را فراهم سازد و مدیریت کشور به خاطر مشکلات به این اصل اساسی اهمیت لازم را ندهد؛ خصوصاً با ترویج تنظیم خانواده و طرح مشکلات اقتصادی، گرایش به ازدواج در نظر جامعه منفی تلقی گردد و لذا بر جامعه اسلامی همان رود که بر محیط های غربی می رود، که کانون خانواده سست و ضعیف شده، و بدیل های آن هم نتوانسته نقش محبت و عاطفه را پر کند، در نتیجه،

مردم به فساد و فحشاء روی آورده اند.

بدین جهت، توجه به مسائل ازدواج و تشکیل خانواده در سیاست های فرهنگی و اقتصادی امری ضروری است. لذا باید عواملی را که منجر به بی توجهی یا گریز از ازدواج می گردد، از میان برداشت و ازدواج را به صورت فریضه، به ذهنیت اجتماع منتقل کرد.

## 2. اصل تنسیل (داشتن نسل)

تداوم و استواری خانواده بر فرزندداری بنا شده است. زیرا یکی از اهداف زناشویی در تعالیم اسلامی فرزند داشتن است، و در احادیث از پیامبر و ائمه معصومین به همین معنا اشاره شده است؛ به گونه ای که از مجموع احادیث، اصلی ثابت را در تعالیم اجتماعی اسلام می توان استنباط کرد.

از پیامبر خدا روایت شده است:

تزوجوا، فانی مَکَاثِرُ بِکُمُ الْأُمَمُ غَدًا یَوْمَ الْقِیَامَةِ؛<sup>(1)</sup>

ازدواج کنید، که من به زیادی شما مسلمانان در قیامت افتخار می کنم.

همچنین در روایتی از امام باقر، از پیامبر این اهمیت را به زبانی دیگر بیان می کند که شما با زنی که نازا است ازدواج نکنید:

تَزَوَّجُوا بِکَرًّا وَلَوْ دَأَّ وَلَا تَزَوَّجُوا حَسَنَاءَ جَمِیلَةً عَاقِرًا فَائِیَ أَبَاهِی

ص: 29

---

1- . وسائل الشیعه، ج 20، باب 1، از ابواب مقدمات، نکاح، حدیث 3.

با دختری که بچه زاست ازدواج کنید، و با زنی که بچه دار نمی شود، ازدواج نکنید؛ گرچه بسیار زیبا باشد. زیرا من به زیادی شما در قیامت افتخار می کنم.

و نیز روایت دیگری که از طریق اهل سنت نقل شده گواه بر این مدعاست که از نظر اسلام، بچه داشتن و بچه آوردن و ازدواج کردن با زنی که بچه زاست، امری مطلوب و پسندیده است و پیامبر خدا مردم را به آن تشویق کرده است (2).

بنابراین، در نظام اجتماعی و سیستم برنامه ریزی مسلمانان، نباید این اصل مورد غفلت قرار گیرد، و همان طور که ازدواج، باید مورد توجه جامعه قرار گیرد و جایگاه مناسبی در میان مسلمانان داشته باشد، اصل تسهیل (داشتن نسل) و تربیت کردن فرزند و تحویل جامعه دادن نیز باید مورد عنایت قرار گیرد.

اما متأسفانه شرایط کنونی زندگی اجتماعی و به ویژه در کشورهای در حال رشد و جهان سوم مسائلی را برای مردم پیش آورده و نیازها و خواسته هایی را طلب کرده است که بسیار متفاوت با گذشته می باشد و مردم نمی توانند همچون گذشته به راحتی به سراغ خانواده و تحمل مشکلات آن بروند، و از سختی ها استقبال کنند. گرچه برخی از این مسائل مانند: توجه بیشتر به مسائل تغذیه، بهداشت، درمان و آموزش،

ص: 30

---

1- . همان، باب 16، از مقدمات نکاح، حدیث 2.

2- . در منابع حدیثی اهل سنت آمده: « كَان رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَأْمُرُنَا بِالْبَاءَةِ ، وَيَنْهَانَا عَنِ التَّبْتُلِ نَهْيًا شَدِيدًا وَيَقُولُ : تَزَوَّجُوا الْوُدُودَ الْوُلُودَ فَإِنِّي مُكَاتِرٌ بِكُمْ الْأُمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (سنن صغیر بیهقی، کتاب النکاح، حدیث 1840).

جنبه مثبت نیازها و خواسته‌ها است، اما نکته مهمی که وجود دارد، گرایش به ضروری دانستن آن‌ها در زندگی فردی و اجتماعی خانواده است که خواه ناخواه موجب دگرگونی در رفتار و تنظیم برنامه زندگی آن‌ها شده است. در نتیجه در شکل زندگی و رفتار مردم نسبت به مسئولیت‌پذیری و داشتن فرزند را تغییر داده است. به نمونه‌ای چند از این دگرگونی اشاره می‌شود:

1- رفاه‌خواهی و استراحت‌طلبی خانواده‌ها در عموم جوامع و به ویژه در جوامع شهری از نمونه‌های آشکار دگرگونی در شیوه معیشت مردم است که در ساختار تولید و توزیع این جوامع تغییرات اساسی ایجاد کرده است. بدین جهت، حجم نیازمندی‌های خانواده نسبت به گذشته افزایش قابل توجهی پیدا کرده است. شکل خوراک، مسکن، محیط کار و معاشرت با بستگان و آشنایان، پرکردن اوقات فراغت، نمونه‌هایی از این دگرگونی است که خانواده‌ها به آن‌ها خو گرفته‌اند و نمی‌توانند مانند پیشینیان با قناعت و با سرمایه و کار کم، نیازهای خود را تأمین کنند. در نتیجه، نه‌چنین توانی است که سطح درآمد را افزایش دهند، که مانند گذشته با خانواده‌ای بزرگ زندگی کنند و نه آن روحیه قناعت وجود دارد که با افزایش عائله بتوانند مشکلات و پیامدهای آن را تحمیل کنند.

2- گسترش آموزش و توسعه علوم و بالا-رفتن سطح آموزش در جوامع است. در نتیجه، خانواده‌ها در مجموع نسبت به گذشته اهمیت بیشتری به تعلیم فرزندانشان می‌دهند و ارزش دانش و تخصص برای فرزندان در این جوامع واقعیت پذیرفته شده‌ای تلقی شده است؛ تا آنجا



که بسیاری از مشاغل و فعالیت های تولیدی که دانش و تخصص گره خورده است.

طبیعی است که این دگرگونی ارزشمند، هزینه های گوناگونی را طلب می کند که هرچه فرزندان بیشتر باشد، این هزینه ها افزایش بیشتری خواهند داشت. در این صورت، این تعارض بین دخل و خرج با محاسبه تعداد فرزندان و ارزیابی توانایی ها گره می خورد و شکلی را به وجود می آورد که نتیجه آن فرار از افزایش فرزندان خواهد شد.

3- زندگی شهری و شکل گیری مشاغل و گسترش ارتباطات، توجه به تفریحات و بهره گیری از اوقات فراغت، و استفاده از ایام تعطیلی برای رفتن به اماکن مذهبی، زیارتی و تفریحی، نمونه ای دیگر از دگرگونی در رفتار و خواسته های جوامع بزرگ عصر ماست.

با توجه به چنین دگرگونی در شرایط زندگی و خواسته ها و نیازها، تعارضی بین اصل و بقاء نسل و توجه به این امور حاصل می گردد.

بنابراین، باید میان آن دسته از عواملی که به رعایت مصالح خانوادگی و اجتماعی و توجه به مشکلات اقتصادی و فرهنگی باز می گردد و میان عافیت طلبی و گریز از مسئولیت، فرق گذاشته شود. زیرا توجه به اهمیت «اصل تسهیل» نباید ما را از واقعیات موجود و مشکلات و پیامدهای افزایش جمعیت غافل کند.

آری، باید میان آنجایی که مربوط به بی اعتنایی به ارزش ها و فرار از مسئولیت فرزند داشتن است، با آنجا که مربوط به دگرگونی در شیوه زندگی و نگرانی از انجام مسئولیت های داشتن فرزند است، فرق گذاشته شود. مثلاً یکی از نگرانی های جدی برای والدین، مسئله تربیت

و آسیب پذیری جوانان معاصر در اثر گسترش رسانه های جمعی و شبکه های اجتماعی فسادآور و غیر مشروع (فیلم های سینمایی، ویدئو، نوارهای مستهجن، مجله ها و عکس های فاسد) است که خانواده ها را در برابر مسئولیت سنگین در امر تربیت و تأمین نیازهای جوانان برای

پیشگیری از این امور آفت زا قرار داده است.

با توجه به آنچه گفته شد، چگونه می توان بی تفاوتی از این تغییرات اجتماعی نسبت به گذشته چشم پوشی کرد و موازنه ای میان «اصل تسلیل» و رعایت مصالح خانواده ها برای تنظیم خانواده برقرار نکرد؟

### 3. اصل اختیار و اراده انسان

#### اشاره

اصل آزادی و اختیار، از اصول مسلم و تردیدناپذیر اسلامی است که در فقه اسلامی همیشه در جای جای مباحث حقوقی، اهمیت خود را نشان داده است. زیرا آزادی و اختیار، خصیصه فطری انسان و پیشرفت و تکامل بشر در گرو حق انتخاب است.

اما مشکلی که همیشه رخ می نماید، در مرحله اجرا و رعایت اراده انسان در نظام اجتماعی و سیاسی و در اصطکاک با منافع جامعه است. به همین دلیل در مرحله قانون گذاری، از پیچیده ترین بخش های تدوین قانون، رعایت ظرافت ها و دقت های حقوقی و اجرایی آزادی انسان است که از سویی حق انتخاب و تصمیم گیری فرد محدود نگردد، و از طرف دیگر منافع جامعه پایمال نشود.

آنچه از روح تعالیم اسلامی استنباط می گردد، این است که اصل در قانون، رعایت آزادی و اختیار فرد در تصمیم گیری شخصی است و در

حد ضرورت و رعایت مصالح جامعه، به دولت و حکومت صالح، اجازه محدود کردن آن داده شده است.

در مسئله تنظیم خانواده، نیز این اصل صادق است. زیرا باید والدین حق انتخاب و قدرت تصمیم‌گیری داشته باشند و مطابق با شرایط و مصالح خویش انتخاب‌گر باشند و تا آنجا که ممکن است این اختیار از آنان سلب نگردد، و اگر مشکلات و نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی، اقتضای کنترل جمعیت را دارد، با ارائه واقعیات و بازگو کردن مشکلات و پیامدهای آن به فرد و خانواده، آنان را به تنظیم خانواده در شکل مطلوب تشویق کنند و ابزار و امکانات مناسب در اختیار آنان قرار دهند. به همین دلیل اغلب دانشمندان شیعه و سنی که با کنترل جمعیت موافقت کرده‌اند، آن را در محدوده آزادی و اختیار فرد و جامعه جایز دانسته‌اند و تأکید کرده‌اند که کنترل جمعیت را نمی‌توان امری کلی و قاعده‌ای عمومی و همیشگی و به طور مطلق دانست.

آنچه ذکر شد، اصول و مبانی تنظیم خانواده بود. و هدف از یادکرد این اصول سه‌گانه، تعیین چهارچوب و معیار برای مباحث بعدی کتاب بود تا به توجه به واقعیت‌ها و دگرگونی‌ها و نیازهای اجتماعی، ضرورت تنظیم خانواده بازگو گردد.

### **نظریات در باب تنظیم خانواده**

با توجه به آنچه گفته شد، اینک وارد بحث اصلی کتاب می‌شویم. اما در آغاز مناسب است اشاره‌ای به اقوال در باب تنظیم خانواده داشته

باشیم و نظریات درباره آن گزارش شود و مورد بررسی قرار گیرد.

نظریاتی که درباره تنظیم خانواده مطرح است، عمدتاً متعلق به دو گروه است. گروهی که با تنظیم خانواده موافق است و گروهی که با آن مخالف است.

کسانی که با تنظیم خانواده موافق هستند، به سه گروه تقسیم می شوند:

1- گروهی که با تنظیم خانواده به طور مطلق موافق اند و برای کنترل جمعیت هیچ محدودیتی غیر از «سقط جنین» قائل نیستند، و حتی «تنظیم خانواده» را یکی از ضروریات اساسی در شرایط کنونی بشریت می دانند.

بنابراین نظریه، کنترل جمعیت قاعده ای کلی و همگانی است که لازم است حکومت برای آن برنامه ریزی کند و در صورت لزوم باید جامعه را ملزم به کنترل سازد.

2- گروه دیگری که تنظیم خانواده را تنها با در نظر گرفتن شرایط خاص هر خانواده جایز می شمارند و بر اساس امکانات فرهنگی و اقتصادی و تربیتی هر خانواده، جلوگیری از فرزنددار شدن را مجاز می دانند. و یا این که برای رعایت سلامتی مادر از زایمان های پی در پی و بدون فاصله و نیز رعایت سلامتی فرزند شیرخوار، جلوگیری از فرزنددار شدن را مجاز می شمارند. این گروه، دخالت دولت و حکومت را در کنترل مشروع نمی دانند؛ اگرچه این دخالت در حد تبلیغ و تشویق کنترل باشد.

بنابراین نظریه، مسئله «تنظیم خانواده» امری فردی و در محدوده

اختیارات زن و شوهر و مصالح فردی آن‌ها است.

3- گروه دیگری، معتقد به نظریه ای بینابین دو گروه یاد شده هستند. نه آن چنان تنظیم خانواده را به طور گسترده جایز می‌شمارند که بگویند، افزایش جمعیت در آینده خطر عمده برای جهان بشریت است تا برای کنترل جمعیت از هر کوششی فروگزاری نکنند، و در هر جا که می‌توانند توصیه به کنترل کنند؛ و نه آن چنان محدودیتی قائل هستند که به دولت اجازه ندهند در جایی که مصلحت جامعه و خانواده است، تشویق و تبلیغ به کنترل بارداری کنند.

بنابراین، متناسب با شرایط جغرافیایی و اقتصادی جامعه و امکانات فرهنگی و اقتصادی هر خانواده، پیشگیری از فرزنددار شدن را جایز می‌دانند، پس بر طبق این نظریه، چه بسا در کشوری این کنترل نباید انجام گیرد، بلکه باید مسلمانان روزه روز افزوده شوند، (1) و در کشوری دیگر این پیشگیری باید انجام شود و حکومت آن باید متناسب با درك شرایط و موقعیت و نیز دانشمندان مسلمان، محدوده تنظیم خانواده را معین کنند و ابزار و لوازم کنترل را در اختیار جامعه قرار دهند، و جامعه را به کنترل تشویق کنند.

ص: 36

---

1- . در کشورهای اروپایی که از پیشگامان کنترل جمعیت و تنظیم خانواده هستند، شرایط و مواردی پیش آمده است که آنان از این روش عدول کرده‌اند و معتقد گردیده‌اند که کنترل جمعیت همیشه مطلوب نیست. مثلاً در فرانسه در سال 1922 - یعنی در سالی که فرانسه کشته بسیار داد -، قانونی وضع شد که هرگونه اقدامی را در زمینه سقط جنین و تبلیغ پیشگیری از حاملگی به طور جدی منع می‌کرد. این قانون تا سال 1968 میلادی لازم الاجراء بود (جمعیت‌شناسی اجتماعی، ص 106). بنابراین، وضع کشورهای اسلامی و شرایط متفاوت آنها را باید در نظر گرفت و از یکدیگر جدا کرد.

البته این گروه، دخالت‌های سخت و تأدیبی حکومت را برای کنترل جایز نمی‌داند و آن را مضرّ و منافی با آزادی‌های انسانی می‌شمارد.

اما کسانی که با «تنظیم خانواده» مخالف هستند، به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شوند و هر دسته، برای جایز ندانستن خود استدلال ویژه‌ای مطرح می‌کند که تأمل در آن از جهاتی قابل توجه است:

1- عده‌ای بدین جهت مخالف تنظیم خانواده هستند، که پیشگیری از بارداری را منافی با اصول اولیه اسلام می‌دانند و توالد و تناسل و تکثیر نسل را اصلی اسلامی و غیرقابل تخطی قلمداد می‌کنند.

2- عده‌ای به دلایل سیاسی و اجتماعی تأکید ورزیده‌اند. به نظر این عده، افزایش مسلمانان موجب قدرت آنان خواهد گردید که می‌تواند دشمنان اسلام را منکوب کند و به همین دلیل کنترل جمعیت در نظر این گروه، زاینده فکر استعمار است و لذا با آن مخالفت می‌کنند.

3- گروهی دیگر، به علت پیامدهای دعوت به جلوگیری از بارداری، مانند: (گسترش فساد و فحشاء، افزایش سقط جنین و محدود کردن آزادی خانواده‌ها) با آن مخالف هستند.

4- برخی نیز «تنظیم خانواده» را زاینده راحت‌طلبی و خوشگذرانی‌های غربی و غرب‌گراها، و فرار آنان از مسئولیت تربیت فرزندان و تحویل آن به جامعه دانسته و به همین دلیل با آن مخالفت کرده‌اند.

البته تفکیک این ادله، به این معنی نیست که ممکن است دلیل مخالفان لزوماً یکی از این دلایل باشد، بلکه طرح آن به این معنی است که این مخالفت‌ها همیشه یکسان نبوده است؛ همچنان که، انگیزه‌ها و علل آن مختلف بوده است. از این رو، تأثیر در نظریه و چگونگی

حدود مخالفت گذاشته است، و گاهی نقد نظریه توسط مخالفی به گونه ای بوده است که تنها به جنبه ای از مسئله پرداخته و استدلال کرده است، در صورتی که مخالفت با کلیت کنترل بارداری عنوان شده است.

## اصطلاح تنظیم خانواده

درباره این که چه کلمه و اصطلاحی برای پیشگیری از فرزنددار شدن مناسب است، بحث های گسترده ای شده است. (1)

این بحث ها بدان جهت بوده است تا تعبیری به کار برده شود که ضمن گویایی و مناسب بودن با حدود این پیشگیری، جنبه های ارزشی و اخلاقی آن رعایت شده باشد.

از مجموع بحث هایی که در گردهمایی های موافقین مسلمان در این باره به دست آمده است، اصطلاح «تنظیم خانواده» است. زیرا به نظر موافقان کنترل، آنچه مهم است، وظیفه ای است که متوجه خانواده ها و رعایت شرایط و موقعیت آن هاست، سپس نوبت به دولت ها می رسد.

از طرفی دیگر، مسئله مهم در باب پیشگیری از فرزنددار شدن، تنها کم شدن فرزند نیست، بلکه برنامه ریزی و انتخاب راهی است که خانواده ها باید در پیش گیرند؛ و این برنامه ریزی توأم با آینده نگری آنان برای رسیدگی به وضع اطفال و رعایت فاصله بین دو نوزادی

ص: 38

---

1- . کسانی که بخواهند به این بحث ها مراجعه کنند، به کتاب: الاسلام و تنظیم الاسرة، ج 1، ص 141، و همچنین ج 2، ص 226 و صفحه 5 از دکتر احمد شرباصی و همچنین کتاب نظرية الضرورة الشرعية، ص 48 مراجعه کنند.

است که می‌خواهند. همچنین آینده‌نگری و ارزیابی توانایی‌هایی است که خانواده از نظر رسیدگی به معاش و اداره کودکان از بعد اخلاقی و تربیتی و زیستی و آموزشی آنان در نظر دارد. از این رو، گروهی «تنظیم خانواده» را به معنای اجتناب از حاملگی‌های ناخواسته تعریف کرده‌اند و تعاریفی چون «بدون برنامه»، «ناخواسته» و «بدون تمایل» در چنین حاملگی‌هایی، به کار گرفته شده است. (1)

بنابراین، آنچه باید در رعایت این اصطلاح مدنظر داشت، تصمیم خانواده است، که چه زمانی آمادگی برای فرزنددار شدن را دارد و آیا پدر و مادر دقیقاً هرگاه که فرزند می‌خواهند، فرزنددار می‌شوند؛ یا چه بسا این آمدن فرزند، ناخواسته و در شرایطی است که مادر توان جسمی و روحی ندارد و پدر نیز فاقد آمادگی اجتماعی و اقتصادی است.

بدین جهت، اصطلاح «تنظیم خانواده» از حدود سال‌های 1349 شمسی در میان اهل فن رایج گشت و پیش از آن تعابیری چون کنترل جمعیت، تنظیم جمعیت، کنترل بارداری، جلوگیری از بارداری، تنظیم بارداری، و پیشگیری از جمعیت به کار برده می‌شد. و روشن است که هیچ کدام از این تعابیر، آن بعد ارزشی و انسانی لازم را نداشت.

از طرف دیگر، «تنظیم خانواده» در نظر موافقان آن، کلمه‌ای جامع، گویا و در بردارنده همه هدف‌هایی است که خانواده از پیشگیری دنبال می‌کند، و می‌تواند این تعبیر را در جامعه به کار ببرند و به پدران و مادران آینده، آینده‌نگری و برنامه‌ریزی را توصیه کنند و از تعبیر آن

ص: 39



هراس به دل راه ندهند. در صورتی که به کار بردن هر اصطلاح دیگر، نوعی سوءبرداشت و سوءتفاهم را در بر خواهد داشت و نوعی از اختلال در آزادی را به همراه خواهد آورد.

همچنین موافقان، این اصطلاح را استعمال کردند تا اشکالات مخالفین پیشگیری را نسبت به این روش خنثی کنند و بگویند تنظیم خانواده، امری مربوط به خانواده و آینده نگری آن‌ها در این محدوده است. از این رو تصمیم خانواده‌ها برای پیشگیری، سابقه ای طولانی در میان مسلمانان، بلکه در میان غیرمسلمانان دارد و در فقه اسلامی این موضوع پیش بینی شده است و تفاوت اساسی با تعابیری چون کنترل جمعیت و مانند آن دارد.<sup>(1)</sup>

بنابراین، نمی توان منکر حق انتخاب خانواده‌ها و اراده شخصی آنان شد. پس اگر ما اصطلاح «تنظیم خانواده» را به کار می بریم، بدان جهت است که می خواهیم در محدوده برنامه ریزی و اراده پدر و مادر سخن

ص: 40

---

1- آقای جمیل مبارک، از نویسندگان معاصر، در کتاب «نظریة الضرورة الشرعية» ص 408، آن گاه که درباره پیشگیری از بارداری سخن می گوید، چنین تفکیکی را قائل شده است و می گوید: اگر منظور از پیشگیری از بارداری فقط در محدوده انتخاب خانواده باشد و به دلیل رعایت شرایط و مشکلات باشد، اصطلاح تازه ای نیست و این مفهوم کاملاً در فقه اسلامی رایج است. اما آنچه قابل توجه است، این است که در اصطلاح تحدید نسل کنترل جمعیت و مانند آن، پیش از آنکه مسئله رعایت شرایط و مشکلات خانواده و مسائل مربوط به خانواده‌ها در آن نهفته باشد، جنبه های دیگری چون انفجار جمعیت و دیگر امور بحث شده است، و بهمین دلیل ما با آن مخالف هستیم و معتقدیم که جایز نیست. همچنین محمد ابوزهره، نویسنده معاصر مصری، در کتاب تنظیم الاسرة، ص 8 از اینکه تنظیم خانواده، بسیار محدود به بحث کنترل جمعیت شده، ابراز ناخوشایندی کرده است.

بگوئیم و اگر دولت‌ها در این باب دخالت می‌کنند، تنها جنبه راهنمایی و هدایت و توجه به مشکلات آینده آنان را دارد.

با توجه به آنچه گذشت، ما در این نوشته این اصطلاح را برگزیدیم و در مقام اثبات و موافقت این نظریه هستیم و مباحث خود را در بحث تنظیم خانواده به دو بخش دسته‌بندی و تنظیم می‌کنیم.

در بخش نخست، در موافقت با «تنظیم خانواده»، دلایل خود را مبنی بر تعالیم اسلامی و واقعیات اجتماعی ارائه می‌دهیم، و در بخش بعدی شبهات مخالفین را طرح می‌کنیم و به نقد آن‌ها می‌پردازیم و در پایان، فروع فقهی مسئله و نظریات فقهای معاصر و روش‌های پیشگیری از بارداری از دیدگاه اسلام و بحث نازا کردن (عقیم کردن) را ارائه می‌کنیم.

### **ضرورت تنظیم خانواده**

در موافقت با ضرورت «تنظیم خانواده»، نخست باید جایز بودن پیشگیری از بارداری را ثابت کرد، و سپس به دلایلی که موجب ضرورت آن می‌گردد، پرداخت و از آنجا که اثبات این دو بحث، ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند، ما این مباحث را در یک مجموعه قرار می‌دهیم و استدلال در باب «تنظیم خانواده» را به ترتیب زیر آوردیم:

1- اصالت اباحه، یا اثبات جایز بودن «تنظیم خانواده» از نظر اسلام. به عنوان اصل اولی.

2- روایات «عزل»: نوعی پیشگیری از بارداری. دلیل بر جایز بودن «تنظیم خانواده».

3- روایات ارشادی، که بیانگر وظایف خانواده و مشکلات فرزندان و به ویژه کثرت عائله است.

#### 4. وظایف و مشکلات خانواده:

وظایفی که در شرایط کنونی، ضرورت تنظیم خانواده را اثبات می کند.

#### 5. جامعه و تنظیم خانواده:

##### اشاره

حقوق جامعه در باب افزایش جمعیت و مشکلات و پیامدهای آن.

##### ادله تنظیم خانواده

اکنون به توضیح یکایک ادله حلیت تنظیم خانواده می پردازیم.

##### 1. اصالت اباحه

قاعده ای است در اصول فقه، که هرگاه در دلیل بر حرمت چیزی شك داریم، اصل بر جایز بودن آن جاری می شود. این قاعده اصولی، در بحث حاضر جاری است. زیرا در بحث «تنظیم خانواده»، قطعاً دلیل خاصی بر تحریم پیشگیری از بارداری نداریم و از این رو، اصل فوق جاری می شود، و نتیجه آن، مباح بودن و جایز دانستن «تنظیم خانواده» است.

افزون بر این که ما از اطلاق برخی از آیات قرآن مجید مباح بودن تنظیم خانواده را استفاده می کنیم. یکی از آیاتی که دلالت بر جایز بودن «تنظیم خانواده» دارد، آیه ذیل است:

نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِنَفْسِكُمْ وَاتَّقُوا

ص: 42

همسران شما، برای شما کشتزارند، پس هر طور که مایل باشید به کشتزار خود درآیید، البته به فکر کاری نیک برای خود باشید و از خدا پروا کنید.

در این آیه، چنین استدلال شده است که «اُنّی» به معنای «حَیْثُ» و «کَیْفَ» آمده است؛ (یعنی هر طور و به هرگونه که می خواهید.) و نیز همسران به کشتزار تشبیه شده اند که محصول می دهند و بدون آنان نسل آدمی قابل تداوم نیست. از آنجا که خداوند رشد و شکل گیری انسان را در رحم زنان قرار داده است، اما اختیار زاد و ولد و بهره گیری از زنان را به مردان داده است، در خطاب به آنان می گوید:

همسران شما، برای شما زایمان می کنند و بچه می آورند، پس هرگاه که می خواهید در هر زمان و در هر مکان و به هر کیفیتی که می خواهید و هرگاه که تشخیص می دهید، آمیزش جنسی کنید. این انتخاب و اختیار با شماست و آزادی عمل دارید.

بنابراین، آیه اطلاق دارد و شامل همه مواردی می شود که انسان بر اساس مصالح اجتماعی و فردی نوع این آمیزش جنسی را انتخاب می کند؛ مگر در مواردی که خداوند دستور اجتناب داده است؛ مانند زمانی که زنان در حالت «قاعدگی» باشند و یا در حالت احرام در حج. که شاید رعایت تقوا در آیه ناظر به همه این موارد، یا نوع و خصوصیت آمیزش و یا توافق نکردن باشد.

از سوی دیگر، با مقایسه با آیاتی که به جنبه هایی دیگر از زندگی زناشویی اشاره می کند، مانند آیه ای که زن و مرد را به لباس برای

یکدیگر تشبیه می‌کند (1) و یا فلسفه ازدواج را آرامش و محبت و دوستی قرار دادن (2) معرفی می‌نماید، و با تناسب با آیات پیشین، بحث در این آیه، درباره بارداری و انواع و چگونگی داشتن بچه و خواستن بچه و بهره گرفتن از زن است؛ زیرا تشبیه به کشتزار و چیدن محصول است و کلمه «فأتوا»، اتیان و آمیزش در همین زمینه است، و نه آنچه برخی از مفسرین گمان کرده اند که آیه ناظر به موارد ممنوع و یا مکروه در دوران «قاعدگی»، لذت و بهره گیری از راه های دیگر باشد.

بنابراین، «اتیان» و آمیزش به هرگونه که باشد، از راه «عزل» (ریختن منی در خارج از فرج) باشد، یا روش های دیگر پیشگیری از بارداری، این آزادی و اختیار بیان شده است.

و بر فرض، اگر کسی در دلالت این آیه مناقشه کند، نمی‌تواند بر «اصل اباحه» به عنوان قاعده ای مسلم و مورد پذیرش در علم اصول فقه، برای جایز بودن پیشگیری از بارداری و به ویژه «تنظیم خانواده»، تردید روا دارد. (3)

ممکن است کسی بگوید: ما از روایات و روح تعالیم اسلامی و فلسفه ازدواج، استفاده می‌کنیم که پراولاد بودن مطلوب است و کسی

ص: 44

---

1- . «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لِهِنَّ». (بقره: 187)

2- . «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً». (روم: 21)

3- . علامه طباطبایی در دلالت این آیه برای جواز عزل تردید کرده اند و فرموده اند: از عجایب تفسیر این است که به این آیه بر جواز «عزل» استدلال کرده اند، در صورتی که این آیه چنین اطلاقی ندارد (المیزان، ج 2، ص 213) ولی اگر اطلاق بر جواز عزل نداشته باشد، که بنظر ما دارد، دلالت بر «تنظیم خانواده» دارد که به طور کلی شامل هر نوع آمیزش جنسی می‌شود.

که بخواهد به گونه ای این مطلوبیت را خدشه پذیر کند، با فرهنگ و تعالیم اسلامی ناسازگاری کرده است.

واقعیت آن است که در يك نگرش کلی به آیات و روایات، با توجه به آنچه، در پی اثبات آن در باب «تنظیم خانواده» هستیم، می توانیم بگوییم: هیچ دلیلی بر حرمت «تنظیم خانواده» نداریم و اگر مطلوب بودن زیاد اولاد داشتن و تکثیر نسل هم ثابت شود - که به طور تفصیل در بخش دوم کتاب به شبهات مخالفین، پاسخ داده خواهد شد - اما دلیل بر حرمت پیشگیری از بارداری نمی شود. و بر فرض، که این ادله، زیاد بچه داشتن را ثابت کند - که ما چنین چیزی را در شرایط فعلی قبول نداریم - اما همین اندازه دلالت داشتن، به معنای الزام و وجوب تکثیر نسل نیست تا با جایز بودن «تنظیم خانواده» ناسازگاری داشته باشد.

به عبارت دیگر، روایات تکثیر نسل، استحباب آن را ثابت می کند، و «قاعده اباحه»، جایز بودن «تنظیم خانواده» را. و این دو با هم تنافی ندارد و حداکثر معنایش این می شود که «تنظیم خانواده» برخلاف استحباب است. در این صورت، کسی می تواند ادعا کند، در صورت ضرورت و شرایط خانوادگی و اجتماعی، تنظیم خانواده حتی برخلاف استحباب هم نخواهد بود و کراهت نخواهد داشت.

## 2. روایات «عزل»

یکی از ادله ای که می تواند افزون بر قاعده اباحه، دلالت بر جایز بودن پیشگیری از بارداری داشته باشد، روایات «عزل» است. این

روایات که به صراحت از رایج بودن نوعی از کنترل در عصر بعثت خبر می دهد، شاهدهی است بر این مدعا که در میان مسلمانان مسئله پیشگیری از بارداری مرسوم بوده است.

در روایات «عزل» - که به معنای ریختن منی در خارج از فرج زن در هنگام آمیزش باشد - مشروعیت این مسئله مورد سؤال پیامبر خدا و ائمه معصومین، قرار گرفته است، و آنان این روش را جایز دانسته اند.

آنچه از کتاب های پزشکی و تاریخی استفاده می شود، آن است که در آن عصر در میان مسلمانان روش های گوناگونی برای پیشگیری از بارداری رایج بوده و چگونگی این روش ها در این کتاب ها آمده است. (1)

ولی سخن و تردید درباره «عزل» بوده، و بدین جهت به خاطر خصوصیتی که عزل داشته است، از آن سؤال می شده است.

درباره «عزل»، در کتاب های نکاح در فقه شیعه و سنی بحث شده و مشهور میان فقها، قائل به جایز بودن عزل هستند. (2) به عنوان نمونه مرحوم شیخ طوسی در این باره می فرماید:

«برای مرد کراهت دارد که بدون رضایت زن خود «عزل» کند و اگر انجام داد، ترك فضیلتی کرده است. البته در هنگام عقد اگر شرط کرد، یا عقد دائم نبود، دیگر کراهت هم ندارد.» (3)

ص: 46

---

1- . از کتاب هایی که به این موضوع پرداخته اند: الحاوی، از ابوبکر رازی، فصل 24، و کامل الصنعة الطبیعة از علی بن العباس المحبوسی، فصل 28 و قانون، بوعلی سینا، ج 2، ص 375، و کتاب الارشاد لابن جامع، و تذكرة داود الانطاکی، و الحاوی فی الطب. از اسماعیل الجرجانی.

2- . الحدائق الناضرة، ج 23، ص 86؛ و الفقه الاسلامی وادلته، ج 3، ص 554.

3- . النهایه، ص 482.

مرحوم شیخ یوسف بحرانی در حدائق نیز قائل به جواز عزل است، و تنها در صورت عدم رضایت زن آن را مکروه دانسته است. (1)

همچنین، مرحوم سید یزدی در کتاب عروه الوثقی همین فتوا را داده، و آقای حکیم نیز آن را تأیید کرده است. (2)

خلاصه اینکه، عموم فقهای شیعه، «عزل» را به عنوان یکی از راه های پیشگیری از بارداری جایز دانسته اند. و فقط در صورتی که زن راضی نباشد، و آن هم در عقد دائم، قائل به کراهت آن شده اند.

البته ابن حمزه، از فقهای شیعه و ابن حزم ظاهری، از فقهای اهل سنت، عزل را جایز ندانسته اند. و ابن حمزه می گوید: اگر زن رضایت داشته باشد یا در هنگام عقد این مسئله شرط شده باشد، باز جایز است. (3)

ولی در هر صورت، این مخالفت اندک قابل توجه نیست.

از آنجا که مدرک فقهای اسلام برای جایز بودن «عزل»، روایاتی است که با طریق موثق از پیامبر و اهل بیت و همچنین از طریق اهل سنت نقل شده است، ما نمونه ای از این روایات را مطرح می کنیم:

1. صحیح محمد بن مسلم:

قال: سألت ابا عبد الله عن «العزل»، فقال: ذاك إلى الرجل يصرفه حيث شاء؛ (4)

محمد بن مسلم می گوید از امام صادق درباره «عزل» سؤال

ص: 47

---

1- . الحدائق الناضرة، ج 23، ص 88.

2- . مستمسك العروة الوثقى، ج 14، ص 68.

3- . سلسلة الينابيع الفقهية، ج 18، ص 309؛ والمحلى، ج 10، ص 88.

4- . وسائل الشیعه، ج 14، باب 75 از ابواب مقدمات و آداب نکاح، حدیث 1/105.



کردم؟ حضرت فرمودند: این مربوط به مرد است، هرگونه که می خواهد می تواند انجام دهد.

این حدیث را افزون بر کلینی، شیخ طوسی از طریق اساتید خود و شیخ صدوق نیز نقل کرده است.

از این حدیث، که از نظر سند صحیح است، اختیاری بودن «عزل» و پیشگیری از بارداری برای شخص استفاده می شود و دلالت دارد که حق انتخاب با مرد و خانواده است.

روایت دیگری به همین مضمون از طریق عبدالرحمن بن ابی عبدالله، از امام صادق نقل شده، و سند آن در اصطلاح علم رجال موثقه است. (1)

2. موثقه محمد بن مسلم عن ابی جعفر

قال: لا بأس بالعزل عن المرأة الحرة إن أحب صاحبها، وإن كرهت، ليس لها من الأمر شيء؛ (2)

این خبر که مورد اعتماد می باشد و به اصطلاح علم رجال موثقه است، از امام باقر نقل می کند که حضرت فرمودند:

اشکالی ندارد که مرد اگر دوست دارد، منی خود را در هنگام آمیزش خارج از رحم زن آزاده بریزد، اگر زن آن را قبول دارد و اگر مخالف باشد و این کار را کرد باز بر مرد چیزی نیست.

از این حدیث، جایز بودن «عزل» به طور کلی استفاده می شود؛ حتی

ص: 48

---

1- . همان، حدیث 2.

2- . همان، حدیث 4.

با عدم رضایت زن. گرچه مناسبات اجتماعی امروز میان زن و مرد دگرگون شده و توافق در این امور لازمه زندگی زناشویی آرام است.

3. همین طور صحیحه دیگر از محمدبن مسلم نقل شده است که:

قال: قلت لابی جعفر: الرجل يكون تحته الحرّة اعزل عنها؟ قال: ذاك اليه، ان شاء عزل وان شاء لم يعزل؛ (1)

به امام باقر عرض کردم: مردی است که زن آزاده ای را به همسری گرفته است؛ آیا می تواند عزل کند؟ حضرت فرمودند: این حق مربوط به مرد است، می تواند انجام دهد تا باردار شود و می تواند عزل نکند.

این خبر دلالت بر جایز بودن عزل دارد و حق انتخاب را با مرد قرار می دهد. اما نکته مهم آن جایز بودن پیشگیری و حق انتخاب است.

4. سعد بن عبدالله فی بصائر الدرجات، عن محمدبن الحسين... عن ابی بصیر، عن ابی عبدالله :

قال قلت له: ما تقول فی العزل؟ فقال: كان علی

لا يعزل، واما انا اعزل. فقلت: هذا خلاف، فقال: ما ضرّ داوود ان خالفه سليمان، والله يقول: فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ؛ (2)

ص: 49

---

1- . همان، حدیث 5.

2- . همان، حدیث 6.

سعدبن عبدالله در کتاب «بصائرالدرجات»، از طریق روایت خود از ابی بصیر نقل می کند، که به امام صادق عرض کردم: نظر شما درباره عزل چیست؟ حضرت فرمودند: علی عزل نمی کرد، ولی من انجام می دهم. عرض کردم این کار خلاف است! فرمودند: [این تفاوت بین من و جدم] ضرر نمی رساند، همان طوری که ضرر نمی رساند به داوود، اگر حضرت سلیمان با کاری که او انجام داده است، مخالفت کند، زیرا خداوند در این باره می فرماید: «ففهمناها سلیمان» (1). یعنی ما نحوه اجرای حکم را به سلیمان یاد دادیم.

از این حدیث چند نکته استفاده می شود:

1. جلوگیری از ریختن منی در خارج از فرج، جایز و امری اختیاری برای مرد است.

2. روش ائمه در این باره مختلف بوده و این به صلاحدید و شرایط متفاوت آنان بوده است. زیرا حضرت امام صادق عملی را انجام می داده است که با کار امام علی، متفاوت بوده است. چون شرایط زندگی ائمه طاهرین از نظر پیشگیری از بارداری و بچه داشتن، متفاوت بوده است. با توجه به این که آنان کارهایشان بر اساس مصلحت انجام می گرفته است، و امیر مؤمنان در شرایطی بوده اند که نمی خواسته اند جلوگیری کنند؛ ولی مصلحت زندگی امام صادق و شرایط اجتماعی ایشان اقتضای پیشگیری را می کرده است، و این مسئله حق انتخاب و

ص: 50

داشتن بچه را به عهده فرد گذاشته است، و نخواسته اند کسی در این باره دچار شکل و در محدودیت واقع شود.

3. انبیا نیز در این باره راه شان متفاوت بوده است.

روایت دیگری به همین مضمون از طریق عبدالرحمن بن ابی عبدالله، از امام صادق نقل شده و سند آن در اصطلاح علم رجال موثقه است. (1)

بنابراین، همان طوری که مشهور از فقها، فرموده اند، پیشگیری از بارداری به این شکل (عزل)، امری جایز می باشد و استفاده می شود که در صدر اسلام عزل، مرسوم و معمول بوده، و سیره مسلمانان بر حق انتخاب و آزادی عمل خانواده بوده است. افزون بر اینکه، این سیره مسلمانان، که یکی از دلایل فقهی برای حکم در فقه می باشد، مورد تأیید پیامبر و ائمه طاهرين قرار گرفته است.

البته، در اینجا این بحث مطرح می شود که آیا مرد به تنهایی چنین حقی را دارد و وی تنها تصمیم گیرنده برای بچه دار شدن است و یا این که حق «عزل» برای زن هم هست، و باید رضایت او را جلب کرد و بدون اجازه زن منی را خارج از محل آمیزش نریخت؟

به نظر می رسد، در این مسئله دو نکته باید از هم جدا شود: یکی مسئله بچه دار شدن و نشدن است و دیگری، مسئله ریختن منی و رضایت زن مطرح است.

ظاهراً آنچه در روایات «عزل» مورد اختلاف است، مسئله دوم است. گروهی گفته اند که چون در روایات، این اختیار به شوهر داده شده

ص: 51

---

1- . همان، حدیث 2.

است، پس رضایت زن شرط نیست.

در برابر آن، گروهی دیگر گفته اند: چون روایات دیگری دلالت بر کراهت عزل دارد، باید این حکم در جایی باشد که زن رضایت نداشته باشد، و این مطلب به طور صریح در بعضی از روایات آمده است و دلیل آن هم روشن است، چون اگر مرد در هنگام آمیزش، منی خود را بیرون ریخت، در واقع لذت زن ناتمام می ماند و وی از داشتن فرزند محروم می گردد. از این رو، باید رضایت زن جلب شود. به نمونه ای از این روایات توجه کنید: شیخ طوسی باسناد خود:

عن محمد بن مسلم عن احدهما انه سئل عن العزل؟ فقال... فاما الحرّة، فاني اكره ذلك، إلا أن يشترط عليها حين يتزوجها؛ (1)

در خبر صحیحی از امام باقر یا امام صادق، نقل شده است که محمد بن مسلم از حضرت سؤال کرد، نظر شما درباره عزل چیست؟ حضرت فرمودند: اگر زن آزاده باشد، من کراهت دارم که این کار انجام شود؛ مگر این که در هنگام ازدواج، با آن زن شرط کرده باشم که من می خواهم عزل کنم.

از این حدیث شریف چند نکته استفاده می شود:

1- بدون رضایت زن هم عزل، جایز است؛ ولی کراهت دارد. این کراهت، گرچه در زبان روایات اعم از کراهت در اصطلاح فقهی است و حتی شامل صورت حرام هم می شود، اما در اینجا به قرینه روایاتی

ص: 52

---

1- . وسائل الشیعه، ج 14، باب 76 از مقدمات نکاح، حدیث 1/106.

که کم هم نبودند، منظور کراهت در اصطلاح فقها است، یعنی عملی که جایز است، ولی اگر ترك شود، بهتر است. به همین دلیل، غالب فقها، - رحمه الله عليهم - فتوا به جواز «عزل» داده اند، و در صورتی که رضایت زن نباشد، یا در هنگام عقد شرط نکرده باشد، قائل به کراهت شده اند. (1)

و تفصیل بیشتر این بحث در هنگام طرح شبهات مخالفین، در بخش دوم کتاب خواهد آمد.

2- کراهت با جایز بودن سازگار است. یعنی حتی اگر زن هم راضی نباشد، «عزل» جایز است.

3- همان طوری که بعداً توضیح خواهیم داد، روش پیشگیری از بچه دار شدن، نه در عصر رسالت، و نه در زمان ما، اختصاص به «عزل» ندارد؛ بلکه شامل همه روش هایی می شود که متوقف بر حرامی نباشد. ولی آنچه درباره «عزل» خصوصیت دارد، مسئله ارضای غریزه و حق شخصیت زن و نقش اراده او در زندگی در همه ابعاد آن است، که بدون ریختن منی در رحم برای زن حاصل نمی شود.

از آنجا که خداوند در مسئله ازدواج و تأمین غریزه جنسی، این حق را به زن و شوهر هر دو داده است، مرد نمی تواند تنها به فکر خود باشد، از این رو، در روایات عزل کردن بدون توافق زن، نامطلوب و تعبیر به کراهت شده است. اما اگر روش های دیگری باشد، گویی ظاهراً این مشکل زنان را حل می کند، در نتیجه دیگر رضایت زن شرط نیست و پیشگیری کراهت ندارد. اما حقیقت مساله این است تنها

ص: 53

---

1- . مرحوم شیخ طوسی در نهاییه، و ابن براج و ابن ادریس گفته اند: عزل در صورتی که زن رضایت ندهد، کراهت دارد (الحدائق الناضرة، ج 23، ص 86)

رضایت زن در کسب لذت مطرح نیست، بلکه در بچه دار شدن و امور دیگر هم مطرح می باشد و چون ازدواج امری دو طرفی است، در تمام شئون آن رضایت هر دو شرط است.

در فقه اهل سنت نیز همین موضوع مطرح است. عموم فقهای مذاهب اهل سنت، عزل را جایز شمرده اند. فقط «ابن حزم ظاهری» جایز ندانسته است. ولی بقیه فقها، جواز عزل را مانند برخی از فقهای شیعه، مشروط به رضایت زن کرده اند. (1)

دلیل آنان بر جواز «عزل»، روایاتی است که دلالت دارد در زمان پیامبر، مسلمانان عزل می کردند و پیامبر مطلع بود و آن ها را از این عمل باز نداشت، البته تعبیر این تقریر و تأیید، مختلف است.

به نمونه ای از این روایات اشاره می کنیم:

عن عطاء عن جابر، قال كُنَّا نَعزِلُ عَلَى عهد النبي . [وأيضاً] عن جابر، كُنَّا نَعزِلُ والقرآن ينزل. [وأيضاً] كُنَّا نَعزِلُ عَلَى عهد النبي والقرآن ينزل؛ (2)

عطاء از جابر نقل کرده است که ما در زمان پیامبر عزل می کردیم، یا در زمان پیامبر عزل می کرده ایم و قرآن نازل شد.

ص: 54

---

1- . الفقه الاسلامی وادلتہ، ج 3، ص 554 به نقل از: تکملة الفتح، ج 8، ص 109؛ احیاء علوم الدین، ج 2، ص 47؛ نیل الاوطار، ج 6، ص 197؛ فتح القدير، ج 2، ص 494؛ الشرح الكبير، ج 2، ص 266؛ المهذب، ج 2/66؛ مغنی، ج 223؛ شرح مسلم، ج 10، ص 6 و 17.

2- . صحیح بخاری، ج 3، باب عزل [96] 262.

(کنایه از این است که قرآن ما را از این عمل باز نداشت.)

البته در صحیح مسلم، تعبیر دیگری آمده است:

كُنَّا نَعِزُّ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ فَبَلَغَهُ ذَلِكَ فَلَمْ يَنْهَانَا؛ (1)

یعنی ما در زمان پیامبر عزل می کردیم و به پیامبر این عمل رسید و آن حضرت مطلع شدند و ما را از این کار باز نداشتند.

البته شافعیه و حنابله و گروهی دیگر، قائل اند که عزل جایز است، اما کراهت دارد؛ چون برخی از اخبار چنین دلالت دارد. (2)

همچنین بسیاری از دانشمندان اهل سنت معاصر نیز عزل را جایز می شمارند حتی کسانی که با ترویج روش های پیشگیری از بارداری مخالف هستند، این نوع پیشگیری را جایز می شمارند. (3)

\*\*\*

با توجه به آنچه از نظریات علمای شیعه و سنی و روایات فریقین بیان شد، جواز «عزل» به عنوان یکی از روش های پیشگیری از بارداری رایج در زمان پیامبر و ائمه معصومین، روشن شد، اکنون بحثی که مطرح است، این است که با جایز بودن عزل، می توان این حکم را به همه روش های دیگر پیشگیری از بارداری سرایت داد و گفت:

ص: 55

---

1- . نیل الاوطار فی شرح منتقى الاخبار، جزء 6، ص 195.

2- . الفقه الاسلامی و ادلته، ج 3، ص 554.

3- . برای اطلاع بیشتر به کتاب های ذیل رجوع شود: مسألة تحديد النسل، ص 28؛ الاسلام والحياة الجنسية، ص 95 و تنظيم الاسرة وتنظيم النسل، ص 99؛ الزواج والطلاق، ص 58؛ الاسلام وتنظيم الاسرة، مجموعه ای از نویسندگان معاصر، لاتحاد العالمی لتنظيم الوالديه.



همه روش هایی که پیش از باردارشدن برای منعقد نشدن نطفه در رحم بکار گرفته می شود، جایز است؟

در پاسخ به این سؤال، باید گفته شود، که آری چنین است، و دلیلی نداریم که تنها عزل جایز باشد، و روش های دیگر، که انجام آن همراه با حرامی نیست، جایز نباشد. زیرا اگر ثابت شد که «عزل» به عنوان روشی در پیشگیری در اسلام جایز است، و عزل خصوصیتی ندارد، می توان از این روش به دیگر روش هایی که پیش از انعقاد نطفه است، سرایت داد و به تعبیر فقهای عظام، «الغاء خصوصیت» کرد. زیرا همه این روش ها عقلایی و با یک هدف انجام می گیرد و دلیل بر ویژگی آن نیست.

بگذریم از آن نکته ای که در آغاز اشاره کردیم که هیچ دلیلی بر حرمت «تنظیم خانواده» - به این معنا که گفتیم - نداریم و قاعده اصولی «اصالت اباحه»، بر تمام موارد، مانند «عزل» جاری است.

بنابراین، هر روشی که بتواند این هدف را تأمین کند، و شرایط زیر را داشته باشد، دارای همان ملاک «عزل» است؛ چه قرص باشد، یا داروی گیاهی، یا کاندوم، یا تزریق مایعی برای جلوگیری، یا استعمال شیاف هایی که ماده منی را از بچه شدن زایل کند. همه آن ها جایز است، البته با این شرایط که عبارات است از:

1- پیش از انعقاد نطفه باشد.

2- ضرری به نظر متخصصان مورد اطمینان، به زن یا شوهر وارد نکند.

3- متوقف بر فعل حرامی، مانند دیدن عورت و مانند آن نباشد.

ص: 56

البته آنچه گفته شد، در شرایط عادی است، ولی در صورت مصلحتی مهم یا در صورت اضطرار، می توان برخی از این شرایط را مانند شرط سوّم، نادیده گرفت که موارد آن را با ذکر توضیحات و نظریات فقهای معاصر، در آینده طرح خواهیم کرد. ولی چون بحث در استنباط از ادّله «عزل» برای کنترل از بارداری است، به همین اندازه اکتفا می کنیم و به دیگر ادّله می پردازیم.

### 3. روایات ارشادی

#### اشاره

آنچه تاکنون برای «تنظیم خانواده» استدلال کردیم، در اثبات مباح بودن آن بود که با قواعد اولیه و روایات، جایز بودن نوعی از پیشگیری به دست می آید. در این قسمت ما به روایاتی اشاره می کنیم، که جنبه ارشادی دارد و خطرات و پیامدهای کثرت عائله را بازگو می کند و دشواری های زیاد بچه داشتن را مورد اشاره قرار می دهد، در نتیجه، مطلوب بودن «تنظیم خانواده» در آن شرایط به اثبات می رسد.

علامه مجلسی، در کتاب بحار الانوار، بابی را تحت عنوان: «باب فضل توسعه العیال و مدح قلة العیال»<sup>(1)</sup>

گشوده است و در این باب، که در دو بخش روایات را جمع آوری کرده است، بخشی مربوط به اهمیت در وسعت قرار دادن خانواده، و بخشی به فضیلت کم داشتن عیال و فرزند. در این بخش دوم، به چند روایت درباره تشویق به کم بچه داشتن اشاره می کند، که عمده این روایات، جنبه ارشادی به حکم عقل دارد.

ص: 57

به نمونه ای از این روایات اشاره و توضیح بیشتر آن را به بخش های دیگر واگذار می نمایم.

1. عن ابن علوان عن الصادق عن ابيه قال: قال رسول الله: قلة العيال احد اليسارين؛(1)

ابن علوان می گوید امام صادق از پدرش نقل کرد که پیامبر فرموده است: کمی فرزندان یکی از دو راحتی است.

«یسر» که به معنای آسانی و راحتی است، در اینجا به معنای غنا و ثروت است، یا کسی باید ثروت داشته باشد تا فرزندانش را بتواند به راحتی و آسانی اداره کند، یا عیال و فرزند کمی داشته باشد تا به اندازه ثروت به او کمک کند و چون در آن زمان، عمده مشکلات برای اداره يك خانواده مسئله مال بود، حضرت فرمودند: کمی عیال، یکی از دو راحتی و آسانی است که کنایه از ثروت است. و در واقع حدیث یاد شده ارشاد می کند به این که در جایی که امکانات ندارید، فرزند بسیار داشتن نمی تواند مطلوب باشد.

2. عن الرضا عن ابيه عن جده، قال: مرّ جعفر بصيّاد فقال: يا صيّاد أئى شئ اكثر ما يقع فى شبكتك؟ قال: الطّير الرّاق. قال: فمرّ وهو يقول: هَلْكَ صَاحِبُ الْعِيَالِ،

ص: 58

---

1- . بحار الانوار، ج 101، ص 71.

امام رضا از پدرش از جدش امام صادق نقل می کند، در کوچه به صیّادی برخورد کردند، از او سئوّل کردند بیشترین صیدی که به دام تو می افتد، از کدام قسم هستند؟ صیاد در پاسخ گفت: پرندگانی که جوجه دارند. [به خاطر سیر کردن جوجه های خود به سراغ طعمه می آیند و در دام صیاد گرفتار می شوند. حضرت از او گذشتند، در حالی که می فرمودند: بیچاره، کسی که عیالمند است. بیچاره کسی که عیالمند است.]

علاوه بر روایات یاد شده، روایات دیگری نیز هست که به برنامه ریزی و اقتصاد در معیشت و عاقبت اندیشی و عقل در معیشت اشاره می کند و انسان را به محاسبه و آینده نگری در زندگی دعوت می کند، که در بحث های بعدی به این دسته از روایات اشاره خواهیم کرد.

بنابراین، روایات فوق، مسئله دیگری را افزون بر حلال و مباح بودن پیشگیری از بارداری مطرح می کند و آن عقل و تدبیر در معیشت است و اشاره به این واقعیت دارد: در جایی که برای انسان عیالمند امکان اداره زندگی نیست و یا مشکلات زندگی و اداره و تربیت و مسائل دیگر فرزندان وجود دارد، بهتر آن است که شخص کمتر بچه داشته باشد؛ وگرنه فقر و سختی گریبانگیر او خواهد شد و آسیب پذیر می گردد و به طور کلی خانواده هایی که عیالمند و دچار فقر هستند، در دام سختی ها و بدبختی ها گرفتار می شوند.

ص: 59

بدیهی است آنچه را که احادیث فوق به آن اشاره می‌کند موضوعی تعبدی و امری پنهانی و سّری نیست، بلکه جنبه ارشادی به حکم عقل دارد و به گونه ای است که برای هر انسان خردمند به خوبی قابل درک است.

دسته ای دیگر از روایات که می‌تواند در بخش «تنظیم خانواده» مفید باشد، روایاتی است که وظایف والدین را نسبت به فرزندان برمی‌شمارد و مسئولیت سنگین آنان را از جنبه معیشت و تغذیه و لباس و آموزش و تربیت، یادآوری می‌کند و نشانگر آن است که انسان نمی‌تواند تنها به داشتن بچه بدون در نظر گرفتن نیازها دلخوش باشد، بلکه باید آینده و نیازها و مشکلات آنان را مورد توجه قرار دهد. و نتیجه کلی که از این روایات گرفته می‌شود، این است: در صورتی که امکان انجام این وظایف نباشد، زیاد فرزند داشتن مطلوب نخواهد بود.

از آنجا که توضیح این بخش می‌تواند در فهم مقصود ضرورت «تنظیم خانواده» در شرایط خاص خود به ما کمک نماید، به تفصیل در این باره خواهیم پرداخت.

### **مشکلات و وظایف خانواده**

بدون شك، یکی از وظایف حساس پدر و مادر، مسئولیت اداره خانواده و رسیدگی به نیازها و مشکلات فرزندان و افراد خانواده است. وظایفی که آگاهی از آن، شرط نخست تشکیل خانواده و داشتن فرزند است.

این وظایف جنبه های مختلفی را در بر می‌گیرد، که از آن جمله

است وظایف اقتصادی و معیشتی، وظایف تربیتی و اخلاقی، بهداشتی و درمانی، روحی و روانی که باید به یکایک آن ها پرداخت و اهمیت هرکدام و مسئولیتی را که بر دوش خانواده و به ویژه پدر و مادر است، مورد عنایت قرار داد.

#### 1 - 4 وظایف اقتصادی

اداره فرزندان از نظر خوراك و پوشاك و مسكن و تهیه وسائل آموزشی مناسب و فرستادن آنان به مدرسه و تعلیم حرفه و فن برای آمادگی شغل، یکی از وظایف والدین است.

بدون شك، ما در عصری زندگی می کنیم که ارتباط انسان ها و تأثیر و تأثیرپذیری آن ها نسبت به یکدیگر چند برابر شده است. در نتیجه، خواسته ها و نیازهای جدیدی برای خانواده و فرزندان مطرح می شود که تأمین نکردن آن مشکلاتی را برای آنان به وجود می آورد.

از طرف دیگر، امروزه شاهد افزایش روزافزون سطح مصرف و تنوع خوراکی ها و نوشیدنی ها هستیم که سرپرست خانواده نمی تواند همیشه در مقابل این خواسته ها جواب منفی بدهد و چاره ای نمی بیند جز آن که تا حدی آن ها را تأمین کند.

چنین وظیفه ای، گرچه شامل همسر و دیگر اعضای خانواده و از آن جمله پدر و مادری می شود که تأمین و اداره آن به دوش فرزند است، اما آنچه می تواند جنبه اختیاری داشته باشد و تأثیر فراوانی در معیشت خانواده دارد، نسبت به فرزندان است که او در انتخاب تعداد آن ها آزاد و صاحب اراده است.

در فرهنگ قرآنی و تعالیم نبوی، از نخستین وظایف پدران، اداره نیکوی خانواده است، خداوند متعال در این باره می فرماید:

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (فرقان: 67)؛

آنانی که خرج می کنند و انفاق می نمایند، نه اسراف می کنند و نه خست به خرج می دهند. بلکه بین این دو راه میانه را برمی گزینند.

خداوند در این آیه، تأکید بر میانه روی در انفاق و خرج کردن می کند، به گونه ای که نه در آن اسراف کاری و بیهوده مصرف کردن باشد و نه آن چنان خست و تنگ گرفتن باشد که خانواده در سختی بسر برند.

همچنین در حدیثی که از پیامبر گرامی خدا نقل شده است، آن حضرت در باب وظایف پدر، چنین دستور می دهد:

حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُعَلِّمَهُ الْكِتَابَةَ وَالسَّابْحَةَ وَالرَّمَايَةَ وَأَنْ لَا يَرْزُقَهُ إِلَّا طَيِّبًا؛<sup>(1)</sup> حق فرزند بر پدر آن است که وی را نوشتن و شنا و تیراندازی یاد دهد و روزی او را از چیزهایی که دلپسند و مطبوع آن ها است، فراهم سازد.

این که پدر هر خانواده باید به فرزندانش روزی و غذای مطبوع و

ص: 62

دلپسند بدهد، مفهوم شامل و کلی دارد که نوع نگرش اسلام به وظایف اقتصادی و معیشتی پدر را بیان می کند.

از طرف دیگر، از وظایف پدر، افزون بر تأمین خوراک و لباس، آموزش علوم مورد نیاز و شنا و تیراندازی و فنونی است که در هر عصر، فرزندان به آن نیاز دارند. (1)

بالا تر از این ها، از وظایف پدر این است که فرزندان خود را در جای مناسب و شغل خوب و موقعیت شرافتمندانه ای قرار دهد. حدیث پیامبر در این باره چنین است: «وَضَعَهُ مُوَضِعًا حَسَنًا». (2)

این حدیث با تعبیری شامل، دلالت بر همه مسئولیت های اقتصادی و تربیتی و اجتماعی پدران دارد، که در این نوشته جای پرداختن و توضیح و تفصیل ابعاد آن نیست.

با توجه به چنین وظیفه ای، اگر نگاهی به وضعیت تغذیه کودکان در کشور بیندازیم، می بینیم که این وظیفه در کشور با چه دشواری هایی همراه است. به این گزارش توجه کنید.

«از جمله مسائل مهمی که کشور ما با آن مواجه است، مشکل تهیه مواد غذایی برای جمعیت روزافزون مملکت است.

بررسی های انجام شده نشان می دهد که در کشورهای در حال توسعه برای هر نفر باید چهار درصد هکتار زمین زیر کشت برود تا مواد غذایی و کالری لازم برای ادامه حیاتش تأمین شود. از طرف دیگر، هر پانزده ثانیه يك نفر متولد می شود و هر نود ثانیه يك نفر از بین می رود، که تفاضل آن پنج خواهد بود [یعنی در

ص: 63

---

1- . وسائل الشیعه، ج 15، ص 194 و 200.

2- . همان، باب 86 از ابواب احکام اولاد، ج 15، ص 198.



هر نود ثانیه 5 نفر بر جمعیت کشور افزوده می شود]، لذا هر 5/1 دقیقه باید دو هکتار زمین مورد بهره برداری قرار گیرد تا تکافوی غذای لازم را برای آنان بنماید.

امروزه ما در کشورمان حدود دوازده میلیون هکتار زمین زیر کشت داریم که فقط برای تغذیه سی میلیون نفر کفایت می کند. با توجه به جمعیت پنجاه و شش میلیونی ایران [در تاریخ نوشتن این مقاله] ما برای بیست و شش میلیون نفر باید مواد غذایی از خارج کشور وارد کنیم که سالیانه چند میلیارد دلار هزینه آن می شود. (1)

این آمار، تنها به بخش کشاورزی مسئله تغذیه مربوط می شود. در قسمت مواد دیگر پروتئینی، مثل گوشت، لبنیات، میوه ها و مانند آن جای خود دارد. به نمونه ای دیگر از آمار در باب تغذیه اشاره می کنیم:

بررسی های به عمل آمده نشان می دهد که در زمان حاضر به طور متوسط فقط یک هفتم مقدار پروتئینی لازم به افراد مملکت می رسد و کمبود مواد پروتئینی می تواند عامل مهمی برای مساعد کردن بدن در ابتلاء به بیماری های مختلف باشد. (2)

بنابراین، گرچه متأسفانه اطلاعات فراگیر و به روز، در زمینه وضعیت کنونی تغذیه در کشورمان وجود ندارد، اما بررسی های پراکنده ای که طی مطالعات میدانی در کشور انجام شده، نشان می دهد که سوء تغذیه پروتئین، انرژی، کم خونی، فقر آهن، اختلالات ناشی از کمبود ید و کمبود مزمن انرژی، از مشکلات عمده تغذیه ای کشور است. و

ص: 64

---

1- . مجله بهداشت جهان، تغذیه و جمعیت، سال ششم، شماره دوم، ص 27.

2- . همان.

بررسی های سال 1368، در تمام استان های کشور نشان داد که در حدود 20 میلیون نفر از مردم کشور مبتلا به کمبود خفیف و متوسط ید و دست کم 3 میلیون نفر مبتلا به کمبود واضح می باشند. (1)

باز به نمونه ای دیگر از نظریات کارشناسان در همین موضوع توجه کنید:

اما کثرت اولاد از نظر اقتصادی، خانواده ها را با دشواری ها روبرو می سازد. فرزندان دچار سوء تغذیه می شوند. به قدر کافی رشد نمی کنند. آمادگی برای ابتلاء به بیماری های گوناگون، خاصه سل، ضعف بنیه و کم خونی پیدا خواهند کرد. و به طور کلی وضع بهداشت چنین خانواده هایی در معرض خطر قرار می گیرد.

به علاوه، چه استعدادهایی که بر اثر فقر شکوفا نگردیده و سرمایه های عالی ناشناخته و به ثمر نرسیده، پژمرده و نابود شده است. (2)

و باز به نمونه دیگری از مشکلات نسبت به وظیفه اقتصادی و معیشتی پدر توجه کنید:

سوء تغذیه برای چهار میلیون و چهارصد هزار کودک ایرانی، خود آغاز بیماری هاست. هیچ آمار مشخصی نیست که نشان دهد چه تعداد کودکانمان از گرسنگی می میرند. اما در بیشتر کودکان بیماری که مرگ به سراغشان می آید، تغذیه و رژیم

ص: 65

---

1- . روزنامه جمهوری اسلامی، شماره 3316 به نقل از سمینار مسائل پژوهش غذا و تغذیه در کشور.

2- . مبانی جرم شناسی، ج 3، ص 691.

غذایی نقش بسزایی دارد. سوء تغذیه مادر در هنگام بارداری، شرایط زیست کودک را صد درصد در خطر می اندازد و نوزاد را به انواع بیماری ها، آسیب پذیر می سازد. در کودکانی که از تغذیه بدی برخوردار هستند، بیماری های طولانی و گاه کشنده تر است. (1)

و از طرف دیگر، یکی از وظایف پدر، شوهر دادن و زن دادن دختران و پسران است، (2)

که این وظیفه با توجه به سنت های موجود و توقعاتی که در فرزندان به وجود آمده است، از مشکل ترین و پرخارج ترین وظایف پدر در شرایط کنونی می باشد.

آن روایات، وظیفه پدر را نسبت به تأمین زندگی خانواده بیان می کرد، و این آمار و ارقام، وضعیت کشور و مشکلاتی را که در باب تغذیه خانواده ها موجود است.

چه باید کرد؟ آیا تنها با برنامه ریزی و بسیج امکانات می توان این کمبودها را برطرف کرد، در حالی که رشد جمعیت به گونه ای است که فرصت برنامه ریزی برای تأمین همه این نیازها را نمی دهد. از سوی دیگر، پدر و مادر تا آن زمان که این نیازها برطرف می شود چه کنند؟

اگر پدران نتوانند وظایف خود را انجام دهند و نیاز طبیعی و اولیه معیشتی فرزندان را تأمین کنند، آیا مطلوب است که تکثیر نسل کنند و بچه هایی تحویل جامعه بدهند که از نظر خوراک، دچار سوء تغذیه و از نظر پوشاک دارای لباس های مندرس و خجالت آور و از نظر مسکن،

ص: 66

---

1- . مجله آینه اندیشه، سال دوم، شماره 10، تیرماه 1371، ص 23.

2- . وسائل الشیعه، ج 15، ص 199، باب 86 از ابواب احکام اولاد، حدیث 7 و 9.

خانه به دوش یا دارای عقل حکم نمی کند در جایی که پدری می بیند نمی تواند خواسته های افراد خانواده اش را در شکل متعارف پاسخگو باشد، و این مشکلات را برطرف کند، باید «تنظیم خانواده»، کند و نظمی برای آوردن بچه، متناسب با امکانات و شرایط اقتصادی خود و شرایط کشور، به وجود آورد؟

## 2- 4 وظایف تربیتی و اخلاقی

یکی از مسئولیت های مهم خانواده، تربیت فرزندشان است. بدون شك، همان طوری که تغذیه و لباس و مسکن فرزندان در سلامت جسمی و تعادل و توانمندی فرزندان مؤثر است، و در اسلام به آن اهمیت داده شده است، توجه به جنبه های تربیتی و اخلاقی و روحی آن ها، مهم بلکه در متن فلسفه رسالت انبیا دارای اهمیت است، (1) بلکه می توان گفت که توجه به تأمین نیازهای مادی فرزندان، مقدمه و زمینه لازم برای کسب ارزش های اخلاقی آن هاست، و بدون تربیت صحیح و آراسته شدن آنان به مکارم اخلاقی، هدف اصلی خلقت و داشتن فرزند تأمین نشده است.

به عبارت دیگر، آنچه بیش از هر چیز در تعالیم اسلامی مورد تأکید قرار گرفته شده است، همین جنبه های تربیتی و اخلاقی فرزندان است. زیرا تأمین خواسته های معیشتی فرزندان به دلیل علاقه های غریزی و

ص: 67

---

1- . روایتی که از طریق شیعه نقل شده است: «علیکم بمکارم الاخلاق، فان ربی بعثی بها». سفینه البحار، ج 1، ص 411. بر شما است به مکارم اخلاق، زیرا پروردگار من مرا بخاطر آن مبعوث کرده است. البته جمله معروف منقول از اهل سنت: «بعث لاتمم مکارم الاخلاق»، است.

عاطفه پدر و مادری، در مرحله نخست، امری طبیعی است. اما تلاش برای تحویل فرزندانی صالح و مفید و تربیت یافته در سایه مهم شمردن پدر و مادر ممکن است. از این رو، در روایات اسلامی به نکات اخلاقی، از چگونگی نام گرفته تا تعلیم احکام شرعی حلال و حرام و آشنایی با عقاید دینی و کسب ارزش های اخلاقی، تأکید شده است.<sup>(1)</sup>

متأسفانه از مسائلی که امروزه در جامعه اسلامی با آن روبرو هستیم، همین بی توجهی والدین به امور تربیتی فرزندانشان و آشنایی به روش های آن است. زیرا، روشی پیش بینی نشده است که پدران و مادران پیش از ازدواج به این مسائل آشنا شوند، و به اهمیت آن توجه پیدا کنند.

چنین بی توجهی، متأسفانه در خانواده های عیالمند و کم درآمد بیشتر، و رسیدگی آنان به امور تربیتی فرزندانشان کمتر است، و به همین دلیل، آسیب پذیری آنان در برابر مسائل غیراخلاقی و بزهکاری، بیشتر است. به همین دلیل در روایات بسیار نسبتی میان فقر و مشکلات اخلاقی و تربیتی و اعتقادی است. پیامبر گرامی می فرماید:

كاد الفقر ان یكون كفرا؛<sup>(2)</sup>

فقر انسان را چه بسا به کفر می کشاند.

همچنین از امیرالمؤمنین علی روایت شده است:

العُسرُ یفسدُ الاخلاق؛<sup>(3)</sup>

ص: 68

---

1- . وسائل الشیعه، ج 15، ص 194 و 195 و 198.

2- . اصول کافی، ج 2، ص 307.

3- . غررالحکم، ج 1، ص 202.

تنگدستی، اخلاق را فاسد می کند.

دلیل هر دو کلام هم روشن است: زیرا رعایت جنبه های اخلاقی و تربیتی و کسب مکارم اخلاقی، هم نیازمند آرامش و سلامت جسمانی است و هم فرصت و دقت کافی برای کسب آن می طلبد. و برای پدر خانواده که مسئول رسیدگی به امور تربیتی است، مشروط بر فرصت کافی برای رسیدگی به این موضوع، از جنبه های فردی و اجتماعی است. و همین طور رعایت جنبه های محیطی و معاشرت با دوستان و تأثیر رسانه های جمعی و دیگر عوامل غیر مستقیم.

برای این منظور، هر چه مشکلات زندگی بیشتر باشد و تعداد فرزندان زیادتر، قدرت عمل فرد هم کمتر خواهد شد، تا جایی که انجام این وظیفه را غیر عملی می سازد، و مسلماً تعارضی بین انجام همه این مسئولیت ها و رسیدگی به امور به نحو احسن با تعداد بیشتر فرزندان خواهد بود. در نتیجه، باید یکی را فدای دیگری کرد. یا باید تعداد کمتری بچه داشت، ولی به خوبی عهده دار تعلیم و تربیت آن ها شد، یعنی، به مسائل درس و مشق و آموزش آن ها رسیدگی کرد، رفتار و تماس های آن ها را کنترل کرد، و یا این که تعلیم و تربیت کودکان را فدای داشتن بچه بیشتر کرد.

با توجه به آنچه گفته شد، روشن است، که تکثیر نسل نمی تواند به طور کلی مطلوب باشد. ما با کسی که واقعاً بتواند جمع بین کثرت عائله و رعایت جنبه های تربیتی و آموزشی فرزندانش کند، سخنی

ص: 69

نداریم، اما سخن ما در این مهم است که:

اولاً: آیا می توان به طور کلی جمع بین این دو کرد. یعنی هم به جنبه های تربیتی و آموزشی فرزندان کاملاً رسیدگی کرد و هم فرزندان زیادی داشت؟

ثانیاً: اگر نمی توان بین این دو جمع کرد، عقل و شرع چه دستوری می دهد؟ آیا افزایش فرزند بدون رعایت جنبه های تربیتی مطلوب است؟ یا تنظیم خانواده متناسب با رعایت موارد فوق جایز است؟ و آیا اولویت با «تنظیم خانواده» نیست؟

برخی از متخصصان علوم اجتماعی و جامعه شناسان جرم شناسی، بر این باورند که یکی از عوامل مهم افزایش جرم، بی توجهی خانواده ها به امور تربیتی و اخلاقی نوجوانان و جوانان است. «به همین دلیل بر اساس آمار آمارگران، عوامل خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی را در بزهکاری نوجوانان و گرایش به جرم، واجد اهمیت اصلی و اساسی شمرده اند.»<sup>(1)</sup> از طرف دیگر، بین این بی توجهی به جنبه های تربیتی فرزندان و کثرت عائله ارتباط قائل شده و گفته اند:

«مسئله تراکم و انبوهی جمعیت و کثرت عائله، نتایج عاطفی و تربیتی را به وجود می آورد که در این گرایش به جرم، سهم ویژه ای دارد.»<sup>(2)</sup>

و باز گفته اند:

خانواده هایی که بی رویه به تولید فرزند، یکی پس از دیگری،

ص: 70

---

1- . کانون خانوادگی و بزهکاری، ص 199.

2- . همان، ص 226.

همت می‌گمارند، از مراقبت در رفتار آنان عاجز می‌مانند، ناگزیر آن‌ها را به حال خود رها می‌سازند، و این‌گونه کودکان به ناچار باید در کوچه‌ها و در میان ولگردان بزرگ شوند، و به زودی هرگونه رذیله‌ای را خواهند آموخت و آنچه نباید، بر سرشان خواهند آمد. (1)

چنین وضعیتی درباره مسکن و نوع معیشت کودکان، در ارتباط با مسائل اخلاقی و گرایش به جرم و بزهکاری، وجود دارد. در این باره نیز آمار گویاست:

تحقیقی که درباره مسکن به عمل آمده است، نشان می‌دهد که 90% کودکان ناسازگار از خانه‌های پست و کثیف و اقامتگاه جمعی برخاسته‌اند. (2)

یکی از دلایل افزایش بزهکاری در خانواده‌هایی که دچار کثرت اولاد و فقر مادی هستند، به مسئله مسکن برمی‌گردد. کارشناسان در این باره گفته‌اند:

مسئله کمبود مسکن ایجاب می‌کند که چندین کودک در یک اتاق و یا در یک رختخواب شب را به روز آورند و گاهی وضع اقتصادی خانواده آن‌چنان در سطح پایین قرار گرفته است که کودکان ناچار باید در کنار پدر و مادر خود در یک بستر بخوابند. چنین وضعی، ندانسته و نخواستته، بروز انحرافات جنسی را دامن می‌زند. عقده ادیپ در پسران و عقده الکترا در دختران

ص: 71

---

1- . مبانی جرم‌شناسی، ج 3، ص 694.

2- . کانون خانوادگی و بزهکاری، ص 229.



ریشه می‌گیرد، و هم موجد جنایات است و هم مولد انحرافات. (1)

بنابراین، گرچه عوامل اقتصادی در گرایش به انحراف در خانواده‌ها و به ویژه کودکان سهم مؤثری دارد، اما عدم توجه به امور تربیتی و اخلاقی آنان را که عموماً از بی‌توجهی و فقر فرهنگی و مشغله زیاد پدر و مادر و گرفتاری‌های زیاد و همچنین کثرت عائله ناشی می‌شود، نباید دست کم گرفت. از این رو، اهمیت تربیت و اخلاق فرزندان چه از جنبه‌های فردی و چه از جنبه‌های اجتماعی اقتضا می‌کند که پدران و مادران بدین مهم عنایت ورزند و آن را ناچیز نشمارند و در هر جا که تعارضی بین رعایت امور اخلاقی با افزایش فرزندان شد، امور اخلاقی را مقدم بدانند.

### 3-4 وظیفه بهداشتی و درمانی

حفظ سلامت و تندرستی خانواده، مشروط به رعایت امور بهداشتی و رسیدگی به امور درمانی آنان است. گرچه بخشی از مسائل تندرستی در گرو تغذیه درست و رژیم غذایی و استفاده از مواد پروتئینی است، اما بخشی دیگر مربوط به آگاهی خانواده از امور بهداشتی و توجه به بیماری و رسیدگی سریع به آن‌هاست.

اهمیت مسائل بهداشتی از نظر اسلام، روشن و دستورات در این زمینه فراوان است. از رعایت نظافت لباس و بدن و مسکن گرفته تا رعایت نظافت مراکز عمومی مانند مساجد، کوچه‌ها و خیابان‌ها، که برای همه این موارد دستورات خاص و کلی وارد شده است. همچنین

ص: 72

رسیدگی به بیمار و رعایت جنبه های مختلف عاطفی و معاشرتی آن. (1)

اما متأسفانه هر خانواده ای که دچار فقر و مشکلات بیشتری باشد، به مسائل فوق کمتر اهمیت می دهد و اساساً آگاهی آن ها از حساسیت موضوع ناچیزتر است. خصوصاً اگر خانواده ای پرجمعیت تر باشد که طبعاً فقیرتر است و بیشتر مشکلات مالی خواهند داشت. به نمونه ای از این مطالعات اشاره می گردد.

طبق آمار اعلام شده مقامات رسمی، هر ساله صد و بیست هزار کودک زیر پنج سال در ایران می میرند. (2)

مرگ و میر کودکان، بی شك علت های فراوانی دارد، که یکی از علل مهم آن، می تواند نارسایی های بهداشتی باشد. همیشه این نارسایی های بهداشتی، آغاز بیماری کودکان بوده است. اگر این بیماری ها به مرگ کودکان هم نینجامد، موجب آثار سوئی در رشد بدنی و ذهنی آن ها می شود. اما دوره تقاهت همه بیماری ها به آسانی نمی گذرد. چه بسیار بیماری هایی که به خاطر نرسیدن به موقع رعایت نکردن نکات درمانی موجب مرگ کودکان می شود.

یکی از مواردی که در بیماری های کودکان نقش مهمی دارد، آب های آلوده است. نوشاندن این آب ها به کودکان شیرخوار موجب عفونت های روده و معده و درنهایت اسهال می شود و اسهال یکی از رایج ترین علل مرگ کودکان ایرانی است.

ص: 73

---

1- . برای اطلاع از این روایات به کتاب وسائل الشیعه، ج 1 و 2 و 17، کتاب طهارت و اطعمه و اشربه؛ و همچنین مکارم الاخلاق، ص 41 و 103 و 157 و 252 مراجعه کنید.

2- . آینه اندیشه، ناصر یوسفی، شماره 10، تیرماه 1371، ص 22.

در کودکان شیرخوار، آلوده بودن پستان مادر، بهداشتی نبودن شیشه شیر، سالم نبودن آب و در کودکان بزرگ تر، مصرف میوه های آلوده، موجب این بیماری می شود.

در بسیاری از بیماری های دیگر از جمله آنژین های حادّ، مننژیت ها و انواع عفونت ها، مانند عفونت های کلیوی، مثانه و... همگی به علت رعایت نکردن عادی ترین مسائل بهداشتی است، که هر ساله قربانی های فراوان می گیرد.

شاید عادی ترین و بارزترین نمونه برای رعایت نکردن بهداشت و مرگ ناشی از کُزاز باشد. هم اکنون آماری از مرگ و میرهایی که به خاطر رعایت نکردن ابتدایی ترین مسائل بهداشتی جان خود را از دست می دهند، وجود ندارد.

بهداشتی نبودن توالت ها، استفاده از لگن های آلوده، محیط غیربهداشتی برای زندگی و هوای آلوده، همگی موجب عفونت و بیماری های در مرحله حادّ و موجب مرگ کودکان می شود. (1)

چنین مشکلی در مسائل درمانی خانواده مطرح است، زیرا آگاهی به مسائل بهداشتی، فشار مشکلات اقتصادی، گرانی هزینه های درمانی و کمبود امکانات دارویی برای اعضای خانواده در سطح جامعه موجب بی توجهی به سلامت کودکان و بیماری های آنان می گردد.

بگذریم از این که کمبود مراکز درمانی، خود یکی از این مشکلات است.

طبق آمارهای رسمی، یازده میلیون نفر از مردم ایران به خدمات

ص: 74

درمانی دسترسی ندارند که مطمئناً درصد زیادی از این تعداد را کودکان و نوجوانان اختصاص می دهند.

کمبود و گرانی نرخ مواد شستشودهنده، گرانی داروها و هزینه های درمانی برای خانواده های کم درآمد، خواه ناخواه موجب بی توجهی نسبت به مسائل بهداشتی و عدم رعایت به موقع درمان می شود. (1)

با توجه به آنچه نقل شد، و مشکلاتی که خانواده ها به خاطر فقر و عدم آگاهی به مسائل بهداشتی و درمانی و کمبود امکانات درمانی و بهداشتی کشور درگیر آن هستند، هر خانواده ای را ملزم به رعایت برنامه های بهداشتی است تا بتواند فرزندان سالم و قوی تحویل جامعه بدهد و رعایت این جنبه های بهداشتی منوط به داشتن برنامه است. یکی از این برنامه ها در کنار وظایف جامعه و حکومت و تا آنگاه که چنین امکاناتی در جامعه فراهم شود، «تنظیم خانواده» و کنترل بارداری است. زیرا ارزیابی امکانات و عقل معیشت، چنین مسئولیتی را بر دوش خانواده، به ویژه پدر می گذارد و او را ملزم به محاسبه و ارزیابی تعداد فرزندان متناسب با توان بهداشتی و درمانی می کند.

#### 4-4 وظایف روحی و روانی

فرزندان، رحم، شفقت، نیکوکاری، وفاداری، صفا، خلوص، پاکی، راستی، صراحت لهجه، رشادت، شهامت و شجاعت، از خودگذشتگی، فداکاری، ادب، فروتنی، عزت نفس، تعاون، سخاوت، عشق به کمال و

ص: 75

---

1- . همان، ص 24.

سایر سجایا و ملکات نفسانی را در نخستین سال های زندگی خود در دامن پرمهر و عطوفت پدر و مادر می آموزند. این عطوفت پدر و مادر و آرامش خانوادگی است که شخصیت فرزندان را می سازد. به همین جهت، بزهکاران نسبت به هموعان خود سرد و بی مهر و بی عاطفه جلوه می کنند.

منشأ بی عاطفی اکتسابی را در بی مهری کانون خانوادگی\* و یا از هم پاشیدگی آن باید جستجو کرد و ممکن است بر اثر نقص تربیت باشد. علاقه مادری و مواظبت دقیق ابتدایی مادر اگر توأم با گرمی و ثبات و پایداری باشد، زیربنای حس رضامندی و اطمینان و اعتماد به دیگران را در کودک ایجاد می کند.

«جان پولبی به سال 1945م، چهل و چهار کودک دزد را با چهل و چهار کودکی که دزد نبودند مقایسه کرد و در تحقیق خود به این نتیجه رسید که دزدی کودکان مولود نقص تربیتی مربوط به دوران شیرخوارگی و اختلال های پیش رس مادر بوده است.»<sup>(1)</sup>

همچنین، بر پایه جامعه سنجی جنایی، درباره تأثیر جرم زایی بی مهری والدین تحقیقی به عمل آمده است که به نمونه ای از آن اشاره می شود:

فرزندان، همان طوری که نیاز به تغذیه و پوشاک و مسکن دارند، نیاز به محبت، عاطفه، آرامش روحی و گرمی برخورد در کانون خانواده دارند. «از این رو، ریشه بسیاری از ناسازگاری جوانان را باید

ص: 76

در سلوک والدین آنان در مراحل اولیه کودکی جستجو کرد. اگر پدر و مادر در شرایطی باشند که بتوانند با سلوک خویش نیازمندی های عاطفی کودکان خود را برآورند، شاید مشکلاتی که بعدها در سنین جوانی خودنمایی می کند، اصلاً به وجود نیاید.

اشخاص بی عاطفه، از کودکی محبت نچشیده اند. از عطف و پدر و مادر، خاصه مادر، بی بهره بودند. بدین جهت به اطرافیان خود دلبستگی پیدا نمی کنند و از تنهایی خود رنج نمی برند. تربیت در آن ها تأثیر ندارد. خطرناک ترین افراد تبهکار از این گروه تشکیل شده اند. در این گروه، در درجه اول میل به تخریب تا حدی در آنان زیاد است. بدگمانی شدید و بدون جهت نسبت به دیگران دارند. این خصوصیات غالباً توأم با خصومت و ترس از خصومت است.

تأثیر بی مهری پدر در آتازونی، موجب شد که نسبت اطفال بزهکار سه برابر اطفال ناکرده بزه گردد. ولی تأثیر بی مهری مادر شدیدتر است، زیرا نسبت اطفال بزهکاری که از محبت مادر محروم بوده اند، بیش از شش برابر کودکان ناکرده بزه می باشد. زیرا کودک از مادر بیشتر انتظار و توقع بذل محبت دارد تا از پدر. مهر مادر را مقامی دیگر است تا محبت پدر.

از پژوهش های علمی و عینی جامعه سنجی خانواده، چنین برمی آید، کانون های خانوادگی که افراد بزهکاری تحویل جامعه داده اند، دارای یک یا چند خصیصه بوده اند. که یکی از آن ها، فضای نامطلوب خانوادگی در اثر تبعیض، اهمال کاری، کثرت عائله، سلطه بیجا و خشونت آمیز یکی از اعضای خانواده یا مشکلات مالی، عدم کفایت درآمد، بیکاری و کار کردن مادر

در خارج منزل است. (1)

با توجه به آنچه گفته شد، به روشنی اهمیت محبت و عاطفه به عنوان یکی از وظایف انسانی و غریزی پدر و مادر مطرح می شود.

چنین وظیفه ای، در چه زمانی به خوبی ممکن است، و در چه حالتی و در چه خانواده هایی عموماً محبت و عاطفه و رسیدگی روحی به افراد خانواده حاصل می گردد؟

پاسخ به این سؤال واضح است. تحقیقات علمی و اجتماعی این موضوع را روشن کرده است که کثرت عائله، یکی از موانع رسیدگی به جنبه های عاطفی و روحی خانواده است و ارتباطی مستقیم و تنگاتنگ بین کثرت عائله و جرم خیزی است. به ویژه که کثرت عائله همراه با فقر باشد. به نمونه ای از این مطالعات کارشناسان اشاره می شود:

مسئله تراکم و انبوهی جمعیت و کثرت عائله یکی از عوامل گرایش به جرم و بزهکاری است. (2)

دلیل آن روشن است، زیرا در صورتی که پدر و مادر، به خاطر مضیقه مالی درگیر شغل و کار طاقت فرسا باشند، انبوه مشکلات تهیه خوراک، مسکن، بهداشت و درمان خانواده بر دوش آن ها سنگینی می کند. حال و حوصله و قدرت تفکر و استراحت را از آنان سلب کرده است. خستگی مفرط پس از کار مداوم روز، دیگر فرصتی را برای رسیدگی به جنبه های عاطفی و تربیتی فرزندان باقی نمی گذارد تا

ص: 78

---

1- . کانون خانواده و بزهکاری، ص 34.

2- . کانون خانواده و بزهکاری، ص 226.

بتواند نیازهای روحی و عاطفی آنان را تأمین کنند. بدین جهت، عموماً چنین خانواده‌هایی دچار بحران و اختلال روحی و اخلاقی هستند.

خانواده‌هایی که دارای فرزندان متعدد هستند، دچار کمبود و فقر عاطفی می‌شوند. پدر و مادری که دارای یک یا دو فرزند هستند، به سهولت می‌توانند فضای کانون خانواده را سرشار از عشق و محبت خود سازند، ولی در برابر چندین فرزند چگونه می‌توانند پاسخگوی نیازهای عاطفی آنان باشند. همگی را مورد محبت و نوازش قرار دهند، پیدا است سطح عواطف در این گونه خانواده‌ها تنزل می‌یابد.

گاهی جای خود را به بی تفاوتی می‌سپارد و زمانی هم که ممکن است موجد تبعیض گردد. کودکی مورد نوازش قرار گیرد، حسادت در کودکان دیگر برانگیخته شود. اغلب جدال بین کودکان در خانواده‌ها از چنین وضعی ریشه می‌گیرد. وقتی در محیطی محدود برادران و خواهران با یکدیگر ناسازگار باشند، چگونه می‌تواند با جهانی پرآشوب و متلاطم سازگار گردند. چون در کانون خانواده‌ها چندان محبتی نمی‌بینند، خیلی زود فریب قیافه‌های حق به جانب را خواهند خورد و به مراکز رو خواهند آورد که به آنان ظاهراً محبت می‌شود. (1)

جای تعجب ندارد که بگوئیم یکی از عوامل اختلاف خانواده‌ها و از هم پاشیدگی آن‌ها، مربوط به مشکلات اقتصادی و ناتوانی شوهر در تأمین خواسته‌های عاطفی و مهر و محبت وی به خانواده است. به این معنا که مشکلات اقتصادی برای مرد خانواده حال و فرصتی باقی

ص: 79



نمی‌گذارد که فرصت فکر کردن به مسائل عاطفی خانواده را برای او باقی بگذارد. در نتیجه، این بی‌توجهی به مسائل عاطفی و تأمین نیازها، تدریجاً تبدیل به اختلاف و کشمکش‌های عمیق خانوادگی می‌گردد. زیرا همان طوری که محبت، موجب استواری کانون خانواده می‌گردد، نفرت در مقابل آن قرار دارد. هنگامی که نفرت و اختلاف عمیق و مخاصمه و مناقشه به کانون خانواده راه یافت، دیگر نمی‌توان به حفظ این کانون و ادامه آن امیدوار بود.

درباره عوامل مؤثر بروز طلاق، ریشه‌یابی‌های فراوانی شده است که ما به عواملی از آن‌ها که مربوط به بحث حاضر است، اشاره می‌کنیم. البته ذکر این علل به معنای بی‌توجهی به عوامل دیگر نیست، بلکه نظر به بررسی مشکلات عاطفی و روانی از لحاظ کثرت عائله است که با تحقیقات علوم اجتماعی و آمارهای جنایی، ما را وادار به ذکر این علل کرده است:

1- برخی از زنان تلاشی برای برانگیختن رغبت مرد از خود بروز نمی‌دهند. در نتیجه، به شوهر خود اعتنایی ندارند و موقعیت اجتماعی او را هم در نظر نمی‌گیرند. چنین چیزی عموماً بر اثر شدت فعالیت زن در امور خانه و رسیدگی به لباس و خوراک بچه‌ها، نظافت خانه و کارهای گسترده‌ای که در اثر کثرت عائله چند برابر می‌شود، انجام می‌گیرد. در نتیجه، شور زندگی و ذوق همسررداری را بکار نمی‌گیرند و با بی‌اعتنایی‌های خود کانون خانواده را بی‌فروغ و همسران خویش را سرد و گریزپا می‌سازند.

2- سردمزاجی زن. این عامل نیز می‌تواند خود معلول علل متعددی

باشد که از آن جمله است خستگی ناشی از زیادی کار توانفرسای منزل. در نتیجه، روابط جنسی زن و شوهر در يك دور تسلسل باطل قرار می گیرد و نتیجتاً با یکدیگر احساس بیگانگی می کنند و فاقد شور جنسی می گردند و موجب آن می شود که مرد این شور را در جای دیگری به غیر از خلوتگاه همسر خود جستجو نماید، و کار به جدایی کشیده می شود.

در این صورت است که طلاق با عواقب اجتماعی از عوامل جرم زا محسوب می شود، زیرا فرزندان که باید محبت ببینند، با از هم پاشیدگی خانواده از محبت طرفین محروم می شوند. (1)

یکی دیگر از وظایف روحی و روانی پدر نسبت به فرزندان، پر کردن اوقات فراغت و ایجاد سرگرمی های سالم برای آنان است. زیرا بازی و تحرك از نیازهای اساسی کودکان در رابطه با رشد جسمانی و شادابی روحی و روان آنان است. اگر کودکان در ایام کودکی سرگرم این نوع فعالیت های سالم و مفید نگردند و غریزه آنان اشباع نگردد، زمینه ابتلاء به ناراحتی عصبی، غمگینی، سستی و خمودی، شورش علیه محیط، خرابکاری و در نهایت، سرگرم کارهای خطرناك و انحرافی می شوند.

اسلام نسبت به بازی کودکان نظر مثبت دارد و حتی دستور می دهد که کودکان بازی کنند. (2)

اما گسترش این سرگرمی ها در عصر حاضر و از سویی ضرورت آن در آن اوقاتی که فرزندان مشغول تحصیل نیستند

ص: 81

---

1- . کانون خانواده و بزهکاری، ص 45.

2- . مکارم الاخلاق، ص 222.

و سرگرمی ندارند، از جهات مهمی است که وظیفه خانواده را دشوار می کند، و ضرورت توجه به پر کردن این اوقات را چند برابر می کند.

به همین دلیل، برخی از کارشناسان علوم اجتماعی، بر اساس آمارها و اطلاعات معتقدند که بیشترین بزهکاری ها در نوجوانان و جوانان در ساعات فراغتی است که به خوبی پر نشده است و لذا این ساعات می بایست از سوی خانواده و جامعه با برنامه ریزی و به نحو احسن پر شود. بنابراین، والدین هر خانواده با اهمیت موضوع، باید توان رسیدگی به این نیاز را داشته باشند و بتوانند نسبت به پر کردن ساعات فراغت کودکان نهایت کامل مبذول دارد، اما در صورتی که خانواده با کثرت عائله مواجه باشد، روشن است که به دلایل گوناگونی، مانند مشکلات مالی و عدم فرصت کافی، نمی تواند این نیاز کودکان را تأمین کند.

با توضیحات فوق روشن می شود که کمبود محبت و عاطفه در خانواده از همسر گرفته تا فرزندان، چه مشکلات اجتماعی و روحی را به وجود می آورد و یکی از عوامل مهم و آشکار این خلاء، کثرت عائله و فشار اقتصادی است. گرچه موارد استثنایی و خارج از قاعده ای وجود دارد که پدری دچار مشکلات مالی و اقتصادی است و در عین حال وظایف عاطفی و روحی خود را در خانه انجام می دهد، اما سخن، در موارد عمومی است، نه استثناءها.

بنابراین، برای کسی که می خواهد فرزندان بیشتری داشته باشد، پیش بینی این مشکلات و ارزیابی توان خود نسبت به انجام مسئولیت ها ضروری است و دست کم باید فاصله ای معقول بین فرزندان برای

امکان رسیدگی فراهم و انجام مسئولیت های مختلف رعایت کند. زیرا فلسفه مهم ازدواج ایجاد آرامش و آسایش است. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً (روم: 73)؛

از نشانه های خداوند آن است که از شما برایتان همسرانی آفرید تا وسیله آرامش و آسایش شما باشند و میان شما دوستی و رحمت قرار داد.

در این آیه شریفه، خداوند، فلسفه ازدواج را آرامش قلبی و آسایش روحی و دوستی پایدار در خانواده دانسته است. بنابراین، اگر ازدواجی این ویژگی را در بر نداشته باشد، نمی تواند ازدواج موافق با فلسفه آن و معقول باشد و درواقع، مباین با فلسفه زناشویی است.

حال، اگر خانواده ای که دارای کثرت فرزندان است و پدر و مادر به خاطر آن، قدرت اداره معاش و تربیت فرزندان و تأمین خواسته های عاطفی آن ها را ندارد، طبیعی است که ناسازگاری و نوسانات روحی و درگیری ها و اختلافات فراوان وجود خواهد داشت.

و در چنین محیطی، آرامش قلبی و آسایش روحی برای زوج وجود نخواهد داشت. زیرا فرزندان، به اندازه کافی غذا نمی خورند، مکان راحتی برای آسایش ندارند، امکان تحصیل و رشد علمی نخواهند داشت. از بهداشت و درمان مناسب برخوردار نخواهند بود. تربیت درستی به خاطر زیادی فرزندان به وجود نیامده است.

در چنین حالتی آیا سکونت و آرامش برقرار خواهد شد؟ و یا این که نتیجه معکوس از این ازدواج حاصل شده است؟

فردی که می تواند با برنامه ریزی، از بسیاری از مشکلات خویش بکاهد و به شکل برنامه ریزی شده ای با سختی های زندگی برخورد کند، چرا نباید چنین راهی را انتخاب کند، و چرا لذت زندگی و ازدواج و گرمی کانون خانواده و آینده کودکان را تبدیل به جهنمی از مشکلات کند. امام علی می فرماید:

قوام العیش، حسن التقدير وملاکه حُسن التدبیر؛(1)

اساس زندگی بر نظمی نیکو استوار است و ملاک آن خوب اداره کردن است.

آیا یکی از مصادیق خوب اداره کردن این نیست که متناسب با امکانات و توان خویش و همسر، فرزند داشته باشیم؟ آیا اساس زندگی بر این تدبیر نمی چرخد؟

همچنین از امام صادق روایت شده است:

مِنَ الدِّينِ، التدبیر فی المعیشه؛(2)

از دین، مدیریت خوب در زندگی کردن است.

مدیریت خوب در زندگی، تدبیر مسائل گوناگونی را شامل می شود و پیش بینی های گوناگون را می طلبد، که از آن جمله شخص اطراف خود را به اندازه توان خود جمع و جور کرده و مناسب آن، زندگی

ص: 84

---

1- . همان به نقل از امالی طوسی، ج 2، ص 283.

2- . همان به نقل از: امالی طوسی، ج 2، ص 283.

#### 4-5 سلامت جسمی مادر

از وظایف دیگر پدر، رعایت سلامت جسمی و روحی مادر در زایمان های مکرر است. زایمان های پی در پی سلامت مادر را تهدید می کند، به ویژه اگر زایمان ها با فاصله کوتاه باشد. توجه خواننده را به نمونه ای از این تجربیات پزشکی جلب می کنیم:

با این که خطر مرگ و میر در حاملگی دوم و سوم کمتر از حاملگی اول می باشد، این خطر از سومین حاملگی به بعد اضافه گردیده و بعد از حاملگی پنجم به نحو قابل توجهی افزایش می یابد. زیرا عوارض حاملگی با تعداد زایمان در ارتباط هستند، از عوارض به دست آمده آن ها می توان از خونریزی های اتفاقی، پائین افتادن بند ناف، جفت سر راهی، وضعیت و قرار گرفتن غیرطبیعی جنین در رحم، پارگی رحم، و ناتوان بودن رحم بعد از زایمان، و خونریزی شدید را برشمرد. (1)

از طرف دیگر، بیماری های مادران، تأثیر چشمگیری بر سلامتی کودک شیرخوار می گذارد:

مدارک کلینیکی و برخی مطالعات نشان می دهد که سوءتغذیه مادران و در نتیجه کم خونی، کمبود کلسیم و اشکال در تغذیه طفل با شیر مادر و با زایمان های متعدد ارتباط دارد. این نتایج، زمینه را برای تحقیقات بیشتر آماده می کند. خاطر نشان گردیده

ص: 85

که میزان وقوع برخی از بیماری‌ها، مانند دیابت بی‌مزه با حاملگی افزایش می‌یابد. همچنین رابطه نزدیکی بین حاملگی‌هایی که با فاصله کم انجام شده و کم‌خونی و کمبود شیر مادر و عوارض در هنگام حاملگی و زایمان وجود دارد. (1)

بگذریم از خطر مرگی که مادران را در سنین زیر 25 سال و بالای 35 سال، تهدید می‌کند. در یک مطالعه که در سیلان انجام شده، نشان داده است که خطر مرگ و میر مادران در گروه‌های سنی 35 سال به بالا بیشتر است. همچنین در چند کشور دیگر، که همگی نشان داده، عوارض حاملگی و زایمان. در این سنین بیشتر است. (2)

با توجه به مرگ و میر و خطراتی که مادران را تهدید می‌کند، آیا چنین وظیفه‌ای بر دوش شوهر نیست که رعایت سلامتی همسر و مادر فرزندان خود را بکند. به ویژه در اموری که به تجربه ثابت شده است. اکثریت کارشناسان و متخصصان فن، حتی کسانی که پایبندی آنان به ارزش‌های دینی، احراز شده است، گواهی می‌دهند که خطرات این زایمان‌ها در صورت عدم رعایت فاصله بین زایمان‌ها بسیار است. (3)

از طرف دیگر، بر اساس آخرین گزارش وزارت بهداشت و درمان از کنفرانس جهانی بهداشت، «تنظیم خانواده» می‌تواند از یک چهارم تا یک سوم مرگ پانصد هزار زنی که همه ساله به علل مربوط به حاملگی جان خود را از دست می‌دهند، جلوگیری نماید و می‌تواند از میلیون‌ها

ص: 86

---

1- . همان، ص 5.

2- . همان، ص 7.

3- . اسلام و تنظیم الأسرة، ج 2، ص 151. مقاله دکتر السامرای و دکتر حتوت در همین کتاب.

عوارض و معلولیت های نامعلوم که بیشتر آن ها تهوع آور، دائمی، بعضاً خفت آور و نتیجه مستقیم حاملگی پرخطر است، پیشگیری کند. (1)

با توجه به آنچه از وظایف پدر در مسائل اقتصادی، اخلاقی، بهداشتی و درمانی، روحی و روانی و رعایت سلامتی همسر، گفته شد، دشواری انجام این همه وظایف روشن می گردد و توجه اسلام به مسئولیت سنگین اداره خانواده را به ویژه در شرایط حاضر نشان می دهد. از این رو؛ ضرورت ارزیابی و آینده نگری پدر خانواده نسبت به مشکلات، روشن می گردد. یکی از راه های این آینده نگری، «تنظیم خانواده» است که در یکایک قسمت های ذکر وظایف شرح آن گذشت و اهمیت آن در کاستن مشکلات و انجام مسئولیت اداره و تأمین خانواده بیان شد.

## 5. جامعه و تنظیم خانواده

### اشاره

آنچه تاکنون درباره ضرورت «تنظیم خانواده» گفته شد، از بُعد فردی و خانوادگی و ناشی از بایسته هایی بود که هر انسان متعهد در برابر مشکلات و وظایف خویش احساس می کند. و بر اساس تعالیم اسلامی این ضرورت در صورت وجود مشکلات معیشتی و تربیتی به اثبات رسید.

اما مسئله دیگری که در باب «تنظیم خانواده» مطرح است، با نگرش به ابعاد اجتماعی و وظایفی است که جامعه بر دوش خانواده می گذارد

ص: 87

---

1- . گزارش وزارت بهداشت و درمان به کنفرانس سمینار توسعه و جمعیت، تابستان 1371، تهران.



و مسئولیت وی را در چگونگی و تعداد فرزندان مشخص می کند.

نکته مهمی که در این قسمت باید به اثبات برسد، این است که آیا جامعه چنین حقی را دارد که به پدر و مادر بگوید شما باید «تنظیم خانواده» کنید و چنین مطلبی را می توان از نظر تعالیم اسلامی به اثبات رسانید؛ یا آنچه در باب «تنظیم خانواده» گفته می شود، همان بُعد فردی و ضرورت هایی است که شخص بدان می رسد؟

پاسخی که در این باب قابل طرح است، منوط به این نکته است که جامعه و نظام اجتماعی و سیاسی چه وظایفی نسبت به خانواده دارد. اگر مسئولیت جامعه در برابر خانواده به اثبات برسد، طبعاً خانواده نسبت به جامعه چنین وظیفه متقابلی را دارد.

بدون شك، وضعیت جامعه و دولت نسبت به گذشته تفاوت شگرفی پیدا کرده است. اگر در جوامع گذشته، مسئولیت های اجتماعی و سیاسی و فرهنگ به دوش فرد گذاشته می شد، و او مسئول تأمین و نگهداری آن بود، اما امروزه این وضعیت کاملاً دگرگون شده است و مسئولیت های دولت قابل مقایسه با مسئولیت های وی در گذشته نیست.

امروز انسان بیش از آن که به توانایی ها و قدرت ابتکار خود وابسته باشد، به عوامل گوناگون جغرافیایی، علمی، صنعتی، فرهنگی و سیاسی جامعه خود وابسته است. امروز در سطح کلی، افراد وابسته به مقدار توانایی های جامعه در گسترش آموزش، علم، تکنیک، رشد اقتصادی، تأمین مواد غذایی، گسترش فرهنگ و دستگاه های ارتباط جمعی هستند، و هر اندازه در سطح کلان، «توسعه» حاصل گردد، توانایی افراد

در حل مشکلات و تأمین نیازهای خود بیشتر است. چنین توسعه ای از مسئولیت های اصلی حکومت ها به شمار می آید، و لذا این دولت ها هستند که باید در این زمینه برنامه ریزی کنند و زمینه لازم را برای موفقیت و بهروزی افراد جامعه فراهم سازند.

بنابراین، این دولت ها هستند که باید، به اندازه کافی مدرسه بسازند، نیروی کافی برای تعلیم، تربیت کنند. کشاورزی و صنعت را به اندازه رشد جمعیت تأمین کنند. آب و برق، سد و نیروگاه ها را فراهم آورند. بهداشت و درمان در سطح قابل قبول به وجود آورند. اشتغال جوانان را فراهم سازند. مراکز علمی و تحقیقاتی به وجود آورند. وسائل ارتباط جمعی مناسب را فراهم و تقویت سازند. مراکز تفریحی سالم به وجود آورند. امنیت شهرها را از جنبه های اقتصادی، سیاسی و اخلاقی فراهم کنند، و مسائل دیگری که کم نیستند و روز بروز این نیازها افزون تر و مسئولیت دولت ها در برنامه ریزی و سازماندهی و تأمین آن ها بیشتر می شود. و اگر دولت ها نتوانند این نیازها را تأمین کنند، مسئولیت آن ها به عنوان دولت مورد سؤال قرار می گیرد.

از این رو، نمی توان مسئولیت جامعه را که در رأس آن دولت ها هستند، در برابر آحاد مردم قابل مقایسه با گذشته تلقی کرد و چنین تصور کرد که با انبوهی از این وظایف، دولت ها می توانند یک طرفه عمل کنند و آحاد جامعه در برابر آن آزادی عمل دارند و هر کاری که می خواهند باید انجام دهند و هیچ تعهد و مسئولیتی نسبت به مشکلات دیگران و وظایف دولت ندارند. و نیز چنین گمان کنند، این دولت ها هستند که باید تابع اشخاص باشند و نیازهای آنان را تأمین کنند و اگر

چنین نکردند، فاقد صلاحیت هستند!

چنین تصویری، باطل بودنش روشن است. زیرا وظایف دولت و مردم به شکل متقابل و طرفینی است و همان طوری که مشکلات از سوی دولت باید حل گردد، مردم و آحاد جامعه نیز نسبت به چگونگی آن موظف هستند، و آزادی عمل و اختیار مطلق ندارند و محدوده عمل آنان تا آن حدی است که حق دیگران ضایع نشود و امکان تحقق خواسته ها و نیازها ممکن باشد.

یکی از مواردی که بحث فوق بر آن منطبق است و مسئولیت دو جانبه ای را طلب می کند، در مسئله رشد جمعیت است. زیرا از سویی دولت، مسئول برنامه ریزی در جهت تأمین نیازها متناسب با امکانات و رشد طبیعی جمعیت است. و از سوی دیگر، آحاد جامعه، مسئول رعایت امکانات و توانایی های دولت است. از این رو، مردم با تناسب رعایت مصالح فردی و اجتماعی اختیار عمل و زیاد کردن بچه را دارند و براین اساس باید تنظیم خانواده کنند.

چنین مسئولیت متقابلی هم جنبه عقلی و هم جنبه شرعی دارد و درك آن نیاز به استدلال زیاد ندارد و فقط باید به موارد آن اشاره کرد:

یکم: همان طوری که، بچه داشتن حق پدر و مادر است. این حق شامل جامعه نیز می گردد و نمی تواند محدود به انتخاب پدر و مادر باشد. زیرا گرچه پدر و مادر هستند که بار اصلی بچه دار شدن را به دوش دارند و با ازدواج و زناشویی مبدأ تصمیم می گردند، اما در تعالیم اسلامی دستوراتی رسیده است که این حق را به جامعه و حاکم اسلامی خواسته است در آن موارد نظارت و دخالت کنند.

ص: 90

دوم: این حق شامل کودک نیز می شود. زیرا کودک آنگاه که انسان نامیده شد، به واسطه این حق، وظایفی را بر دوش پدر و مادر خود می گذارد و از آنان و جامعه می خواهد که پایبند این حقوق از جنبه های معیشتی و تربیتی و زیستی و آموزشی او باشند. و بر این اساس است که کسی نمی تواند او را نابود کند، گرچه در رحم مادر باشد.

سوم: جامعه ای که این فرزند در آن به دنیا می آید، این حق را دارد که از این پدر و مادر بپرسند، برای تو که امکان تغذیه و بهداشت و تربیت نبوده، چرا تکثیر نسل کرده ای؟

اکنون برای این که این حق جامعه را در تنظیم عائله، در مواردی که شارع مقدس اسلام به آن دستور داده، مطرح کرده باشیم، به نمونه ای از موارد آن اشاره می کنیم تا روشن شود که این حق، بعد فردی ندارد تا تنها اختصاص به پدر و مادر داشته باشد و اصولاً تکثیر نسل و بچه آوردن و مسائل مربوط به آن، از حقوقی است که به جامعه نیز مربوط می شود و شارع مقدس، مردم را نسبت به این موارد آگاه کرده است.

شواهدی که به گونه ای ارتباط بین فرد و جامعه را در باب فرزندداری مطرح کرده است، از قرار زیر است.

1- روایاتی که در تشویق ازدواج و مذمت تجرد و عزوبت رسیده است. (1)

2- روایاتی که تشویق به تکثیر نسل و ترغیب ازدواج با زنانی می کند که بچه زا باشند. (2)

ص: 91

---

1- . وسائل الشیعه، ج 14، باب 1 از ابواب مقدمات نکاح، حدیث 2 و 4 و 6/3.

2- . همان، باب 6 از ابواب مقدمات نکاح، حدیث 1 و 2/14 و 33.

3- روایاتی که ازدواج با شراب خواران را منع کرده است. (1)

4- روایاتی که ازدواج با افراد بداخلاق و تندخو را مذمت کرده است. (2)

5- روایاتی که از ازدواج با زن یا مرد دیوانه را نهی کرده است و اگر ازدواج انجام گرفته است، بچه دار شدن از دیوانه منع شده است. (3)

6- روایاتی که ازدواج با زن یا مرد زناکار را منع کرده است. (4)

7- ادله ای که در باب نکاح و طلاق رسیده است و در آن روایاتی آمده که برای امامت و رهبری جامعه، حقی در نکاح و طلاق قائل شده است. (5)

8- روایاتی که برای رهبر و دولت نسبت به تربیت ایتم و اداره آن ها حقی قائل شده است و چنین استدلال شده که، حاکم اسلامی، پدر ایتم محسوب می شود. بنابراین، هر آنچه وظیفه پدر است، رهبر اسلامی باید نسبت به فرزندان انجام دهد. و نیز وظیفه حاکم اسلامی است که قرض های آن ها را ادا کند. (6)

8- روایاتی که ازدواج با افراد نادان و احمق را منع کرده و بچه دار شدن از همسران نادان را بلا دانسته است. (7)

ص: 92

---

1- . همان، باب 29 از ابواب مقدمات نکاح، ص 53.

2- . همان، ص 54.

3- . همان، ص 57.

4- . همان، باب 13 از ابواب ما یحرم بالمصاهره، ص 335.

5- . ولایت فقیه، آیت الله العظمی منتظری، ج 1، ص 134.

6- . تفسیر علی بن ابراهیم، ج 1، ص 278.

7- . وسائل الشیعه، ج 14، باب 23 از ابواب مقدمات نکاح، ص 56.

9- روایاتی که در ازدواج این حق را برای همسر قائل شده است در جایی که یکی از آنان مبتلا به بیماری های وراثتی و مانند آن است، دیگری حق فسخ ازدواج را دارد. (1)

از مجموع این موارد استفاده می شود که اسلام درباره چگونگی ازدواج و لوازم آن که یعنی بچه دار شدن حساس است، چگونگی این ازدواج و داشتن فرزند اهمیت قائل شده است و نمی خواهد هرگونه ازدواجی رخ دهد و هر طور بچه ای متولد شود، گرچه ناقص الخلقه، تندخو، احمق، دیوانه، بزهکار و مانند آن باشد. بنابراین در مواردی که حق جامعه بخواهد ضایع شود، دولت اسلامی مانند پدری مهربان دخالت می کند، و چنین نیست که پدر و مادر تنها حق تکثیر نسل را داشته باشند و جامعه و مسئول جامعه نسبت به آن حقی نداشته باشند.

بنابراین، آنچه در باب حق جامعه مطرح است، آثار و لوازم تکثیر نسل است. آثاری که به گستردگی و دشواری وظایف دولت منجر می شود و حکومت باید تأمین کننده آن ها باشد و آثاری که به طور ناخودآگاه بر جامعه می گذارد و جامعه باید مشکلات، کمبودها و توابع منفی رشد بی رویه جمعیت را تحمل کند.

و با این همه، این افزایش جمعیت، از آثار و توابعی است که خانواده تصمیم گرفته است و به دیگران ارتباط پیدا کرده است؛ چه در جایی که در اثر افزایش جمعیت باید افزایش سرمایه گذاری را در سطح ملی به وجود آورد و نیازها را تأمین کند؛ و چه مشکلاتی که افزایش جمعیت برای آحاد جامعه به وجود می آورد، غذا، پوشاک، آب، برق و

ص: 93

دیگر مواد مورد نیاز جامعه، مصرف می شود و آنان در مضیقه قرار می گیرند. و یا این که افزایش جمعیت پیامدهایی را در امور اجتماعی و اخلاقی و سیاسی برای جامعه به ارمغان می آورد و باز با جامعه ارتباط پیدا می کند. و از آنجا که جامعه در فرهنگ اسلامی به هم مربوط هستند. و همه مسلمانان نسبت به یکدیگر مسئولیت متقابلی دارند. همان طوری که پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ، فَالْإِمَامُ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ، وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِهِ وَمَسْئُولٌ، وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ زَوْجِهَا وَهِيَ مَسْئُولَةٌ، وَالْعَبْدُ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ؛ أَلَا فُكُلْتُكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ (1)4

همه شما چوپان و همه شما مسئول یکدیگرید. رهبر جامعه، چوپان و مسئول است. شوهر، نسبت به خانواده خود مسئول است. زن، نسبت به خانه شوهرش مسئول است. بنده، نسبت به اموال مولای خود مسئول است. بدانید و آگاه باشید که هرکدام از شما چوپان و مسئولید.

بنابراین، همان طوری که جامعه اگر گرسنه ای را ببیند. باید او را سیر کند، فقیر و مسکین را باید تأمین کند، بیمار را معالجه کند، از فساد و منکر، نهی کند، و بالاخره، اگر هرگونه نابسامانی در جامعه باشد. وظیفه دارد آن را اصلاح کند و در برابر خلاف ها و جرم ها عکس العمل

ص: 94

---

1- صحیح بخاری، ج 3، باب قوا انفسکم واهلیکم، از ابواب نکاح، ص 257.

مناسب نشان دهد؛ همچنین در برابر مشکلات و نارسایی های عمومی و کمبودها وظیفه دارد و آنچه در حل آن مشکلات مؤثر است، باید اقدام کند. و از آن جمله، اگر تکثیر نسل مشکلاتی را از نظر اقتصادی و سیاسی و فرهنگی به وجود می آورد، جامعه در مقابل آن مسئول و دارای حق است.

### **پیامدهای تکثیر نسل از بُعد اجتماعی**

برای این که پیامدهای تکثیر نسل را از بُعد اجتماعی توضیح دهیم، ناچاریم، به تفصیل به یکایک این موارد اشاره کنیم:

#### **1/5 برنامه ریزی و رشد جمعیت**

به نظر اقتصاددانان، رشد جمعیت باید متناسب با سرمایه گذاری و در نتیجه درآمد سرانه ملی باشد. زیرا دولت باید از یکسو در زمینه رشد اقتصادی و توسعه ملی برنامه ریزی کند و نیازهای جامعه در جهت تولید و تأمین موادّ اولیه را با سرمایه گذاری های اساسی برطرف کند، و از سوی دیگر، متناسب با جمعیت، مدرسه، دانشگاه، آب، برق، مراکز بهداشتی و درمانی، مسکن، شهرسازی، مراکز تفریحی فراهم سازد. و چنین چیزی با رشد جمعیت و اعتبارات و امکانات محدود میسر نیست. زیرا کشوری که جمعیت اش سالانه سه درصد و درآمد سالانه اش دو درصد افزایش می یابد، باید به طور تنوریک بیش از بیست درصد از درآمد ملی اش را سرمایه گذاری کند. حال آن که اقتصاددان ها تقریباً به اتفاق آرا به این نتیجه رسیده اند که اکثریت بسیار سنگین



کشورهای در حال رشد به طور متوسط بندرت بیش از پنج تا شش درصد درآمد ملی خود را سرمایه گذاری می کنند. در حالی که سرمایه گذاری در اروپای غربی یا کشورهای متحده آمریکا بین ده تا پانزده درصد است، با چنین وضعیتی و با سرمایه گذاری پنج تا شش درصد درآمد ملی، نمی توان نتایج ناشی از افزایش جمعیت سالانه را جبران کرد. (1)

و تناسبی بین برنامه ریزی رشد جمعیت وجود نخواهد داشت.

از طرف دیگر، از مهم ترین علائم آشکار رشد جمعیت، جوان بودن فوق العاده جمعیت در ایران است. (هم اکنون پنجاه درصد از جمعیت ایران زیر هفده سال هستند.) این جوانی، هزینه هایی را ایجاد می کند. در سال های اول زندگی بیشتر کودکان مصرف کننده هستند و داشتن فرزندان زیاد برای خانواده ها و دولت، مفهومی هزینه زیاد در مورد غذا، مسکن، پوشاک و سایر خدمات اجتماعی، مانند بهداشت و آموزش و پرورش و غیره است.

با توجه به آنچه گفته شد، سرمایه گذاری های درازمدت اقتصادی و اجتماعی جهت تأمین خدمات کمتر انجام گیرد و بیشترین ارقام بودجه صرف نیازهای روزمره می گردد. بگذریم از جنبه های دیگر آن، مانند نیاز به برنامه ریزی برای اشتغال کودکانی که هم اکنون به دوران بلوغ رسیده اند و دولت نتوانسته است. به خاطر صرف سرمایه گذاری ها در ارائه خدمات به نیروهای در حال افزایش، برای تأسیس نهادهایی که ایجاد اشتغال می کند، سرمایه گذاری نماید.

ص: 96

در حالی که در کشورهایی که جمعیتی ساکن دارند، میزان ثروتی که همه ساله صرف پرورش و وارد ساختن عناصر جوان در جریان تولید می شود، فقط محدود به هزینه هایی است که صرف نوسازی و مسائل تولید، به مفهوم سریع می شود. اما در کشورهای در حال رشد، که سه درصد یا بیشتر در هر سال افزایش جمعیت پیدا می کنند، فقط نگاه داشتن سطح زندگی این جمعیت در حال افزایش نیاز به افزایش متوازی را در سرمایه تولیدی مطرح می کند.

به عنوان مثال، میزان رشد دو و نیم درصد در سال، مفهومش اضافه کردن صد واحد سرمایه تولید است، که مترادف با افزایش تولیدی سالانه معادل با بیست و پنج است. برای رسیدن به بیست و پنج واحد افزایش تولید سالانه، نیاز به سرمایه گذاری به میزان چهار برابر بیشتر است. (1)

بنابراین، دولت برای برنامه ریزی در جهت حل مشکلات جامعه و ساماندهی نیازها، همیشه عقب افتاده است، و تناسبی بین سرمایه گذاری و رشد اقتصادی با رشد جمعیت ندارد، و با چنین تعارضی است که مشکلات یکی پس از دیگری رخ می نماید، کارهای اصولی و سرمایه گذاری های زیربنایی انجام نمی گیرد و اگر انجام بگیرد، بسیار ناچیز و تحقق آن بسیار کند است. آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، اشتغال، تأمین مواد غذایی، آب آشامیدنی، برق و مواد سوختنی، طبق نیاز جمعیت کشور فراهم نمی گردد.

ذکر این موضوع، که رشد جمعیت، چه پیامدی برای برنامه ریزی

ص: 97

اقتصادی در بردارد، به این معنا نیست که برای حل مشکل، تنها چاره، کنترل جمعیت است، بلکه منظور از یاد کردن آن، این است که تکثیر نسل نمی تواند در جامعه کنونی و در عصر ما جنبه فردی داشته باشد و مسئولیت و اختیار آن تنها به اختیار فرد باشد، بلکه همان طوری که مرتبط با والدین کودک و خانواده هست، دقیقاً مرتبط به جامعه نیز هست. وگرنه اعتقاد ما در سطح ملی این است که در مرحله نخست باید شتاب آهنگ اقتصاد کشور را توسعه دهیم، و از این طریق است که می توان دشواری های ناشی از ازدیاد جمعیت را چاره سازیم و ضریب افزایش آن را به سطح قابل قبول رسانیم (1)

و آنگاه برای توازن و تناسب بین رشد جمعیت و رشد سرمایه گذاری کوشش کنیم.

و از سوی دیگر به موازات این برنامه ریزی، خانواده ها نیز از نگرش شخصی خود وظیفه دارند مناسب با شرایط و امکانات خویش فرزند داشته باشند و «تنظیم خانواده» را بر اساس رابطه متقابل شخصی و اجتماعی و تعداد فرزند انجام دهند.

مثلاً هر خانواده ای، هنگامی که می بیند با وجود افزایش فرزندان، قدرت تربیت و آموزش صحیح آنان را ندارد و در نتیجه، با آینده ای نه چندان مناسب از نظر آموزش و پرورش مواجه خواهد شد، و از طرف دیگر، کمبود شدید امکانات در بخش های آموزش و پرورش، از نظر تجهیزات ساختمانی، وسایل آموزشی، استاد و معلم مورد نیاز و... (نسبت به ساختار جمعیتی جوان فعلی کشور حدود 16 میلیون نفر که

ص: 98

---

1- . برای توضیح بیشتر در این باره به کتاب: جهان سوم در برابر کشورهای غنی، نوشته آنجلو آنجلو پولوس، ص 163 مراجعه کنید.

تا سال 1385 پیش بینی می شود به رقم 25 میلیون نفر افزایش یابد.) امکان زیر پوشش قرار دادن همه دانش آموزان را به خوبی ندارد، و یا سطح علمی مناسب نیست، چه رسد به آن که رشد جمعیت با این سرعت و شتاب فراوان خود جمعیت انبوهی را بر کشور تحمیل نماید. وظیفه اجتماعی خانواده، اقتضا می کند، که «تنظیم خانواده» کند.

چند وضعیتی نیز در آموزش عالی مشاهده می گردد. زیرا سیستم آموزش عالی کشور، تنها توانایی پذیرش ده درصد از دیپلمه های کشور را دارد. یعنی تنها حدود چهار درصد از کل جمعیت جوان کشور (تعداد جوانان بین سنین بیست تا بیست و چهار سال در کشور ما 214309/4 نفر می باشد).

از سوی دیگر، حرفه ها و رشته های مورد دلخواه و مطابق با ذوق و استعداد افراد یا وجود ندارد و یا اگر وجود دارد، ظرفیت کمی را می پذیرد. نتیجه آن چنین خواهد بود که از جمعیت فعال کشور (8/12 میلیون نفری کشور، طبق آمار سال 1365 شمسی) 8/1 میلیون چهارده و دو دهم درصد بیکارند و به استناد روند محصولات ملی، سی و سه درصد از جمعیت شاغل، کم کارند یا نقش مهمی در تولید ملی ندارند. و در حال حاضر سالانه حدود سیصد و سی هزار نفر جوینده کار وارد بازار کار می شوند و با توجه به نرخ رشد جمعیت پیش بینی می شود، در سال 1390 شمسی، جمعیت کشور به نزدیک یک صد میلیون نفر افزایش یابد و حجم نیروی کار به بیست و چهار میلیون نفر برسد. (1)

ص: 99

---

1- . سمینار بررسی جمعیت و توسعه، 24/4/71، جمعیت و تنظیم خانواده، ص 1. البته این پیش بینی به دلیل برنامه ریزی های گسترده و موفق دولت، رشد جمعیت کاهش یافت.

همچنین در ده سال اخیر، خالص مشاغل جدید ایجاد شده در تمامی بخش های اقتصادی، در حدود 650/1 میلیون شغل، به عبارت بهتر، سالانه به طور متوسط معادل صد و پنجاه و شش هزار شغل بوده است. با توجه به چنین فاصله ای از نیروهای مولّد کشور و توان ایجاد اشتغال بخش های مولّد اقتصادی کشور، علاوه بر این که نتوانستند همگام با افزایش جمعیت، سطح اشتغال خود را بالا ببرند، بلکه تا حدود زیادی نیروی انسانی کارآمد خود را از دست داده اند.

بگذریم از این که تقاضای نیروی کار فقط از طریق سرمایه گذاری های جدید که ظرفیت های تولیدی جدید ایجاد می کند، صورت می گیرد، و این امر با افزایش سریع جمعیت با مشکل مواجه می شود و چون از تکنولوژی پیشرفته هم استفاده می کنیم. تقاضای نیرو، یا ثابت می ماند، یا کاهش می یابد، و لذا مشکل بیکاری در جامعه گسترده تر می شود. (1)

بنابراین، وظیفه هر خانواده چنین اقتضا می کند که در برابر مشکلات و نارسایی ها با دولت همکاری کند و مناسب با شرایط موجود، فرزندان خود را افزایش دهد.

## 2/5 جمعیت و افزایش بزهکاری

از مسائل دیگری که ارتباط بین جامعه و مسئولیت خانواده را نشان می دهد و مستقیماً در رفتار جامعه تأثیر می گذارد و پیامد کثرت عائله می باشد، رابطه بین فرزند زیاد داشتن و جرم خیزی در خانواده های فقیر

ص: 100

است؛ چیزی که با توجه به آنچه که در گذشته بیان شد. به خوبی روشن است، زیرا در جایی که فقر، بیکاری، جهل، تراکم جمعیت و عدم فرصت کافی برای تعلیم و تربیت فرزندان باشد، زمینه بزهکاری و جرم فراهم شود و خانواده را نسبت به آن آسیب پذیر خواهد کرد. به عنوان نمونه به آماری در این زمینه توجه کنید:

طی آمارهایی که از مجموعه ای از مجرمان جمع آوری شده است، به این نتیجه رسیده اند، کسانی که دو و سه فرزند داشته اند، بزهکاری و جرم در آنان پانزده درصد و آن هایی که بیش از پنج فرزند داشته اند، 66/43 از بزهکاران از این خانواده هاست.

پژوهش مرکز ملی مطالعات و تحقیقات زندانبانی، به موجب آمارهایی متعدد، این نکته را تأیید می کند، که خانواده هایی که از میان آن ها بزهکاران برخاسته اند، بیشتر از حد متوسط تعداد فرزندان عموم خانواده ها فرزند داشته اند. طبق دو نمونه ای که در استراسبورگ بررسی گردید، میانگین تعداد فرزندان خانواده هایی که در میان بزهکاران با سابقه برخاسته، 53/4 برای زندانیان و 05/4 برای تبعیدی ها بوده است. همین طور خانواده هایی که بیش از چهار فرزند داشته اند، بیش از هشت تا نه برابر دیگر خانواده ها بزهکار تحویل جامعه داده اند. (1)

هرچند این آمار ناظر به صورت کلی خانواده های پرجمعیت است و موارد استثنای آن بسیار است، اما عامل جرم خیزی آن در خانوارهای

ص: 101

پرجمعیت روشن است. جمعیت خانواده هرچه بیشتر شود، به طور طبیعی مشکلات اقتصادی و تربیتی خانواده افزون تر می گردد. کافی است که به نوع خانواده پرجمعیت و فقیر سری بزنیم و ببینیم که آنان به دلیل این که نمی توانند غذا و پوشاک و آموزش و تربیت فرزندان را به خوبی رسیدگی کنند، فرزندانشان بیکار و بی عار و ولگرد دست به کارهای خلاف می زنند و عامل بزهکاری و جرم هستند.

بنابراین، آیا جامعه در مقابل این مشکل مسئولیت ندارد. و آیا نباید پیامد این جرم ها متحمل شود و هزینه فرهنگی و ضایعات انسانی، خرج زندان، مسائل عاطفی و قضایی آن را پرداخت کند؟

و آیا هر خانواده نباید در آنجا که وقوع چنین مشکلاتی قطعی است، پیش بینی های لازم را بکند.

آنچه تاکنون در این قسمت بیان شد، نمونه ای بود از پیامدهای رشد جمعیت و عدم کنترل بارداری، که جنبه کارشناسی نیز داشت. البته بحث درباره مسائل رشد جمعیت در سطح ملی و جهان، گسترده تر از آن است که در این نوشته کوتاه - که بیشتر در مقام تبیین نظریه اسلام نسبت به تنظیم خانواده است - بگنجد. و در اینجا بیشتر به آمارها و ارقام در سطح ایران بسنده شد و گرنه، نسبت به رشد جمعیت و مشکلات آن در سطح جهان، آمارها و بحث های دقیق تری وجود دارد.

و غرض از ذکر این مسائل، تنها توجه به مسائل کلی آن بود و مناقشه در جزئیات، نمی تواند استدلال کلی را به نقش جامعه نسبت به وظایف خانواده را خدشه دار کند.

البته مطالب دیگری از مباحث کارشناسی و تجربیات کثرت عائله

نسبت به خانواده وجود دارد، که در بخش دوم کتاب در پاسخ به شبهات مخالفین ارائه خواهد شد، باشد که در روشن شدن بحث مفید افتد.

بنابراین، از مجموع آنچه در بخش نخست در پی اثبات آن بودیم، چنین نتیجه می‌گیریم که: تنظیم خانواده، نه تنها در عصر کنونی جایز و مباح است، بلکه به دلیل شرایط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی برای خانواده و جامعه يك ضرورت است؛ ضرورتی که حدود آن را امکانات ملی و توان خانواده تعیین می‌کند.

البته حدود امکانات ملی و چند و چون آن تنها توسط کارشناسان متعهد و آگاه تعیین می‌گردد.

از سوی دیگر، آنچه در استدلال به جواز تنظیم خانواده بیان شد، در کلیت آن بود، اما با چه روشی و ابزاری جایز است، بحثی است که در قسمت روش های پیشگیری خواهد آمد.

ص: 103





آنچه تاکنون بیان شد، در باب ضرورت «تنظیم خانواده» از نظر اسلام بود. اما در برابر این نظریه، گروهی با «تنظیم خانواده» یا پیشگیری از بارداری و کنترل جمعیت به دلایل مختلف مخالفت کرده اند، از آنجا که شبهات این گروه جنبه های مختلفی دارد، برخی اصل جایز بودن پیشگیری از بارداری را انکار کرده اند، و برخی امکان ضرورت آن را در هر صورت و به طور مطلق انکار کرده اند، و بعضی دیگر، «تنظیم خانواده» را از بُعد فردی آن را جایز دانسته اند، اما دخالت دولت ها را در آن جایز ندانسته اند، از این رو، ما در بخش حاضر، یکایک این اشکالات را طرح می کنیم و پاسخی در محدوده ادعای خود - که در آغاز بحث مشخص شده است - به آن ها می دهیم.

البته هدف از این بخش، طرح همه اشکالات و شبهات نیست، چنانچه در این بخش مباحثی مربوط به سقط جنین و پی آمدها و آثاری که برای تنظیم خانواده ذکر شده است. در حالی که هدف ما تنها پرداختن به جنبه های حقوقی موضوع تنظیم خانواده است.

فهرست اشکالات مخالفین خانواده به قرار زیر است:

1- اصل بودن تکثیر نسل.

2- مناقشه در جواز عزل (یکی از راه های پیشگیری از بارداری).

3- منافات تنظیم خانواده با رازقیت خداوند.

4- استعماری بودن نظریه تنظیم خانواده.

5- مناقشه در ضرورت تنظیم خانواده.

### 1. اصل تکثیر نسل

یکی از اشکالاتی که بر ممنوعیت «تحدید نسل» شده، این است که گفته اند: نصوص، دینی اعم از قرآن کریم و روایات منقول از پیامبر و ائمه معصومین، همگی صراحت دارد بر این که هدف از تشکیل خانواده، حفظ نوع بشری و تکثیر نسل است، که خداوند به طور طبیعی از طریق غریزه جنسی و تأمین آن در نهاد انسان قرار داده است. همان طوری که قرآن کریم به این موضوع اشاره دارد:

وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ اَزْوَاجِكُمْ بَنِيْنَ وَحَفَدَةً (نحل: 72)؛

خداوند رحمان آن کسی است که از شما همسرانی را قرار داد و از همسران شما فرزندان و نتیجه هایی.

در این آیه شریفه، با ارتباط بین تأمین نیازهای جنسی و توالد و تناسل، به اهمیت داشتن فرزند و نتیجه اشاره می کند و این نعمت خداوندی را با ذکر فلسفه ازدواج تبیین می کند.

ص: 106

از طرف دیگر، در روایات، نه تنها بر اصل توالد و تناسل و فلسفه ازدواج دلیل داریم، بلکه افزون بر آن مطلوب بودن افزایش هرچه بیشتر فرزندان توصیه شده است؛ تا آنجا که در برخی از روایات آمده است که پیامبر خدا بر افزایش جمعیت مسلمانان مباحثات می کند. در مثل از پیامبر گرامی خداوند روایت شده است:

تَزُوجُوا فِائِي مُكَاتِرٌ بِكُمْ الْأُمَمُ غَدًا فِي الْقِيَامَةِ: (1)

ازدواج کنید، زیرا به درستی که من در روز قیامت بر افزونی امت خود افتخار می کنم.

همچنین در حدیث دیگری از آن حضرت روایت شده است:

تَنَاقَحُوا تَكْتُرُوا، فِائِي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: (2)

همسری برگزینید، فرزندان را زیاد کنید، به درستی که، من در روز قیامت به افزونی امت خود افتخار می کنم.

از این رو، مخالفین تنظیم خانواده می گویند که، ما از مذاق شارع چنین استنباط می کنیم که در اسلام، اصل بر تکثیر نسل است، و بچه زیاد داشتن امری مطلوب شارع و قاعده ای عمومی است. و هر اقدامی برای محدود کردن و تنظیم فرزندان، مخالف فلسفه آفرینش و مخالف مذاق شارع است. (3)

ص: 107

- 
- 1- . وسائل الشیعه، ج 14، باب 1، از ابواب مقدمات نکاح، حدیث 2.
  - 2- . احیا علوم الدین، ج 2، ص 22.
  - 3- . ما بخشی از این روایات را در آغاز همین کتاب متعرض شده ایم، به صفحات 27 به بعد مراجعه کنید.

آنچه تردیدناپذیر می باشد، مطلوب بودن توالد و تناسل و زینت بودن فرزند داشتن است و لذا علمایی که معتقد به «تنظیم خانواده» هستند، منکر مطلوب بودن آن نیستند؛ اما آنچه محل بحث و تردید و محل نزاع در شرایط کنونی می باشد، همان تکثیر نسل در هر صورت است که در روایات اسلامی به آن اشاره شده است. این روایات، گرچه با مضامین گوناگونی نقل شده و بعضی از سندهای آن محل مناقشه است، ولی در مجموع، «تواتر معنوی» بر استحباب و مطلوب بودن تکثیر نسل دارد. اما این استحباب، عمومیت ندارد و به قرینه تقیدات نقلی و عقلی که بعداً به آن اشاره خواهد شد، نمی تواند مطلق و شامل همه موارد و زمان ها باشد.

از ظاهر این روایات، استفاده می شود، که فقط در مقام بیان نوعی مطلوب بودن فرزند زیاد داشتن است، و این در هنگامی است که هیچ مانعی نباشد. به نمونه هایی از این تقیدات و موانع که در روایات آمده است، اشاره می کنیم.

1- درباره زنی که بداخلاق و عصبی است. درباره چنین زنانی روایت رسیده است که می توان از داشتن بچه پیشگیری کرد، بنابراین، استحباب فوق برداشته شده است. (1)

2- درباره زنی که ابله و احمق و یا کندذهن باشد، روایت رسیده است که بچه داشتن از چنین زنی، ضایع کردن نسل است.

ص: 108

---

1- . وسائل الشیعه، ج 14، باب 76 از ابواب مقدمات نکاح، حدیث 4، ص 107.

بنابراین در این صورت، نه تنها زیاد بچه داشتن مطلوب نیست، بلکه نباید با این دسته از زنان ازدواج کرد. (1)

و اگر ازدواج صورت گرفت نباید از آنان بچه دار شد.

3- درباره زنی که دیوانه شده است، روایت رسیده که اگر با او ازدواج کردید، نباید بچه دار شوید. (2)

گذشته از این نمونه ها و تقیدات - که باز هم یافت می شود - عقل نیز حکم می کند که همیشه بچه زیاد داشتن، مطلوب نیست و موارد دیگری وجود دارد که از نظر عقلی، زیاد فرزند داشتن مقید شده است:

1- در صورتی که پدر، توان اداره زندگی فرزندان زیاد را ندارد و نمی تواند غذا و لباس و مسکن و دیگر نیازهای ضروری آن ها را تأمین کند. بنابراین، تکثیر نسل استحباب نخواهد داشت. زیرا داشتن بچه های گرسنه و فقیر و در مانده و خانه بدوش با لباس های ژنده با وضعیتی اسفبار و ترحم انگیز، چه مباهات و افتخاری برای جامعه اسلامی و پیامبر گرامی خواهد داشت، و چه عزت و شوکتی برای جامعه فراهم می کند که تشویق به تکثیر نسل شود.

2- در صورتی که برای پدر، امکان تربیت صحیح فرزندانش وجود ندارد. یعنی در شرایط و محیط و موقعیتی باشد که نتواند به بهترین وجه آنان را تربیت کند و به تعلیم و تربیت آن ها رسیدگی کند.

البته در صورتی که ناتوانی پدر در تربیت صحیح فرزندانش، ناشی از این دو صورت باشد:

ص: 109

---

1- . همان، باب 33 از ابواب مقدمات نکاح، حدیث 1، ص 56.

2- . همان، باب 34 از ابواب مقدمات نکاح، ح 7/5.

الف: شرایط اجتماعی به گونه ای باشد که فرزندان نیاز به مراقبت ها و برنامه های تربیتی و آموزشی داشته باشند و چنین وضعیتی با داشتن فرزندان بسیار ممکن نباشد.

ب: موقعیت شغلی و برنامه کاری پدر خانواده به گونه ای باشد که ایام فراغت و رسیدگی او به خانواده، کم است. در این صورت، در این فرصت اندک توان رسیدگی و مواظبت همراه با عطف و اخلاق برای فرزندان زیاد حاصل نباشد، یا باید تعداد فرزندان او کم باشد تا بتواند به امور تربیتی و اخلاقی آن ها به خوبی رسیدگی کند، یا از امور تربیتی و اخلاقی آنان چشم پوشی کند.

بنابراین، در این صورت، افزایش فرزندان عقلاً و شرعاً مطلوب نیست، زیرا داشتن فرزندان زیاد، اما تربیت نشده و ناهل و ناصالح، برای اسلام و جامعه مسلمین افتخار نخواهد بود و پیامبر خدا به هر مسلمانی هرگونه که باشد مباحات نمی کند.

3- از موارد دیگری که مطلوبیت تکثیر نسل مقید شده، در جایی است که مادر، توان داشتن بچه زیاد را ندارد، یا حامله شدن پی در پی او را دچار مشکل می کند. یا بچه های این پدر و مادر عقب افتاده یا ناقص الخلقه متولد می شوند. یا به خاطر بیماری هایی که یکی از پدر و مادر دارند یا مادر و پدر دچار بیماری خونی هستند. بنابراین، در این موارد، بچه زیاد داشتن مایه مباحات و فخر نیست، و تکثیر نسل برای پیامبر موجب افتخار نیست و جامعه اسلامی که نیاز به سلامت و قدرت و فعالیت دارد، با وجود چنین مشکلاتی تکثیر نسل نمی تواند افتخار آور باشد.

هدف از توضیح این موارد، تبیین این نکته است که تکثیر نسل، قاعده عمومی و همیشگی نیست و از نظر عقل و شرع، دست کم، مقید به موارد فوق و موارد دیگری شده که در آغاز بحث به آن‌ها اشاره کردیم و ضرورت تنظیم خانواده را برشمردیم.

بگذریم از این که استحباب تکثیر نسل، بیانگر مطلوب بودن آن است، نه الزامی بودن زیاد بچه داشتن. و در برابر این استحباب، ادله جایز بودن پیشگیری از بارداری، مانند عزل (ریختن منی خارج از رحم)، جایز بودن «تنظیم خانواده» را ثابت می‌کند، و روشن است کسانی که معتقد به ضرورت «تنظیم خانواده» هستند، به خاطر دگرگونی شرایط جامعه کنونی و ایجاد مشکلات زندگی، به ویژه با افزایش فرزندان، این روش را پیشنهاد می‌کنند.

### **تفاوت شرایط تاریخی**

از طرف دیگر، نباید تفاوت شرایط عصر پیامبر را با زمان حاضر مورد غفلت قرار دهیم. تفاوت آن عصر با زمان حاضر در سه مسئله کاملاً مشهود است و همین سه مسئله، تأثیر فراوانی در میزان فرزنددار شدن و «تنظیم خانواده» گذاشته است:

1- در عصر پیامبر، رشد جمعیت در جهان و به ویژه در مناطق اسلامی، بسیار اندک و مشکلات زیستی به شکل کنونی و با توجه به نیازها و توقعات امروزه مطرح نبوده است. از این رو، در عصر آن حضرت تشویق به افزایش هرچه بیشتر جمعیت مسلمانان و ایجاد قدرتی در برابر قدرت‌های دیگر امری طبیعی بوده است. رشد جمعیت



در آن عصر، حتی تا قرن هفدهم، بسیار کند بوده است، به گونه ای که جمعیت جهان تا قرن هفدهم بر اساس آمارهای اعلام شده تا سال 1650 میلادی، پانصد میلیون نفر بوده است. در حالی که جمعیت جهان، هم اکنون به پنج و نیم میلیارد نفر رسیده است.

بخش جمعیتی اداره امور اقتصادی اجتماعی سازمان ملل در گزارشی به مناسبت روز جهانی جمعیت، (20 تیرماه 1371 شمسی) پیش بینی کرد تا پایان سال میلادی جاری، نودوسه میلیون نفر دیگر به جمعیت جهان اضافه خواهند شد. و البته این افزایش، تصاعدی خواهد بود، به گونه ای که جمعیت جهان را تا پایان قرن حاضر میلادی، 2/6 میلیارد نفر برآورد کرده اند. (1)

2- در عصر پیامبر خدا، مرگ و میر بیشتر بوده است، در حالی که در دوران معاصر به خاطر پیشرفت علم و پیشگیری از بسیاری از بیماری ها، مرگ و میرهای فراگیر و گسترده کاهش یافته است. عموماً در آن عصر، خانواده ها ناچار بودند که هرچه می توانند بچه دار شوند، تا این که لااقل چند بچه آن ها زنده بماند. در صورتی که در شرایط کنونی، چنین نیست. گرچه امروزه نیز کودکانی در اثر سوء تغذیه و یا کمبود بهداشت و درمان می میرند، اما نسبت مرگ و میر بسیار پایین است و انگیزه ای برای هرچه بیشتر بچه دار شدن نیست.

بنابراین، به این دو دلیل هم که باشد، می توان گفت که مسلمانان در عصر اول گرفتار کمبود شدیدی از نظر نفقات بودند و داشتن فرزندان زیاد (البته فرزند پسر) در عصر ظهور اسلام یکی از بارزترین نشانه های

ص: 112

قوت و قدرت بود. لذا تکثیر نسل در عصر پیامبر اسلام با توجه به آنچه گفته شد با زمان حاضر، متفاوت است.

3- تفاوت دیگری که باز مشهود است، تفاوت شرایط اقتصادی و توقعات خانواده‌ها در عصر پیامبر با زمان ما است. این تفاوت در شرایط اقتصادی، و شکل زندگی اجتماعی انسان‌ها، شامل غذا، پوشاک، مسکن، امکانات آموزشی، تفریح، سرگرمی، وسایل حمل و نقل، بهداشت و درمان، بیمه، آب آشامیدنی، برق و بسیاری از اموری دیگر است، که جنبه رفاه خواهانه دارد، و امروزه ما، خواه و ناخواه با این واقعیت مواجه هستیم و نمی‌توانیم به نوجوانان و جوان عصر کنونی بگوییم. این‌ها را نخواهد و نداشته باشد.

گسترده‌گی این نیازها و توقعات و تفاوت شرایط آن با صدر اسلام، حتی با گذشته بسیار نزدیک جوامع اسلامی و به ویژه ایران امری کاملاً روشن است. بنابراین، لازمه تکثیر نسل، تأمین همه این نیازها و توقعات سرمایه‌گذاری برای تأمین اصولی آن‌هاست. البته در اینجا برخی اشکال کرده‌اند که در ذیل پس از بیان اشکال، بدان پاسخ خواهیم داد:

برخی گفته‌اند: «اولاً مشکلات عینی اقتصادی ما هرچه قدر شدید باشد، و پیچیدگی خاص خود را داشته باشد، باز نمی‌تواند قابل مقایسه با مشکلات اقتصادی صدر اسلام باشد، زیرا شرایط سخت و طاقت‌فرسایی همچون بستن سنگ به شکم برای عدم احساس گرسنگی، زندگی هشت نفره با یک خرما، محاصره و حشتناک شعب ابی طالب و... هرگز در جامعه ما یافت نمی‌شود.

بگذریم از این که اساساً پذیرش و پرورش این گونه شبهات، به معنای نفی احکام الهی و نسبی کردن آن ها است.

ثانیاً: به صرف این که مشکلاتی اقتصادی در جامعه وجود دارد، نمی توان به تغییر «احکام اولی» و تمسک به «احکام ثانوی» نمود. زیرا هیچ زمانی، مکانی، کشور یا قومی در طول تاریخ بشر بدون مشکل و مشکلات اقتصادی نبوده و نیستند.»<sup>(1)</sup>

در پاسخ به این اشکال باید گفت:

1- نباید قدرت و تحمل گروه اندکی مؤمن جان باخته را در آن شرایط با جمعیت کنونی کشور بزرگ ایران یا جهان اسلام مقایسه کرد، که همه مردم آن یکسان نمی اندیشند. و اساساً نمی توان توقع داشت که مردم ما با همان قدرت تحمل، مشکلات اقتصادی و اجتماعی را - گرچه در درجه بسیار کمتری - تحمل کنند، یا از نیازهای عصر حاضر چشم پوشی کنند، آن هم نه برای جنبه آرمانی و مبارزاتی، بلکه برای افزایش جمعیت.

2- نوع مشکلات و توقعات کنونی، همان طور که اشاره شد، قابل مقایسه با سنخ مشکلات و نیازهای صدر اسلام نیست.

با نگاهی اجمالی به تاریخ زندگی بشر در دوران های گذشته و به ویژه در جزیره العرب و منطقه حجاز، به خوبی این مدعا روشن می شود که در آن زمان ها، مشکلات زندگی، بسیار بسیط و سطح توقعات اندک و نیازها نیز محدود بوده است. به عنوان نمونه، در حالی

ص: 114

---

1- . روزنامه جمهوری اسلامی، نظریه کنترل جمعیت و دیدگاهها، محمدباقر خرازی، قسمت یازدهم، شماره 3292/11.

که ما فقط در کشور ایران هم اکنون باید سالانه بیست و پنج هزار کلاس برای دانش آموزان جدید اضافه کنیم تا نیاز به مدرسه در ایران مناسب با رشد جمعیت تأمین شود، اما با تمام بسیجی که نسبت به مدرسه سازی شده است، امسال حداکثر بیش از هشت هزار کلاس آماده بهره برداری نخواهد شد. (1) و از این موارد زیاد هستند، مانند سیستم شهرسازی، برق رسانی، آب رسانی، اشتغال، ایجاد صنایع و ده ها مسئله دیگر که هرگز در گذشته سابقه نداشته است و هم اکنون ارتباط تنگاتنگی با چگونگی رشد جمعیت دارد، و جامعه اسلامی باید آن ها را فراهم کند. و همین طور نیازها و توقعاتی که در این زمینه از ناحیه پدر و مادر برای فرزندان مطرح است و هزینه زندگی و تبعات کثرت عائله را چند برابر می کند و در نهایت، انجام آن به دوش دولت می افتد. بنابراین، نمی توان این نیازها و مشکلات را مقایسه با صدر اسلام کرد.

3- مسئله دیگر، در رابطه با تلقی از «تکثیر نسل» در احکام اسلامی است.

اولاً: ما باید تعالیم اسلامی را بر چند بخش تقسیم کنیم. برخی از احکام، جنبه فریضه در برابر سنت را دارد، که جزء احکام الهی و ثابت است، و پیامبر مأمور بیان آن ها بوده است و برخی دیگر از احکام، جنبه حکومتی داشته و با دگرگونی شرایط و تغییر یافتن موضوع، تغییر می یابد و از آن جهت هم حکومتی نام گرفته، که تابع شرایط و تغییرات بوده است. مثلاً می بینیم در زمان امام صادق کسی از آن حضرت سؤال می کند که چرا برنج را جزو غلات قرار می دهید و برای

ص: 115

---

1- . روزنامه جمهوری اسلامی، شماره 3810، تاریخ 11/5/71.

آن زکات تعیین می کنید، حضرت در پاسخ می فرمایند: «برنج در زمان پیامبر در مدینه کشت نمی شد، در حالی که امروز برنج در عراق یکی از مهم ترین موادّ خراج است.»<sup>(1)</sup>

بنابراین، چنین احکامی قابل تغییر و تبدیل، مناسب با شرایط و نیازها است.

و از این نمونه احکام است، آنچه درباره امیر مؤمنان علی نقل شده است که در آخر هر هفته تمام پول های خزینه را تقسیم می کرد و دستور می داد جارو بزنند و نماز می خواند و پس از نماز می فرمود: خدایا تو شاهد باش که من مالی را بر مسلمین حبس نکرده ام.<sup>(2)</sup>

آیا کسی می تواند بگوید در شرایط فعلی، دولت اسلامی نسبت به خزینه کشور چنین کاری را بکند و آیا چنین شیوه ای هم اکنون در اقتصاد و حکومت به مصلحت مملکت است؟

و همچنین است اموری که جنبه جغرافیایی دارد. مانند این که در روایت اسلامی نسبت به چگونگی نعلین و رنگ آن دستوری آمده است. اما امروزه کسی می تواند بگوید: این نعلین در قطب شمال هم مستحب است، چون پیامبر نعلین می پوشیده و روش پیامبر بوده است.<sup>(3)</sup> و همچنین دیگر اموری که مربوط به شرایط آب و هوا و خصوصیات زیست در جزیره العرب مطرح بوده است.

ص: 116

---

1- . وسائل الشیعه، ج 6، باب 9 از ابواب ما تجب فیہ الزکاة، حدیث 11/41.

2- . وسائل الشیعه، ج 11، ص 83.

3- . مکارم الاخلاق، ص 121.

که به خاطر شرایط زمانی و مکانی، امری را مستحب می کردند. که اگر آن زمان و مکان و شرایط نباشد، دیگر نمی تواند مستحب باشد.

ثانیاً: فلسفه اجتهاد و تقلید از مجتهد حئی و تغییر احکام به تبدل موضوعات در منطبق کردن همین مسائل است و هرگز به معنای نسبی کردن احکام الهی نیست. زیرا احکام الهی که جزو فرایض محسوب می شوند، نسبی نیستند، اما سنن و احکام حکومتی دقیقاً، نسبی هستند؛ خصوصاً اصولی مانند ولایت فقیه و اختیارات حاکم که از احکام اولیه است، نسبت به دگرگونی این سنن حکومت دارد و حتی بالاتر از احکام فرعی الهی هستند. حضرت امام خمینی قدس سره، در این باره چنین نوشته اند:

«اگر اختیارات حکومت در چارچوب احکام فرعیه است، باید عرض حکومت الهیه و ولایت مطلقه مفوضه به نبی اسلام يك پدیده بی معنی و محتوا باشد. اشاره می کنم به پیامدهای آن که هیچ کس نمی تواند ملتزم به آن ها باشد. مثلاً خیابان کشی ها که مستلزم تصرف در منزل است، یا در حریم آن است، در چارچوب احکام فرعیه نیست. نظام وظیفه و اعزام الزامی به جبهه ها و جلوگیری از ورود و خروج ارز و جلوگیری از ورود یا خروج هر نحو کالا و منع احتکار در غیر دو - سه مورد و گمرکات و مالیات و جلوگیری از گران فروشی،

ص: 117

---

1- . خوانندگان گرامی جهت اطلاع بیشتر از این موارد و بحث بسیار عالمانه آن به کتاب «الموسیقی» از جناب آقای علی حسینی، ص 193، تحت عنوان «تأثیر اختلاف الظروف فی التشریح» مراجعه کنند.

قیمت گذاری و جلوگیری از پخش مواد مخدّر و منع اعتیاد به هر نحو غیر از مشروبات الکلی، حمل اسلحه به هر نوع که باشد و صدها امثال آن که از اختیارات دولت است... باید عرض کنم حکومت که شعبه ای از ولایت مطلقه رسول الله است. یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعیه، حتی نماز و روزه و حج است.»<sup>(1)</sup>

و باز حضرت امام در جای دیگر می فرماید:

زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مسئله ای که در قدیم دارای حکمی بوده است، به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد يك نظام، ممکن است حکم جدیدی پیدا کند. بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می طلبد.<sup>(2)</sup>

بنابراین، طبیعی است که اگر مصلحت کشور بر اساس نظریه جمع زیادی از کارشناسان قابل وثوق مبتنی بر کنترل جمعیت شد، آن استحباب اولیه تغییر می کند و نباید از نسبی شدن این دسته از احکام هراس کرد و آن را به منزله نفی احکام الهی ابدی دانست.

بگذریم از این که در زمان پیامبر، مسئله عزل و استعمال و سائلی برای پیشگیری از بارداری مرسوم بوده، و انگیزه هایی برای تنظیم خانواده وجود داشته است. همان طوری که دستور رسیده است که

ص: 118

---

1- . صحیفه نور، ج 20، ص 170.

2- . صحیفه نور، ج 21، ص 98.

هرگاه برای انسان مقدور بود، باید تشکیل خانواده بدهد و پیش از آن باید خویشتن داری و عفت به خرج دهد. خداوند می فرماید:

وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (نور: 33)؛

باید آنان که امکان ازدواج ندارند، عفت به خرج دهند تا آن که خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز کند.

و در حدیثی از پیامبر آمده است.

یا معشر الشباب مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ بِالصَّوْمِ؛<sup>(1)</sup>

ای جمعیت جوانان، هرکدام که توان دارید، ازدواج کنید وگرنه روزه بگیرید.

همین طور در بچه دار شدن نیز آدمی چنین وظیفه ای دارد، و باید توان و امکانات خود را ارزیابی کند و سپس درباره بچه دار شدن و تعداد آن ها تصمیم بگیرد. و خود را در مهلکه نیندازد، که آسایش و لذت زندگی تحت الشعاع مشکلات و سختی های طاقت فرسای اداره فرزندان قرار گیرد، و خود را در سختی هایی قرار دهد که اسلام هرگز به آن راضی نیست. خداوند می فرماید:

مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُنِيبَكُمْ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (مائده: 6)؛

ص: 119

---

1- . صحیح بخاری، ج 3، کتاب نکاح، ص 238.



خداوند، اراده نکرده است که شما را در زحمت و سختی قرار دهد، بلکه خواسته است که شما را پاك گرداند، باشد که شاکر باشید.

پس آنچه می تواند ملاك بچه دار شدن باشد، همین استطاعت است و اگر در جایی «حرج» و مشقت باشد، دیگر استحباب تکثیر نسل منتفی است.

افزون بر آنچه استدلال شد، روایات دیگری از طریق شیعه و سنی نقل شده است، که مسئله سختی و مرارت های کثرت عائله را گوشزد کرده و به پیامدهای آن توجه داده است، تا کسانی که می خواهند زیاد بچه دار شوند، آگاهانه در این راه گام نهند و به آینده تصمیم خود واقف گردند. از علی در این باره نقل شده است که فرموده اند:

قلة العیال احد الیسارین؛<sup>(1)</sup>

کمی فرزندان، یکی از دو ثروت است و زیادی عیال یکی از دو فقر.

در این دو حدیث به نکته ای عقلی اشاره شده است: کسی که می خواهد خانواده خود را اداره کند، باید امکانات و توانایی های لازم را داشته باشد. اگر چنین امکاناتی نداشته باشد، همین محدود بودن فرزندان او در آسان شدن و راحتی او کمک می کند و مانند سرمایه ای است که به خوب اداره شدن او کمک می کند.

ص: 120

---

1- . نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره 142. همچنین این حدیث با سندی دیگر از امام صادق(ع) از پیامبر(ص) نقل شده است. ر. ک: بحارالانوار، ج 101، ص 71.

از این دو حدیث که جنبه ارشادی دارد، استفاده می شود در جایی که توان اداره خانواده ای بزرگ نیست، عقل معاش خود را باید به کار بست و از بچه زیاد کردن پرهیز کرد. بنابراین، نباید پنداشت که با وجود فقر مالی باز هم بچه زیاد داشتن مطلوب است.

همچنین نباید پنداشت که با وجود فقر مالی، اگر بر تعداد فرزندان افزوده شد، خدا روزی رسان است. خیر، خداوند متعال روزی را با اسباب و درایت خود آن اشخاص می رساند و سنتش بر این است که کارها را با اسباب آن انجام دهد.

اگر کسی گمان کند که تنها کثرت عائله موجب برخورداری از رزق و روزی می شود، بنابراین، باید تمام خانواده های پرفرزند، وضع زندگی بسیار خوبی داشته باشند؛ در حالی که چنین نیست و این خود دلیل بر این است که خداوند نخواسته، بدون تلاش و کوشش و تدبیر و عقل معاش، به کسی روزی بدهد و هر کس باید حسابگری و برنامه ریزی در معیشت داشته باشد. در روایتی دیگر که از پیامبر نقل شده، که آن حضرت فرموده است:

اعوذ باللّٰه من جُهد البلاء. قالوا ما جُهد البلاء یا رسول اللّٰه؟ قال: قلة المال وكثرة العیال؛(1)

پناه بر خدا از هجوم بلاها و سختی ها. پرسیدند منظور از هجوم بلاها چیست؟ آن حضرت در پاسخ فرمودند: کم داشتن مال یا زیاد داشتن عیال (فرزندان).

ص: 121

باز این حدیث، که جنبه ارشادی دارد، همین نکته حدیث پیشین را بازگو می کند، در جایی که شما کم بضاعت هستید، اگر زیادی بچه را انتخاب کردید، باید منتظر هجوم سختی ها باشید و نمی خواهد بگوید: شما با این هجوم بلاها و سختی ها بسراغ تکثیر نسل بروید و بسیار هم خوب است. این تکثیر نسل که در آن احادیث نقل شده، در جایی است که دیگر این مشکلات نباشد.

و در روایت دیگری از علی نقل شده است که فرمود:

الفقر هو الموتُ الاكبر، وقلة العيال أحد اليسارين. التقدير نصف العيش، ماعال امرؤا إقتصاد؛(1)

گرسنگی و ناچیزی مرگ بزرگی است. کمی خانواده یکی از دو ثروت و راحتی است. تنظیم و برنامه ریزی در زندگی، نیمی از عیش و راحتی است. هرگز مردی که میانه روی کند، سختی و فشار بر او وارد نمی شود.

با چنین تعابیر ساده ولی عمیق، تردیدی نمی توان کرد که تکثیر نسل همیشه مطلوب نیست. و شارع مقدس در همه جا و در همه موارد تشویق به فرزند زیاد داشتن نکرده است. سهل است که خطرات و آسیب پذیری خانواده های پرجمعیت را توجه داده است.

در حدیثی از امام رضا از پدرش امام صادق نقل می کند که به صیادی برخورد کردند و از او سؤال کردند چه چیزی بیشتر به دام تو

ص: 122

---

1- . بحارالانوار، ج 101، ص 71. این روایت از طریق عامه با عباراتی مشابه نقل شده است: به کتاب الاسلام و تنظیم الاسرة، ج 1، ص 130 مراجعه کنید.

می افتد؟ صیاد در پاسخ جواب داد: پزندگانی که جوجه دارند. (چون به خاطر سیر کردن جوجه های خود، به سراغ طعمه می آیند و لذا در دام می افتند.) حضرت از پیش او گذشت در حالی که تکرار می فرمودند:

هلك صاحب العيال، هلك صاحب العيال؛(1)

بیچاره، کسی که عیالوار است، بیچاره کسی که عیالوار است.

از این روایت، توجه به مشکلات و نابسامانی های کثرت عیال کاملاً استفاده می شود. زیرا آن هایی که با مشکلات مالی دست بگریبان هستند، آسیب پذیرترند و بیشتر آلوده می شوند و در دام می افتند و به انحراف کشیده می شوند. همانند حیوانی که به خاطر به دست آوردن آذوقه برای آن ها به دام صیاد می افتد. در صورتی که اگر پرفرزند نباشند، این آسیب پذیری و گرایش به انحراف، کمتر است.

بنابراین، آنچه از مجموع این روایات و روایات دیگری که از طریق شیعه و سنی نقل شده است(2) به دست می آید، که رعایت تناسب بین امکانات و توانایی خانواده با تعداد فرزندان لازم است. چنان که چنین حکمی درباره خانواده و جامعه نیز صادق است. بنابراین اگر دولت در شرایطی و به هر نحو نتوانست با برنامه ریزی، امکانات لازم را، مانند تأمین مواد اولیه، برق، آب، مسکن و آموزش فراهم سازد، افراد جامعه

ص: 123

---

1- . بحارالانوار، ج 101، ص 72. متن حدیث چنین است: «مرّ جعفر(ع) بصیّاد، فقال یا صیاد ایّ شیء اکثر ما یقع فی شبکتک؟ قال الطّیر الزّاق قال: فمرّ وهو یقول: هلك صاحب العيال، هلك صاحب العيال».

2- . قسمتی از این روایات در بخش اول در استدلال سوم، روایات ارشادی، صفحات 60 به بعد اشاره شد.

باید چنین تعادلی را رعایت کنند و متناسب با امکانات دارای فرزند شوند، و چنین نیست که ازدواج و داشتن بچه در هر شرایطی مطلوب باشد.

افزون بر اینکه، خداوند همان طوری که دستوراتی را صادر کرده است، برای فهم آن کلمات و چگونگی عمل به آن، عقل را نیز به انسان عطا کرده است تا آن دستورات را مناسب با احوال و شرایط فردی و اجتماعی خود به کار برد، و این گونه نیست که دین از انسان بخواهد هر تکلیفی را، گرچه مستحب باشد، به هر قیمتی و به هر زحمتی انجام دهد.

برای روشن شدن این موضوع، کافی است که وضع خانواده ای تنگ دست و کم درآمد، ترسیم شود که شغل و فعالیت پدر خانواده، تنها اقتضا می کند که چند تا بچه را اداره کند و هنوز خانه و مسکنی هم ندارد، در اینجا نمی توان گفت که برای چنین شخصی مستحب است که بر فرزندانش بیفزاید، چون تکثیر نسل در اسلام مطلوب است.

آیا می توان گفت: منظور از احادیث تکثیر نسل، چنین چیزی است و عقل و شرع افزودن تعداد عائله را در شرایط فوق تشویق می کند و آن را عمل به سنت پیامبر می داند!

شبهه دیگری که در همین جا باید پاسخ داده شود، این است که برخی تصور کرده اند: تکثیر نسل همیشه مطلوب است و باید بر جمعیت مسلمانان در هر شرایطی افزود.

بدون شك، در نظر اسلام چنین کثرتی همیشه مطلوب نیست و همواره کمیت ارزشمند نیست. کمیتی مطلوب است که با کیفیت همراه

باشد. چنان که در قرآن کریم تأکید شده است که اگر تعداد گروهی کم باشند، ولی کارآمدتر باشند، به اکثریتی که آن ارزش ها را ندارند رجحان دارند. خداوند متعال از زبان گروهی فرزانه، که با ایمانی راستین به درجات عالی رسیده اند، این واقعیت را بازگو می کند:

قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلْقُوا اللَّهَ لَا كَم مِّنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةٌ كَثِيرَةٌ بِإِذْنِ اللَّهِ (بقره: 249)؛

آنان که به ملاقات پروردگار باور دارند، می گویند: چه بسا گروهی اندک بر جمعیتی بسیار به اذن خداوند غلبه پیدا می کند.

پس چنین نیست که کثرت عددی همیشه ارزشمند باشد و اصل بر زیادی عدد باشد، گرچه مسلمانان گرسنه و فقیر و در عقب ماندگی بسر برند. پس در اینجا نیز، باید گفت که، این استحبابِ تکثیر فرزندان، همیشگی نیست و کمیت نمی تواند همواره مطلوب باشد. افزودن بچه ها در صورتی مطلوب است که برای خانواده و جامعه ممکن باشد. و آن چنان اصل مسلمی نیست که در مقام تراحم با امور دیگر، همچون مشکلات و نارسایی ها، باز هم تکثیر نسل اولویت داشته باشد.

از طرف دیگر، این سخنان به این مفهوم نیست، که مسلمانان با اندک سختی و ناراحتی از مسئولیت فرار کنند و حاضر نباشند، دست کم دو - سه فرزند داشته باشند، بلکه فقط در جایی که مشکلات اداره فرزندان زیاد است، یا شرایط کشور و امکانات آن ایجاب می کند، باید «تنظیم خانواده» کرد.

گروهی برای مخالفت با «تنظیم خانواده» به جایز بودن عزل (ریختن منی خارج از رحم زن)، به عنوان یکی از روش های پیشگیری از بارداری که در روایات اسلامی به آن اشاره شده است، چند نوع اشکال کرده اند.

1- برخی گفته اند، گرچه بعضی از این روایات، دلالت بر جواز «عزل» دارد، اما در برابر، روایات دیگری داریم که «عزل» را منع می کند و این منع، بیانگر حرمت آن است.

برخی دیگر گفته اند: اگر این روایات را حمل بر کراهت هم کنیم، اما مسئله عزل، یک نوع وسیله پیشگیری فردی و در محدوده اراده و اختیار خانواده است که در عهد پیامبر بکار گرفته می شده است، و لذا از این روش، نمی توان قانونی عمومی برای پیشگیری از بارداری استفاده کرد و از این روش به همه روش های موجود جلوگیری از بارداری تعمیم داد و جامعه را تشویق به استفاده از ابزارهای کنترل به وجود آورد، زیرا جایز بودن «عزل» از آن نوع مباحاتی نیست که جنبه عمومی و همگانی داشته باشد.

این گروه، برای توضیح و تبیین نظریه خود، به مباح بودن طلاق و عفو قاتل مثال زده و گفته اند:

طلاق دادن زن، گرچه برای زن جایز است و در مواردی می توان انجام داد، یا بنخشیدن قاتل برای ولی مقتول گرچه جایز است، اما از مباح هایی نیست که جنبه عمومی داشته باشد و بتوان در جامعه، طلاق را ترویج و تبلیغ کرد. همچنین حکومت نمی تواند برای برداشتن حکم

قصاص در کشور، جامعه را تشویق به بخشیدن قاتلین کند. زیرا در مثال اول فلسفه مبعوضیت طلاق، حفظ کیان خانواده و جلوگیری از متلاشی شدن جامعه به خاطر بی ثباتی خانواده هاست. همچنین در مثال دوم، حفظ امنیت اجتماعی و به کیفر رسیدن جنایتکاران فلسفه وضع قصاص است و بی توجهی به آن موجب ضایع شدن ارزش های اسلامی است.

مسئله پیشگیری از بارداری نیز، مانند این دو مثال است که مباح جزئی است، اما در کُل، حرام عمومی است و نباید برای ترویج و عمومیت بخشیدن به آن در هر صورت تلاش کرد و جامعه را به سوی «تنظیم خانواده» سوق داد، زیرا نتیجه چنین گرایشی، محدود شدن جمعیت مسلمانان و مخالفت با فلسفه ازدواج است. (1)

3- از سوی دیگر، برخی پیشگیری از بارداری را مانند «عزل» نوعی فرزندکشی پنهان می دانند و گفته اند همان طوری که خداوند درباره مشرکان جاهلیت فرموده است:

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ (انعام: 140)؛

آنان که فرزندان خود را جاهلانه و بدون علم می کشند، در

ص: 127

---

1- . این نظریه که عزل بر جنبه فردی تکیه دارد، در منابع فقهی و حقوقی علمای اهل سنت مطرح شده است. از کسانی که در عصر ما این استدلال را ذکر کرده اند، امام محمد ابوزهره در کتاب «تنظیم الاسرة وتنظیم النسل»، ص 99، و استاد محمد سعید رمضان البوطی در کتاب «مسئله تحديد النسل وقایة وعلاجها»، ص 25 است و مبنای آن تقسیم بندی احکام از بُعد فردی و اجتماعی در کلام امام شاطبی در کتاب الموافقات، ج 1، ص 28 می باشد. که برای توضیح بیشتر به کتاب های یاد شده مراجعه شود.



زیانکاری هستند.

و باز فرموده است:

وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ، بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ (تکویر: 9)؛

و از فرزندی که پدر و مادرش او را کشته اند، در روز قیامت سؤال می شود که چرا و به چه گناهی او را کشته اید.

همان ملاکی که درباره فرزندان پس از تولد وجود دارد و قرآن کشتن آنان را سرزنش می کند، شامل این گروه، به ویژه شامل کسانی می شود که مانع نطفه ای می گردند که در حال منعقد شدن است و جلوگیری می کنند. (1)

### پاسخ به روایات مذمت عزل:

اولاً: این روایات معارض با روایات جواز است، لذا عموم فقهای شیعه و سنی، قائل به مباح بودن «عزل» شده اند. فقط ابن حمزه (2)

از شیعه، و ابن حزم ظاهری، از اهل سنت، قائل به حرمت عزل شده اند. (3)

البته، ابن حمزه، عزل را در صورتی که زن راضی به آن نباشد، حرام می داند، اما دیگر فقهای شیعه، در صورتی که زن راضی نباشد، فقط مکروه می دانند.

ص: 128

- 
- 1- . مجلة الحج، عبدالعزيز بن باز، حول تحديد النسل، شماره 19، كانون 1964/1375، به نقل از كتاب «الاسلام و تنظيم الاسرة»، ج 1، ص 142. همچنین به كتاب «الاسلام و تنظيم الاسرة»، ج 2، ص 124 و تنظيم الاسرة و تنظيم النسل، ص 98 مراجعه شود.
  - 2- . سلسلة الينايع الفقهيه، ج 18، ص 309. البته ابن حمزه، در كتاب خود، هفت مورد را از حرمت استننا می کند.
  - 3- . المحلى، ج 10، ص 88.

دلیل مخالفت این گروه اندک، روایاتی است که هم از طریق شیعه و هم از طریق اهل سنت نقل شده است، ولی در برابر آن روایاتی است که عزل (ریختن منی خارج از رحم زن) را جایز می‌داند.

از این رو، علمای شریعت، بین این دو دسته از روایات، در مقام جمع برآمده‌اند و چون روایات جواز عزل را قوی‌تر دانسته‌اند، ترجیح داده و روایات مقابل را حمل بر کراهت کرده‌اند. به نمونه‌هایی از این روایات اشاره می‌کنیم:

1- شیخ طوسی به اسنادش در صحیح محمد بن مسلم از یکی از امام باقر یا صادق علیهما السلام نقل می‌کند:

إِنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْعِزْلِ فَقَالَ: أَمَّا الْأَمَةُ فَلَا بَأْسَ بِهَا مَا الْحُرَّةُ فَإِنِّي أَكْرَهُ، إِلَّا أَنْ يَشْتَرطَ عَلَيْهَا حِينَ يَتَزَوَّجُهَا؛ (1)

یعنی سؤال از عزل کردم، حضرت فرمود: اگر کنیز باشد اشکالی ندارد، اما اگر زن آزاد باشد، من کراهت دارم، مگر این که در هنگام ازدواج شرط کند.

2- در حدیثی دیگر از همین محمد بن مسلم از امام صادق نقل کرده است:

إِلَّا أَنْ تَرْضَى أَوْ يَشْتَرطَ ذَلِكَ عَلَيْهَا حِينَ يَتَزَوَّجُهَا؛ (2)

ص: 129

---

1- . وسائل الشیعه، ج 14، باب 76 از مقدمات نکاح، حدیث 1/106.

2- . همان، حدیث 2.

عزل کراهت دارد، مگر این که زن رضایت داشته باشد، یا در هنگام عقد آن را شرط کند.

3- مسلم و ابن ماجه و امام احمد، از جذامة بنت وهب، در ضمن حدیثی طولانی، نقل می کنند:

ثم سأله عن العزل، فقال رسول الله ذلك الواد الخفي؛(1)

پس، از عزل پرسیدند، پیامبر خدا فرمود: این عزل، نوعی از کشتن بیچه در شکل کوچک آن است.

اما درباره دو حدیث نخست، گرچه لفظ کراهت عزل در روایات شامل حرمت هم می شود، اما با توجه به روایات دیگری که در بخش اول کتاب اشاره کردیم، که ائمه فرمودند: مسئله «عزل» مربوط به شوهر است، می تواند پیشگیری کند و می تواند نکند.(2)

فقهای عظام این روایات عزل را حمل بر کراهت کرده اند: البته اگر زن راضی به پیشگیری از بارداری به این شکل باشد، یا از آغاز ازدواج در هنگام عقد، مرد شرط کند که می خواهد عزل کند، در آن صورت دیگر کراهت هم نخواهد داشت.

اما درباره حدیث سوم، که از طریق اهل سنت نقل شده است؛ آنان برای جمع بین این حدیث و احادیث دیگر، پاسخ های گوناگونی داده اند، مانند ضعیف شمردن سند خبر «جذامة» و حمل کردن بر کراهت عزل، یا نسخ شدن حرمت. اما بهترین پاسخ همان است که

ص: 130

---

1- . مسألة تحديد النسل، ص 27.

2- . وسائل الشیعه، ج 14، باب 75 از مقدمات نکاح، ص 105.

بگوییم این خبر دلالت بر حرمت عزل ندارد و بیشتر در مقام برحذر داشتن از انجام عزل و کراهت آن است. (1)

بنابراین، حرمت عزل، نظریه قابل توجهی نیست که بشود بر آن تکیه کرد.

ثانیاً: بر فرض، کسی عزل را - که نوعی از پیشگیری از بارداری است - جایز نداند، نمی تواند با آن، حرمت روش های دیگر جلوگیری از بارداری را ثابت کند، زیرا همان طوری که در روایات، کراهت نداشتن را منوط به رضایت زن کرده است، ممکن است این مذمت مربوط به خصوصیات باشد که در «عزل» وجود دارد و ارتباطی به روش های دیگر نداشته باشد. چنان که علمای شیعه - که قائل به کراهت عزل شده اند - در صورتی آن را مکروه دانسته اند، که زن راضی نباشد و یا در هنگام عقد شرط نشده باشد و به گونه ای برای زن در «عزل» سختی باشد.

ثالثاً: این اشکال که «عزل»، حکمی فردی و نوعی آزادی برای خانواده است و نباید آن را به دلیل مخالفت با فلسفه ازدواج، تبدیل به حکمی عمومی و اجتماعی کرد، منطقی و قابل قبول نیست. برای توضیح این مسئله به نکات زیر اشاره می شود:

1- همان طوری که در آغاز کتاب اشاره کردیم، کسانی که «تنظیم خانواده» را از نظر اسلامی جایز می دانند، به سه گروه تقسیم می شوند، و نظریه معتدلی که اکثر معتقدین تنظیم خانواده، بر آن اتفاق دارند، این

ص: 131

---

1- . برای مراجعه به نظریات اهل سنت و جمع بندی آن به کتاب «مسألة تحديد النسل وقایة وعلاجها»، به صفحات 29 تا 32، مراجعه کنید.

است که پیشگیری از بارداری را فقط مربوط به خانواده و تنظیم آن را از اختیارات آنان می دانند، و لذا معتقدند: اجبار به «تنظیم خانواده» صحیح نیست و هیچ مؤسسه و سازمانی نباید اجبار کند و یا با قوانین جزائی و کیفری افراد را وادار به پیشگیری از بارداری کند. حتی آنهایی که سخت مدافع «تنظیم خانواده» هستند، توصیه می کنند، پیشگیری از بارداری را نباید اجباری کرد و انگیزه ها و علائق افراد را می توان در چهارچوب خواسته های دولتی قرار داد، وگرنه عکس العمل های منفی در بر خواهد داشت، و حتی گاه نتیجه معکوس خواهد داشت. (1)

البته این سخن به این معنا نیست، که نباید دولت ها برای تنظیم خانواده، هیچگونه دخالتی بکنند و تبلیغ و ترویج کنترل جمعیت ممنوع است. زیرا منافاتی ندارد که «تنظیم خانواده» از اختیارات زن و شوهر باشد، ولی مؤسسات دولتی، بر اساس مصالح فردی و اجتماعی، جامعه را از پیامدهای کثرت عائله و زایمان های پی در پی و بدون فاصله و افزایش جمعیت در کشور آگاه سازند، تا خانواده ها با آگاهی و درك مشکلات و آینده نگری در این باره تصمیم بگیرند.

از این رو، با توجه به آنچه در فصل نخست کتاب گفتیم، و ضرورت تنظیم خانواده را در شرایط کنونی بازگو کردیم و گفتیم آگاهی به مشکلات کثرت فرزند، هر عاقلی را به تنظیم وادار می کند، روشن می گردد که مسئله دعوت به تنظیم خانواده در شرایط اجتماعی دنیا نمی تواند جنبه فردی داشته باشد و کنش و واکنش های جامعه انسانی دقیقاً افراد را تحت تأثیر قرار می دهد. همان طوری که تحولات

ص: 132

اجتماعی و مشکلات اجتماعی و اقتصادی دنیا و کشور، بر هر خانواده و فرد اثر می‌گذارد.

بدین جهت، مسئله انتخاب تنظیم خانواده بر عهده هر خانواده است. اما هیچ خانواده‌ای، نمی‌تواند شرایط بیرونی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی را نبیند و مشکلات کمبود فضای آموزشی، مواد غذایی، مسکن و دیگر مسائل را محاسبه نکند و به سراغ افزودن بر تعداد فرزندان خود برود؛ وگرنه چنین خانواده‌ای تدبیر در معاش ندارد و از عقل و اندیشه زندگی برخوردار نیست و حسن تدبیر در اداره زندگی را ندارد.

2- اما کسانی که مسئله دعوت به کنترل را تشبیه به طلاق و بخشیدن قاتل کرده‌اند، قیاس مع الفارق کرده‌اند و نابجا، طلاق و عفو از قصاص را به عزل تشبیه کرده‌اند. برای توضیح مطلب به نکاتی چند اشاره می‌گردد.

1/2 - مباح بودن طلاق و اختیار داشتن فرد برای عفو قاتل، گرچه اموری فردی هستند که شخص در شرایطی ویژه آن‌ها را انجام می‌دهد و چه بسا از نظر دیگران مخفی است، و کسی نمی‌تواند به همه آنچه آنان تصمیم می‌گیرد مطلع باشد.

از طرف دیگر، زشتی طلاق قابل مقایسه با پیشگیری از بارداری نیست و هرگز نمی‌توان «ابغض الحلال»، را مانند «عزل» دانست (1).

که مباحی است که شارع اسلام خواسته است غریزه زن هم تأمین شود و با «عزل»، این غریزه به خوبی تأمین نمی‌شود و لذا منوط به رضایت زن

ص: 133

---

1- . برای توضیح بیشتر به کتاب وسائل الشیعه، ج 15، ص 266 کتاب الطلاق مراجعه کنید.

همچنین عزل، قابل مقایسه با قصاص نیست که حیات اجتماعی بر اساس آن پایه گذاری شده است،<sup>(1)</sup> و ولی مقتول این حق را دارد در جایی که به مصلحت اوست، ببخشد؛ و الاً قصاص کند.

2/2 - و بر فرض که پذیرفتیم، که طلاق و قصاص و عزل در این جهت که حکم فردی است، همانند یکدیگرند، اما در مسئله عفو از قصاص در جایی که دولت مسلمین می بیند، کشتن فردی موجب آشوب و درگیری می شود، آیا نمی تواند از ولی مقتول بخواهد به خاطر مصالح مسلمین از قصاص بگذرد و همین طور دولت برای مصالح عمومی جامعه به مردم تفهیم کند که آنان خود در مواردی که مصلحتی در بخشش تشخیص دادند، آن را انجام دهند.

و نیز در باب طلاق، در آنجا که مرد حاضر به پرداخت نفقه نیست، یا آنچه وظایف شوهرداری است انجام نمی دهد، به گونه ای که حاکم اسلامی تشخیص می دهد که زندگی زن و مرد به مصلحت نیست و با تذکرات مکرر هم اثر نبخشیده است، آیا نمی تواند مرد را وادار به طلاق کند و از درگیری بیشتر جلوگیری کند؟

بنابراین، مواردی در قصاص و طلاق وجود دارد که می توان به خاطر مصلحت، تشویق به بخشش از قاتل، یا تشویق به طلاق را کرد،

ص: 134

---

1- . خداوند درباره قصاص می فرماید: «ولکم فی القصاص حیاة یا اولی الالباب»، (بقره: 180) و برای شما در قصاص، زندگی شایسته است ای صاحبان خرد. یعنی امنیت، آرامش تعادل اجتماعی بر این اصل استوار است که مردم آگاه باشند که اگر مرتکب قتل عمدی شوند، مصون از کیفر نخواهند بود. تعبیر بسیار زیبا از فلسفه قصاص. برای توضیح بیشتر به تفسیر پرتوی از قرآن، ج 2، ص 56 مراجعه شود.

گرچه مقایسه این دو با مسئله تشویق به تنظیم خانواده، همان طور که اشاره شد، درست نیست.

پس در پاسخ به این شبهه جایز نبودن، پیشگیری از بارداری، نیز تأکید می شود، منظور از «تنظیم خانواده»، هرگز به معنای پیشگیری از فرزنددار شدن در همه جا و به طور کلی نیست، تا مابینت با قدرتمندی و شوکت مسلمین در جهان داشته باشد؛ بلکه منظور نظم و ترتیب و برنامه ای برای فرزند داشتن در سطح خانواده و جامعه است، که اولاً فاصله ای منطقی و مناسب بین آنان باشد، و ثانیاً: هر کس آن اندازه فرزند داشته باشد که هم خود و هم جامعه توان حل مشکلات آن ها را داشته باشد. و چنین چیزی را هم عقل تأیید می کند و هم شرع. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعْفًا خَافُوا عَلَيْهِنَّ (نساء: 9)؛

و باید بترسند کسانی که پس از خویش فرزندان ناتوان بر جای می گذارند که از سرنوشت آنان بیمناکند.

این آیه شریفه، نیز بیانگر اصل آینده نگری نسبت به فرزندان است که افراد مبدا آنچنان زندگی کنند، که پس از مرگ خود فرزندان فقیر و ناتوان بر جای گذارند و یادآور می شود آن هنگام که می بایست برنامه ریزی کنند، اقتصاد در معیشت داشته باشند، کاری انجام ندهند که موجب ترس آنان گردد، که اگر رعایت نکردند، در آن صورت باید از سرنوشت فرزندان آنان از جنبه های مادی و معنوی بیمناک بود.

بنابراین، این آیه، شامل تمام مواردی است که نگران زاست، و از آن



جمله، کثرت عائله است. زیرا در این آیه، خداوند نسبت به رفتار والدین هشدار می دهد که مبادا به گونه ای باشند که تأثیر طبیعی یا قهری بر آینده فرزندانشان بگذارند، و موجب ناتوانی و تنگدستی آنان گردند.

رابعا: این که برخی از باب احتیاط گفته اند: «عزل»، نوعی فرزندکشی پنهان «الواد خفی» است و شبیه روش مشرکان جاهلیت است. از این رو، نباید پیشگیری از بارداری کرد. در پاسخ به آنان می گوئیم که مقایسه این دو، درست نیست، زیرا:

1- آنچه اسلام از آن جلوگیری می کند، انسان کشی است. و تا آن هنگام که نطفه، انسان نشده، انسان گفته نمی شود، زیرا حکم انسان و حتی ملاک انسان بودن را ندارد. منی که در بیرون رحم زن در هنگام نزدیکی، ریخته می شود، آبی است که زمینه انسان شدن را دارد، ولی تا انسان شدن، فاصله زیادی دارد.

2- اتفاقا، این شبهه در عصر پیامبر نیز مطرح بوده، و بنابر دو روایت که از پیامبر و امیر مؤمنان علی نقل شده، به این شبهه پاسخ داده اند. در حدیثی پیامبر فرموده اند: این گمان باطلی است که یهود داشته اند که «عزل»، فرزندکشی کوچک «مؤودة صغری»، است. [\(1\)](#)

همچنین نقل شده است که علی در جلسه ای حاضر بودند که گروهی از اصحاب نشسته بودند و درباره عزل صحبت می کردند.

عده ای آن را جایز می شمردند و عده ای می گفتند: این همان

ص: 136

---

1- . مجموع النووی، ج 1، ص 60، و فتح الباری، ج 9، ص 245، به نقل از کتاب «مسألة تحديد النسل». همچنین سنن ترمذی، ج 5، ص 74، سنن بیهقی و سنن کبری، ج 7، ص 270.

فرزندکشی کوچک است آن گاه حضرتش فرمودند:

آن ها لا تكون مؤودة حتى تمرّ على التارات السبع في الایة، ولقد خلقنا الانسان من سلاله من طین؛ (1)

نمی تواند عزل، فرزندکشی باشد مگر آن که مراحل هفتگانه دوران بارداری که در قرآن به آن اشاره شده را طی کند.

این اخبار برای کسانی که این شبهه را طرح کرده اند کاملاً پاسخ می دهد، که نباید پیشگیری از بارداری از طریق «عزل» را با بچه کشتن در دوران جاهلیت مقایسه کرد.

بگذریم از این که به فرض این شبهه درباره «عزل» صادق باشد، درباره روش های دیگر پیشگیری از بارداری مانند بستن رحم یا جلوگیری از انعقاد نطفه، ادا صادق نیست.

### 3. تنظیم خانواده و رازقیت خدا

#### اشاره

یکی دیگر از اشکالاتی که به تنظیم خانواده شده، این است که گفته اند: دعوت به پیشگیری از بارداری با قضا و قدر الهی و سرنوشتی که خداوند برای انسان ها قرار داده است، منافات دارد. خداوند چنین تنظیم کرده، که مردم ازدواج کنند و در نتیجه زاد و ولد بشود. اما ما با کنترل جمعیت در کار خدا دخالت کرده ایم، و تنظیمی را که خدا برای توسعه جهان و آفریدن موجودات فراهم کرده است، بهم زده ایم.

ص: 137

---

1- . سفینه البحار، ج 2، ص 632؛ الاسلام وتنظیم الاسرة، ج 2، ص 182، به نقل از کتاب مشکل الآثار، ج 2، ص 373 و شرح زرقانی بر موطا، ج 3، ص 80.

همچنین اشکال کرده اند که اعتقاد به تنظیم خانواده، نشانه تردید در رازقیت خداوند و روزی رسانی اوست. زیرا کسی که می گوید کنترل جمعیت کنید، در واقع نگران از روزی آن هاست. نگران از تأمین آینده و تدارك معیشت و مسکن آن هاست. در صورتی که خداوند فرموده است:

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا (هود: 6)؛

یعنی هیچ جنبنده ای در زمین نیست، مگر این که بر خداست که روزی او را بدهد.

و در جای دیگر فرموده است:

وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ (ذاریات: 22)؛

در آسمان روزی شما را قرار داده ایم و آنچه را که وعده داده ایم.

و باز می فرماید:

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ لَهُ (عنكبوت: 62)؛

خداوند است که روزی هر کس از بندگانش را بخواهد؛ بسط می دهد، و تنظیم می کند.

و نیز می فرماید:

إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا

ص: 138

به درستی که پروردگار تو، روزی هر کس را که بخواهد بسط می دهد و تنظیم می کند؛ و او به کارهای بندگانش خبیر و بصیر است.

و همچنین آیات دیگری که دلالت بر رازقیت خداوند دارد، و ما را دعوت به ایمان به رازقیت و توکل بر خداوند نسبت به آینده می کند، و توجه می دهد که نباید نگران معیشت آینده خود و دیگران باشیم.

افزون بر این که خداوند، کسانی را که در جاهلیت به خاطر نگرانی از آینده فرزندانشان، آنان را می کشتند، یا دختران خود را زنده به گور می کردند، مذمت می کند و می فرماید:

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ (انعام: 140)؛

بی گمان زیان کردند کسانی که فرزندانشان را جاهلانه و از روی نادانی کشتند.

و در آیه دیگر در همین باره دستور می دهد:

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ (اسراء: 31)؛

فرزندانتان را به خاطر نگرانی از فقر و گرسنگی نکشید.

گفته اند، همه این آیات، شامل پیشگیری از بارداری می شود و به گونه ای خطاب به کسانی است که به خاطر نگرانی از افزایش جمعیت و نابسامانی اقتصادی و تناسب نداشتن توسعه با رشد جمعیت دستور به تنظیم خانواده می دهند. در صورتی که خداوند رزق مردم را

تضمین کرده و نگرانی از گرسنگی را بیهوده دانسته است.

## پاسخ به شبهه رازقیت

آنچه ذکر شد، در واقع دو اشکال از ناحیه مخالفان تنظیم خانواده بود، یکی منافات داشتن تنظیم خانواده با مسئله قضا و قدر و یکی مسئله تنافی رازقیت خدا با تنظیم خانواده.

در اینجا مناسب است اشکال مشترك بسیاری از مخالفان کنترل را(1)

به دو بخش قضا و قدر، و رازقیت خدا تفکیک کرده و سپس به یکایک آن جداگانه پاسخ دهیم.

## یکم: پاسخ به تنافی تنظیم نسل با قضا و قدر:

یکی از مشکلات جامعه مسلمانان، برداشت غلط از مفاهیم دینی و چندگانه برداشت شدن آن هاست، که هر کس طبق ذوق و سلیقه خود از آن استفاده می کند و موجب سوءاستفاده دشمنان دین و معنویت می گردد.

در میان افکار و اعتقادات اسلامی، یکی از مفاهیم دینی که از آن بسیار سوءاستفاده شده است، همین مسئله قضا و قدر و اعتقاد به سرنوشت است، تا جایی که برخی گفته اند:(2)

اعتقاد به سرنوشت از

ص: 140

- 
- 1- . برای تفصیل بیشتر این اشکال به کتاب های زیر مراجعه شود: \* الاسلام وتنظیم الاسرة، ج 2، ص 124. \* حول تحديد النسل، عبدالعزیز بن باز و نیز کتاب الاسلام وتنظیم الاسرة، ج 1، ص 142. \* تنظیم الاسرة وتنظیم النسل، ص 95.
  - 2- . انسان و سرنوشت، مرتضی مرتضی، صفحه بیست و چهار مقدمه بنقل از واشنگتن ارونگ نویسنده آمریکایی.

عقایدی است که معتقدین خود را به سستی و تبلی و انحطاط می کشاند، چون دعوت به هر نوع تلاش و کوشش و برنامه ریزی و تدبیر و آینده نگری و ارزیابی امکانات، مخالف قضا و قدر و مخالف آن چیزی است که خدا از پیش برای ما تنظیم و ترتیب داده است.

از این رو، متفکران اسلامی، برای ارائه صحیح مفاهیم دینی و بازسازی فرهنگ دینی به تبیین این مفاهیم پرداخته اند و توضیح داده اند که این مفاهیم اگر درست ارائه شود، نه تنها زمینه گرایش به مادیگرایی را به وجود نخواهد آورد و موجب انحطاط مسلمانان نخواهد شد، بلکه اعتقاد به این مفاهیم زمینه تحمل مشکلات و در نتیجه تلاش و کوشش آنان را فراهم خواهد ساخت. از این رو، اعتقاد به جبری گری و مجبور بودن انسان را خلاف عقیده اسلامی دانسته اند، زیرا انسان اگر چنین تصور کند، که جریان کارهای جهان طبق يك برنامه و طرح قبلی غیرقابل تخلف صورت می گیرد و قدرتی نامرئی ولی بی نهایت مقتدر به نام سرنوشت و قضا و قدر، بر جمیع وقایع عالم حکمرانی می کند و آنچه در زمان حاضر در حال صورت گرفتن است، و یا در آینده صورت خواهد گرفت، در گذشته معین و قطعی است و انسان مجبور به دنیا می آید و از دنیا می رود و هیچ قدرت اراده و تصمیم گرفتن ندارد و باید تسلیم باشد و رضایت به سرنوشت بدهد. همان نتیجه را می دهد که دشمنان اسلام به تعالیم اسلامی نسبت داده اند. اما ما معتقد هستیم، گرچه سرنوشت در نهایت اقتدار بر سراسر وقایع جهان حکمرانی می کند و نفوذش بر سراسر هستی بدون استثناء گسترده است، در عین حال کوچک ترین لطمه ای به آزادی بشر نمی زند و

حُریت انسان با این اعتقاد لگدکوب نمی شود و قضا و قدر، انسان را به بی برنامه‌گی و از هم گسیختگی دعوت نمی کند، و تدبیر و آینده نگری، منافاتی با سرنوشت ندارد و همه آیاتی که دلالت بر قضا و قدر و مشیت حتمی و تغییرناپذیر دارد، بیانگر آن است که مقدرات جهان در دست خدا است و خدا نخواستہ است تکلیف انسان و اختیار و اراده و عقل او را مقهور سرنوشت کند و آزادی او را نفی کند. زیرا اعمال و رفتار بشر سرنوشت حتمی و تخلف ناپذیر نیست و بستگی به عواملی گوناگون و از آن جمله اراده و اختیار خود وی دارد. خداوند متعال در این باره می فرماید:

وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (نجم: 39)؛

برای انسان نیست، جز آنچه که تلاش و کوشش دارد.

و نیز رفتار و کردار او را در محدوده توان او می داند و می فرماید:

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (بقره: 286)؛

خدا به انسان تکلیفی نمی کند، مگر در محدوده توان وی.

پس سرنوشت انسان مربوط به رفتار و کردار وی دارد و رفتار او مربوط به انتخاب و اختیار و چگونگی تصمیم او دارد و از او چیزی جز در محدوده قدرت او خواسته نمی شود.

به همین دلیل، انسان قادر است عملی را که صددرصد با غریزه طبیعی و حیوانی او موافق است، به حکم تشخیص مصلحت ترك کند و یا آن را انجام دهد. برخلاف میل و خواست خود عمل کند، یا

برخلاف میل خود ترك کند. به همین دلیل، خداوند پاداش و کیفر را بر اساس عمل انسان قرار داده است، و چنین نیست که انسان بتواند بر اساس قطعیت سرنوشت از کیفر اعمال خود بگریزد.

بنابراین، «تنظیم خانواده»، که از اعمال ارادی انسان محسوب می شود، منافاتی با قضا و قدر ندارد، زیرا تمام علل و اسباب، مظاهر قضا و قدر الهی هستند و درباره هر حادثه ای، هر اندازه علل و اسباب مختلف و جریان های مختلف متصور شود، قضا و قدرهای گوناگون متصور است. آن جریانی که تنظیم خانواده را صورت می دهد، به قضا و قدر الهی است و آن جریانی که ترك می کند نیز به قضا و قدر الهی است. علم خداوند به حوادث آینده مستقل از نظام سبب و مسببی جهان نیست؛ بلکه علم ازلی خداوند، علم به واقع شدن این اسباب از علت های خاص آن هاست و یکی از این علت ها، اراده و اختیار است که خداوند نیز آگاه است که این کارها چنین آثاری دارد.

بنابراین، ما با کنترل جمعیت، در کار خدا دخالت نکرده ایم، بلکه طبق عقلی که خداوند برای ما آفریده است و محاسبه و آینده نگری، برنامه ریزی می کنیم و تعداد فرزندان خود را مناسب با امکانات خویش انتخاب می نماییم.

### **دوم: پاسخ به تنافی تنظیم خانواده با رازقیت خداوند:**

این شبهه، که ما با کنترل جمعیت به رازقیت خداوند تردید کرده ایم و این خداست که روزی انسان ها را می دهد و نباید نگران آینده فرزندان و جامعه خود باشیم، کاملاً بی اساس است و ناشی از کج فهمی از «رازقیت خداوند» است؛ چنان که درباره «توکل به خداوند» نیز این



اشتباه واقع شده و برخی گمان کرده اند، که اگر انسان آینده نگر باشد و مقدمات کارها را از پیش تعیین و برنامه ریزی کند، خلاف توکل است و برخلاف رازقیت خداوند. در صورتی که همین قرآنی که تأکید بر روزی دهندگی خداوند دارد، به ما دستور می دهد که تلاش و کوشش کنیم و به دنبال روزی برویم و از تنبلی و سستی پرهیز کنیم و در خرج کردن، میانه روی داشته باشیم و از افراط و تفریط در انفاق کردن پرهیزیم و کاری نکنیم که محتاج دیگران باشیم. زیرا داشتن برنامه و عقل معاش و آینده نگری و حساب و کتاب و پیش بینی مشکلات و نظام اسباب با رازقیت خداوند منافاتی ندارد و خداوند نخواستہ است نظام اسباب را از بین ببرد. بنا بر روایتی، امام صادق می فرماید:

أَبَى اللَّهُ أَنْ يَجْرِيَ الْأَشْيَاءُ إِلَّا بِسَبَابٍ. فَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا، وَجَعَلَ لِكُلِّ سَبَبٍ شَرْحًا وَجَعَلَ لِكُلِّ شَرْحٍ عِلْمًا (الحديث)؛(1)

خداوند رحمان، ابا دارد از این که جریان امور و کارها را جز با اسباب و علل آن ها قرار دهد. از این رو، برای هر چیزی علتی قرار داده است و برای هر علتی، وسیله ای و ابزاری، و برای هر وسیله ای، دانشی برای رسیدن آن تعیین کرده است.

این روایت به روشنی بیانگر آن است، که نمی توان جز با سعی و کوشش، طلب روزی کرد و سنت خداوند بر این است، که از نظام علت و معلول تخلف نکند. بنابراین، صحیح نیست که کسی هر جور

ص: 144

دلش می خواهد کار کند و هر طور می خواهد خرج کند و بگوید خدا روزی رسان است، و خدا هم به او بدهد. خداوند می فرماید:

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا (اسراء: 29)؛

با خست، دست خود را به گردنت آویزان مکن که به مردم چیزی نرسد و با سخاوت، دست خود را چنان باز مکن که در دستت چیزی نماند که آنگاه غمگین و وامانده بمانی.

این آیه شریفه، نظام اسباب را بیان می کند، که انسان باید میانه روی در زندگی داشته باشد؛ نه آنچنان بخل بورزد که هیچکس از وی خیری نبیند و نه آنچنان که هر چه دارد بدهد که خود محتاج دیگران شود.

در بحث تنظیم خانواده، نیز چنین است و خداوند نخواست است بگوید هر کس هر چند فرزند داشته باشد، خداوند روزی او را می دهد، بدون آن که امکانات و شرایط خانوادگی و اجتماعی خود را بسنجد و محاسبه کند و اگر چنین باشد که خداوند بدون محاسبه روزی بدهد، باید آنهایی که عیالمند هستند، دیگر هیچ مشکلی نداشته باشند. زیرا خداوند روزی آن ها را تضمین کرده است. در صورتی که هم آن ها مشکل دارند و هم برخی از کسانی که فرزندان کمی دارند، و دلایلش هم عوامل دیگری است که باید آن ها را برطرف کرد.

بنابراین، پیشگیری از بارداری به خاطر مصالح اقتصادی، منافاتی با رازقیت خداوند ندارد و نگرانی از فقر و فرار از مشکلات و پیش بینی مشکلات، با توکل به خداوند ناسازگار نیست. همان طوری که ما در

کارهای دیگر چنین محاسبه و برنامه ای را داریم. آیا اگر شخصی که حقوق ماهیانه معینی دارد. اگر به گونه ای خرج کند که تا آخر ماه بتواند کفاف او را بدهد و محتاج دیگران نشود، آیا منافاتی با رازقیت خداوند دارد، آیا کار خلافی انجام داده است؟ آیا اگر کسی بداند که کثرت فرزند با وضعیتی که دارد او را دچار مشکل می کند، لذا به تنظیم خانواده پردازد، منافاتی با روزی دهندگی خدا دارد، عقل به روشنی می گوید که از لوازم عاقبت اندیشی آن است که مشکلات را ببیند و برای آن چاره اندیشی کند. علی ، در این باره می فرماید:

أَعْقُلُ النَّاسِ، أَنْظَرُهُمْ فِي الْعَوَاقِبِ؛(1)

خردمندترین مردم کسی است که فرجام کارها را در نظر بگیرد.

آری کسی که فرجام کارها و نتایج تصمیمات خود را محاسبه می کند و می بیند که با زیادی فرزند نمی تواند زندگی خود را اداره کند و جامعه را دچار مشکل می سازد، باید کنترل کند.

علی در حدیث دیگری می فرماید:

الفکر فی الامر قبل مُلابسته يؤمنُ الزَّلَلُ؛(2)

اندیشیدن در کارها پیش از وارد شدن در آن ها، انسان را از خطاها و مشکلات باز می دارد.

از این رو، عاقبت اندیشی و ارزیابی و محاسبه کارها و فرجام مشکلات برای کسی که می خواهد خانواده ای تشکیل دهد و فرزندان

ص: 146

---

1- . غررالحکم، ج 2، ص 484.

2- . غررالحکم، ج 2، ص 69.

داشته باشد، او را وادار می کند، که متناسب با شرایط و مشکلات، تعداد فرزندان و فاصله بین آن ها را انتخاب کند.

بنابراین، دین اسلام و مفاهیم اعتقادی و اخلاقی آن، هرگز انسان را بی اختیار و مجبور تصویر نکرده است، تا در برهوتی تغییرناپذیر قرار دهد. تعیین سرنوشت (قضا و قدر) و تعیین رزق و روزی برای انسان در جهان بینی اسلامی، خبر از نظم و برنامه ای می دهد، که از انسان خواسته است تا با علل و عوامل اختیاری آن را تعیین کند.

#### 4. شبهه استعماری بودن نظریه تنظیم خانواده

##### اشاره

یکی دیگر از اشکالاتی که به پیشگیری از بارداری وارد کرده اند، استعماری بودن آن است.

مخالفین پیشگیری، می گویند: دعوت به کنترل، از کشورهای غربی آمده است و آنان بوده اند که از آغاز این مسئله را تبلیغ می کرده اند. از مالتوس کشیش مسیحی گرفته تا هم اکنون، که غربیان، کشورهای اسلامی را تشویق به کنترل جمعیت می کنند و هدف آن ها این است که با رشد جمعیتی که در کشورهای اسلامی به وجود آمده، و تفوقی که مسلمانان بر کشورهای غربی از نظر افزایش جمعیت و نیروی انسانی و توانایی های بالقوه پیدا کرده اند، آن را، مهار کنند. به همین دلیل، کتاب هایی در زمینه نگرانی از افزایش جمعیت مسلمانان منتشر کرده اند. مثلاً: پاول شمتز، کتابی نوشته است تحت عنوان: «اسلام قدرت آینده جهان.» وی در آنجا نگرانی خود را از افزایش جمعیت مسلمانان مخفی

مجله تایم آمریکایی در این باره چنین نوشته است:

ادعای آمریکا نسبت به مشکل جمعیت و آنچه از تلاشها و نصایح در این باره انجام می دهد، در واقع به علت آگاهی از نگرانی های سیاسی از مسائل است که در دگرگونی جغرافیایی جمعیت قاره های آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین و افزایش جمعیت این مناطق حاصل شده است. این نگرانی به خاطر غلبه احتمالی آنان بر جهان حاصل شده است. (2)

و نیز در این باره از قول «آرتور کورماک» نقل شده که گفته است:

مردم مشرق زمین، زمانی طولانی سپری نخواهد شد که این حقیقت تأسف آور را در خواهند یافت، و از غریبان نخواهند گذشت که تشویق به کنترل جمعیت می کنند. زیرا این دعوت در واقع نوعی از استعمار جدید است که هدف از آن کنترل و مهار کردن کشورهای عقب افتاده و بویژه مردم سیاه پوست است تا آنان را در ذلت و خواری نگهدارند و بتوانند بر آن ها سیادت کنند. (3)

شبهه استعماری بودن دعوت به کنترل جمعیت، یکی از قوی ترین اشکالات در این باب است؛ تا آنجا که بسیاری از محققان و دانشمندان اسلامی که به این مسئله پرداخته اند، متعرض این اشکال شده اند، از آن جمله، محمد اقبال، شاعر آزاده و بیدارگر و منادی بازگشت به اسلام

ص: 148

1- . الاسلام قوة الغد العالمية، لباول شمتر، تعریب الدكتور محمد شامه.

2- . مجله تایم مورخه 11 ینابر 1961، به نقل از: مسألة تحديد النسل وقاية وعلاج، ص 54.

3- . همان، به نقل از: استعراض علمی لحركة تحديد النسل، ص 174.

در این باره گفته است:

تمام آنچه این روزها ما شاهد آن هستیم و در کشورهای اسلامی به وقوع می پیوندد، چیزی نیست جز نقشه های شوم دولت های اروپایی که با تهاجم و به صورت سیل آسا به این مسئله پرداخته اند و با فرستادن کتاب ها و جزوات تبلیغی قصد آن دارند که ما را به جلوگیری از بارداری متقاعد سازند و وادار به قبول آن کنند، در صورتی که خود با تمام توان کوشش می کنند که زاد و ولد را افزایش دهند، و جمعیت کشورهای خود را افزون سازند. (1)

با توجه به آنچه نقل شد، و همچنین زمینه مخالفت دینی، به ویژه آن ادله ای که تکثیر نسل را تشویق می کرد، روشن می شود که این اشکال نقش عمده ای در مخالفت با تنظیم خانواده و مانع گرایش به سمت آن را داشته است، به ویژه که ملت های اسلامی جزء کشورهای عقب افتاده و استعمار شده به حساب می آیند و مسلمانان که سال های سال طعم حاکمیت استعماری را چشیده اند و تعدیات کشورهای غربی را از یاد نبرده اند و خاطره خوشی از رفتار و آموخته های آن ها ندارند و اگر هم نسبت به دانش و تکنیک آن ها به اعجاب بنگرند، نسبت به این نوع تبلیغات با سوءظن برخورد می کنند. به ویژه این که تحدید نسل با فرهنگ و آموخته های ملی مردم مسلمان هم مابینت دارد.

افزون بر آنچه گفته شد، مسئله تنظیم خانواده در ایران دو ویژگی دیگری هم دارد؛ که به استعماری جلوه گر شدن آن در نظر مردم کمک

ص: 149

کرده است:

1- سابقه دعوت به تنظیم خانواده در ایران به دوران حکومت شاه برمی گردد.

حرکت حکومت شاه به دلیل خودفروختگی و وابستگی به دولت های غربی، به ویژه آمریکا، و عدم پابندی به ارزش های اسلامی، و حیف و میل و غارت اموال بیت المال، زمینه این نوع بدبینی را تشدید کرده است. از این رو، در ذهن مردم، تبلیغ رژیم شاهنشاهی به کم بچه دار شدن، مساوی بود با نوعی حرکت استعماری و به انگیزه های سیاسی و اقتصادی رژیم تا کشورهای استعمارگر در سایه کنترل جمعیت، بهتر بتواند حکومت کنند، اموال بیت المال را غارت کنند، و زمینه تسلط آن دولت های استعماری را فراهم سازند.

2- مسئله دیگری که به این شبهه در ایران کمک کرد، طرح مسئله کنترل جمعیت از سوی غربیان بود که پس از انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و ضرباتی که استکبار از حرکت جدید آن خورده بود، کنترل جمعیت را مطرح کردند، به همین دلیل مخالفین کنترل جمعیت استدلال کرده اند:

مطرح شدن مسئله کنترل جمعیت از سوی غربیان و استکبار سیاسی و اقتصادی دنیا و آمد و رفت عناصر فاسد آن ها به کشور ما پیرامون این مسئله و اختصاص بودجه کلان [چهار میلیون دلار] برای تأمین نیازهای کنترل جمعیتی کشور توسط سازمان ملل، گویای وجود يك سری انگیزه های اقتصادی دنیای غرب از طرح این مسئله است.

ص: 150

به عبارت بهتر، به صرف این که ثروتمندان دنیا و استکبار اقتصادی تا این حد به ملت و مردم کشورهای جهان سوم و بخصوص کشور انقلابی ما علاقه نشان می دهند که برای کنترل جمعیت و مطالعات مورد نیاز آن در کشور پول و امکانات در اختیار ما قرار خواهند داد. خود شك و تردید ما را برمی انگیزاند، که چرا عافیه مستکبران اقتصادی به جای آن که در سرمایه گذاری و رشد تکنولوژی کشور ما لبریز شود در مسئله کنترل جمعیت کشورمان منعطف شده است؟ آیا اهداف و انگیزه های پشت پرده ای از سوی استکبار اقتصادی دنیا نمی تواند وجود داشته باشد. (1)

این بود، مجموعه ای از انواع اشکالات در باب استعماری بودن «تنظیم خانواده».

### پاسخ به استعماری بودن

برای پاسخ به این اشکال، باید چند نکته را مورد نظر داشت؛ و ضمناً اصل ادعا را که از آغاز کتاب درباره آن سخن گفته شده فراموش نکرد:

1- در باب ضرورت تنظیم خانواده و عدم آن، نظریات متفاوتی وجود دارد و هر يك از این دیدگاه ها دلیل خاص خود را دارند. برای تحلیل درست این نظریات، بهترین راه، نقد جنبه های نظری موضوع از دیدگاه اسلام و بررسی های کارشناسی است و طبعاً آنچه در استدلال

ص: 151

---

1- . روزنامه جمهوری اسلامی، نظریه کنترل جمعیت و دیدگاهها، سید محمدباقر خرازی، شماره 3311/11.



به ضرورت تنظیم خانواده به دور از افراط و تفریط مطرح است، در رابطه با مصالح خانواده ها و بایسته هایی است که به خاطر مصالح فردی و اجتماعی مطرح است. بنابراین، آنچه می تواند قابل نقد و ارزیابی باشد، همین بایسته ها و مصالح است که در پیش به آن ها اشاره شد؛ و انگیزه های دشمنان اسلام هر چه باشد، موضوع را نمی تواند دگرگون کند.

2- نسبت دادن هر حرکت و اقدامی را به استعمار و مزدوران آن ها، کار مشکلی نیست، حتی می توان برای آن استدلال و شاهد و نقل و قول هم ترتیب داد. چنان که نمونه های دیگری هم دارد و برای گروهی خیلی آسان است که برای هر چیزی برچسب استعمار را برای استدلال خود یدك بکشند و خود را آسوده خاطر کنند.

اما آیا واقعاً در این سیصدساله که بحث جمعیت و کنترل آن در غرب مطرح بوده است و سال های سال در مجامع علمی آن ها مورد بحث و ارزیابی واقع شده و ارتباطی به کشورهای جهان سوم و در حال رشد نداشته، جنبه استعماری داشته است؟ در آن مدت و در آنجا چه پاسخی داریم؟ در این پنجاه ساله اخیر بحث تنظیم خانواده و کنترل جمعیت در کشورهای اسلامی نیز مطرح شد، و آن هم عموماً با توجه به واقعیات و مشکلات این کشورها و راه حل های کارشناسی بود و جالب است که بدانیم در کشورهایی که این مشکلات اقتصادی کمتر وجود داشته، این بحث کمتر و یا دیرتر طرح شده است.

در اینجا تأکید می گردد، این که طرح تنظیم خانواده در گذشته یا حال از سوی برخی افراد و مجامع تبلیغ شده، ممکن است بر اساس

انگیزه های غیر خیرخواهانه و چه بسا سیاسی باشد، اما واقعیت آن است که اصل موضوع «تنظیم خانواده»، جنبه کارشناسی دارد و اختلاف دیدگاه در این باره را هم بر این واقعیت باید تفسیر کرد و بر آن اساس هم باید پاسخ داد، گرچه از جنبه ارزشی و نگرش به معارف اسلامی، می توان در کم و کیف آن و چگونگی طرح آن در جامعه حساسیت به خرج داد، ولی نمی توان اصل موضوع را به استعمار نسبت داد و به گونه ای القاء کرد که اگر نظریه اکثر کارشناسان کشور آن شد که کنترل جمعیت ضروری است، بگوئیم این نتیجه هم استعماری است و مدعیان آن هم یا خود استعمارگرند یا مزدور آن.

و جالب این است که در همه کشورهای اسلامی موضوع استعماری بودن همیشه به عنوان اشکال مطرح می شده است. ما در زمان رژیم گذشته می گفتیم چون شاه نوکر غرب است، پس تبلیغات وی در باب تنظیم خانواده غربی است. امروز که مطرح می شود، جور دیگری پاسخ می دهیم که آن ها از خطر آینده جمهوری اسلامی چین و چنان می کنند و خیلی آسان و راحت، قضیه را سیاسی جلوه می دهیم و مشکل را با يك جمله «توطئه است»! تمام می کنیم و جالب است در چنین بحثی دقیق و کارشناسی، این گونه تحلیل کنیم:

هدف از تشویق به کنترل، محدود کردن نسل انقلابی و انحراف افکار جامعه به سوی مسائل غربی و کاذب و دور نمودن آن ها از مسائل حیاتی جامعه و در نهایت محدودیت بخشیدن به نسل مسلمین و بویژه شیعیان انقلابگر می باشد. زیرا هرکدام از آن ها

اگر جامعه نتواند مشکلات اشتغال، مسکن، ازدواج، امور تربیتی و اخلاقی، اوقات فراغت، تغذیه و مانند آن را حل کند، دیگر نسل انقلابی باقی نخواهد ماند و تهدیدی برای منافع استکبار نخواهد بود، و باید شاهد بحران‌های اجتماعی و سیاسی و اخلاقی بود. درست است که هر اندازه مسلمانان بیشتر باشند - به قول ایشان - خطر بیشتری برای استکبار خواهد بود، اما نه هر کمیتی و هر افزایش جمعیتی. آن وقت مسائل فرعی و کاذب، مسائل اصلی جوانانی خواهد شد که هم از وعده و وعیدها سرخورده شده‌اند و هم از آرمان‌ها. هر زیاد شدنی بدون دانش، معنویت، اشتغال و بهداشت، قدرت نیست تا تنها کثرت، هدف باشد.

این خیل عظیم مسلمانان در کشورهای عرب مجاور فلسطین اشغالی که صد میلیون نفر هستند، هنوز نتوانسته‌اند با سه میلیون یهودی برابری کنند. پس افزایش جمعیت به تنهایی کارساز نیست و مشکلات کشورهای اسلامی است که موجب گردیده آنان نتوانند به خوبی با این غده سرطانی مبارزه کنند.

استدلال کردن به این که باید برنامه ریزی کرد، امکانات بالقوه را بکار گرفت و نیروها را بسیج کرد، شعار خوبی است، اما با نگاهی به واقعیات اقتصادی و سیاسی و نسبت رشد جمعیت در کشورهای اسلامی و رشد اقتصادی و مشکلاتی که به طور فردی عموم خانواده‌های پرعائله را مشغول به کرده است، روشن می‌سازد که

ص: 154

نمی توان یکطرفه قضاوت کرد؛ نه می توان گفت تنها راه حل مشکلات، کنترل است؛ و نه می توان گفت کنترل جمعیت استعماری است، و نباید سراغ آن رفت.

هم اکنون ما در کشورهای اسلامی شاهد جمعیت جوان و نیازمند ایجاد سرمایه ملی هستیم تا بتوان آموزش، شغل، ازدواج، مسکن و دیگر نیازها را تأمین کرد و روز بروز بر تعداد آن ها هم افزوده می شود.

و این خلاء همواره بیشتر و بیشتر و فاصله برنامه ریزی و نیاز به سرمایه گذاری های ملی چند برابر می شود، آیا باز می توانیم بگوئیم که دعوت به کنترل جمعیت استعماری است!

از سوی دیگر، کسی که دعوت دولت به کنترل جمعیت را استعماری می داند، انتخاب خود خانواده ها به تنظیم نسل، و ایجاد فاصله بین تولدها را باید استعماری فرض کند. و نیز باید برای حفظ سلامتی مادر و یا رعایت شیر خوردن کامل بچه ها را هم دعوت استعماری فرض کند، در حالی که از موارد تنظیم، همین امور هستند.

البته ممکن است معتقدین به استعماری بودن نظریه تنظیم خانواده بگویند که دعوت عمومی و دولتی به تنظیم خانواده را استعماری و القای دشمنان اسلام می دانند، اما اگر خانواده ها به خاطر نداشتن امکانات اقتصادی غذا، مسکن و مسائل بهداشتی و درمانی و فراهم نبودن شرایط کافی برای تربیت و آموزش صحیح و یا رعایت سلامتی مادر و داشتن عقل معاش مبادرت به تنظیم کنند، استعماری نیست و اما در جایی که دولت اقدام کند، القای استعمار است. پس اگر خانواده ها خود به تنظیم خانواده بپردازند و به طور شخصی به آن اقدام

کنند، اشکالی ندارد و توطئه محدود کردن نسل انقلابی و انحراف افکار جوامع نخواهد بود! اما اگر دولت‌ها تنها به آگاه‌سازی و روشن کردن اذهان نسبت به مشکلات زیادی عانله پردازند، اشکالی ندارد.

آری، چنین تفاوتی در استعماری بودن و نبودن، ره به جایی نمی‌برد و چیزی را روشن نمی‌کند. و می‌بینید که مسئله چگونه تقسیم بندی می‌شود، و چطور آن مباحث کارشناسی تبدیل به برجسب‌های خنده‌آور می‌شود.

آنچه گفته شد، برای روشن شدن شبهه استعماری فرض کردن کنترل جمعیت بود، وگرنه ما مسئله را بیشتر از زوایه تنظیم نسل و انتخاب خانواده‌ها و آگاهی آن‌ها به مشکلات فردی و اجتماعی می‌بینیم، گرچه نتیجه آن همان کنترل جمعیت خواهد شد، که عموم کارشناسان مسلمان با حفظ ارزش‌ها و اصول معتقدند. (1)

در آن صورت، برای مبارزه با نابسامانی‌ها، تنها راه حل، کنترل جمعیت نیست و برای رسیدن به توازن رشد اقتصادی، رشد جمعیت، یکی از راه‌ها، ارزیابی امکانات بالقوه و برنامه‌ریزی آن‌هاست؛ همچنان که دعوت به تنظیم خانواده، استعماری نخواهد بود.

ص: 156

---

1- . البته در اینجا باید تأکید گردد، برای تشخیص موضوع حکمی مانند ضرورت تنظیم خانواده، نظریه کارشناسان موثق و متعهد قابل اعتماد است، بنابراین، نباید مبنای حکمی را بر دیدگاه هر کارشناسی قرار داد و تبعا چون ممکن است در میان کارشناسان قابل وثوق، اختلاف دیدگاه وجود داشته باشد، ملائک اکثریت است، همچنان که این اکثریت روش عقلانی در همه جا و از آن جمله در تشخیص موضوعات و وضع قوانین است. به همین دلیل، اگر در شرایطی این اکثریت کارشناسان تغییر عقیده دهند، حکم آن هم دگرگون خواهد شد، زیرا با عوض شدن موضوع، حکم هم عوض می‌شود.

3- اما این که گفته شده است کشورهای غربی با آن که جهان سوم را تشویق به کنترل جمعیت می کنند، خود در جهت افزایش جمعیت هستند، باید بر اساس آمار و ارقام و نتایج آن نگریم، و مقایسه بین کشورهای پیشرفته و عقب افتاده، انجام داد تا مسئله روشن شود که چگونه است.

در واقع چنین نیست که کشورهای غربی به طور کلی در حالی که ما را دعوت به کنترل می کنند، در جهت افزایش جمعیتی همانند کشورهای در حال رشد هستند. آن ها سال های سال تلاش کردند که رشد جمعیت خود را به يك درصد و در برخی موارد به صفر برسانند، در صورتی که رشد جمعیت در کشورهای در حال رشد در حدود چهار درصد است. ولی مقایسه ای بین رشد جمعیت و رشد اقتصادی و نیاز به سرمایه گذاری ملی در این کشورها و اختلاف فاحش آن ها با کشورهای جهان سوم این موضوع را روشن می کند:

رشد اقتصادی در کشورهای پیشرفته و میزان ثروتی که همه ساله صرف پرورش و وارد ساختن عناصر جوان در جریان تولید می شود. بین ده تا پانزده درصد است. در صورتی که رشد جمعیت در این کشورها همان طور که اشاره شد در حدود يك درصد است.

در برابر، کشوری که رشد جمعیتش سالانه سه درصد، و درآمد سرانه اش سالانه دو درصد، افزایش می یابد، باید به طور تئوریک بیش از بیست درصد از درآمدهایش را سرمایه گذاری کند، در حالی که اکثریت بسیار سنگین کشورهای در حال رشد به طور متوسط بندرت بیش از پنج

تا شش درصد از درآمد ملی خود را سرمایه گذاری می کنند. (1)

بنابراین، در کشورهای پیشرفته، حتی اگر تبلیغ به رشد جمعیت بشود - که این رکود در افزایش جمعیت موجب نگرانی آنان شده است - باز با رشد سرمایه گذاری تناسب دارد. در صورتی که ما حداقل افزایش جمعیت را محاسبه کردیم که سه درصد باشد - و رشد جمعیت چهار درصد هرگز محاسبه نگردید - و نیز در همان کشورهای غربی مانند اطریش و آلمان که رشد جمعیت آن ها به صفر رسیده است، اختلاف است که باید درباره افزایش جمعیت تبلیغ گردد، یا به همین شکل باقی بماند. به ویژه آنچه خانواده ها را در آن کشورها و ادار به پیشگیری از بارداری کرده، نه مشکلات اجتماعی و رعایت گسترش جمعیت و مسائل اقتصادی است، بلکه عمدتاً مسائل شخصی خانواده ها، مانند راحت طلبی، فرار از مسئولیت و خوشگذرانی، و فرهنگ حاکم بر رفتار آنان است.

بنابراین، استدلال کردن به استعماری بودن تنظیم خانواده، به این دلیل که استکبار خود مروج افزایش جمعیت است، و هدف از کنترل جمعیت در سازمان ملل و سازمان بهداشت جهانی، پاسخ به خواسته های استعمار است، ادعایی است مانند بسیاری دیگر از ادعاهای بی دلیل.

ص: 158

---

1- . جهان سوم و پدیده کم رشدی، ص 146 و 149 و 152؛ جمعیت شناسی اجتماعی، ص 99.

### اشاره

یکی از اشکالاتی که به بایستگی تنظیم خانواده گرفته شده، این است که گفته اند: اصل در ازدواج توالد و تناسل و تکثیر اولاد است و این قانون جنبه عمومی و دائمی دارد، مگر ضرورت و حرجی برای جامعه به وجود بیاید و عمل به آن ممکن نباشد.

زیرا قانون و ضرورت، اولاً: جنبه شخصی و فردی دارد؛ چون ادله لاضرر ولا حرج خطاب به شخص است. از این رو باید برای شخص، حرج داشته باشد و مشکل مسلم بشود تا از آن قانون کلی بتوان دست برداشت و ربطی به جامعه و حکومت ندارد که بر اساس ضرورت، حکم اجتماعی به تنظیم خانواده بدهد، و همه آحاد جامعه را بر یک شکل و فرم قرار دهد.

ثانیاً: چنین ضرورتی در امر کنترل نسل، واقعی باشد، و تخیلی نباشد که اگر بر اساس تبلیغات بیرونی و القای مشکلات خیالپردازانه و رفاه طلبانه شکل بگیرد، ضرورت، دیگر ضرورت نخواهد بود، و قانون اولی بر جای خود باقی است. (1)

و بر فرض که بپذیریم، مسئله کنترل نسل، مسئله ای مباح است، باز هم تنها برای زن و شوهر است. آن هم در مسائل و مشکلات شخصی و مصالح فردی آن ها و نمی توان این ترخیص را به جامعه سرایت داد و گفت برای همه جامعه مباح است و دولت اسلامی می تواند اجازه بدهد یا تشویق کند که مردم پیشگیری از بارداری کنند.

ص: 159



مخالفین تنظیم خانواده، مثال زده اند به مباح بودن طلاق و حق بخشش از قصاص برای اولیای مقتول، که گرچه مباح فردی و شخصی است، اما نمی توان این حق را به تمام جامعه سرایت داد و یا حکومت حق داشته باشد که چنین مباحی را تشویق و یا در مواردی اجبار کند، بلکه دولت اسلامی از این باب که امین و ولی جامعه است، باید کوشش کند تا جایی که ممکن است، طلاق تحقق نپذیرد و آمار طلاق در جامعه سیر نزولی داشته باشد. (1)

### پاسخ به مناقشه در ضرورت تنظیم

اولاً: همان طور که در بخش نخست کتاب اشاره کردیم، مسئله تنظیم خانواده و کنترل و پیشگیری از بارداری، امری مباح و گاهی برای خانواده متناسب با شرایط و مشکلات شخصی، ضروری است، و حکم استحبابی توالد و تناسل، قانونی دائمی و ابدی و مطلق نیست. آری اگر خانواده در شرایطی بودند که کثرت عائله، مشکلات اقتصادی و تربیتی و اجتماعی برای آنان فراهم نسازد، آنگاه کثرت فرزندان عمل پسندیده ای بود.

البته شرط دیگری هم باید اضافه کرد که کثرت عائله برای جامعه هم مشکلی ایجاد نکند وگرنه مستحب نیست و جامعه نسبت به افزایش جمعیت و پیامدهای آن حقی دارد.

ثانیاً: و بر فرض که بگوییم قانون اولی بر تکثیر نسل است، و تنها در هنگام ضرورت های فردی باید کنترل نسل انجام گیرد. باز معتقد

ص: 160

هستیم قانون «لاضرر» و «لا حرج»، بیانگر آن است که اگر قانونی برای مردم مشکل یا زیانی ایجاد کند، طبق این دو قاعده، حکم ضرری و حرجی برداشته می شود، و جنبه اقتصادی نیز دارد. یعنی همان طوری که قانون نفی ضرر و نفی حرج، خطاب به یکایک و افراد می باشد، همان طور، جنبه کلی و خطاب به جامعه را دارد، بدان دلیل که حکم مشترك و پیوسته ای را دارد.

در توضیح این بحث که یکی از مباحث دقیق حقوق اسلامی است به این مختصر بسنده می کنیم، که فرق است بین مقام تکلیف و امر، و مقام تحقیق و انجام. یعنی در مقام انجام دادن تکلیف، هر شخص باید وظیفه متوجه به خود را انجام دهد. همچنین باید ضرر و حرج متوجه به او باشد تا حکم اولی را بردارد، اما چگونه این حکم ضرری و حرجی می شود، به دو امر بستگی پیدا می کند: یا به این خاطر انجام وظیفه برای او دشوار می شود که مربوط به عوامل فردی و شخصی و خانوادگی او است. و گاهی حرجی شدن، به خاطر عوامل بیرونی و اجتماعی است. یعنی شخص، به تنهایی دچار مشکل نمی شود، اما اگر آحاد مردم در کنار یکدیگر قرار گیرند، روی هم رفته دچار مشکل می شوند. بنابراین، حرجی شدن از ناحیه فرد نیست، بلکه از ناحیه اجتماع است؛ گرچه در مقام انجام، یک شخص به خاطر تمام جامعه از تکلیف دست برمی دارد.

در موضوع مورد بحث، گاهی پیشگیری از بارداری، به خاطر شرایط خاص مربوط به خانواده از قبیل بیماری، مسکن، تغذیه و مانند آن است که شخص را وادار به کنترل می کند، در این صورت برای

حرجی نشدن شخص، تنظیم خانواده انجام شده است. در این صورت هم عامل حرج و هم خطاب نفی حرج به شخص است.

اما گاهی پیشگیری از بارداری، به خاطر شرایط اجتماعی و مشکلات جامعه است. مثلاً کارشناسان و برنامه ریزان مسلمان و متعهد به این نتیجه رسیده اند که در شرایط فعلی با افزایش جمعیت نمی توان بر مشکلات اقتصادی در زمینه تغذیه، مسکن، اشتغال، آموزش و پرورش، آموزش عالی و مسائل اخلاقی فائق آمد و در کنار برنامه ریزی و تلاش جدی در حل مشکلات، باید مبادرت به کنترل جمعیت کرد. در این صورت، گرچه ممکن است خانواده ای به تنهایی دچار حرج شخصی نشود، اما در کل، حرج و مشقت برای جامعه واقع می شود. در این صورت، قاعده «لا حرج» خطاب به جامعه می شود و آن حکم اولی برداشته می شود. (1)

ص: 162

1- . لازم به یادآوری است، این بحث حرج و ضرر شخصی و نوعی، غیر از بحثی است که در قواعد فقهیه در ذیل این دو قاعده مطرح می شود که آیا ضرر و حرج شخصی است یا نوعی. زیرا در آنجا این بحث است که ملاک برای ضرری و حرجی شدن، شخص است یا نوع. به عبارت دیگر، برای برداشتن حکم اولی و جوب یا حرمت، باید ضرر و حرج متوجه مکلف شود تا حکم برداشته شود، یا اگر نوع مکلفین مثلاً اهل صنف واحد، اهل عصر واحد، اهل مکان واحد هم دچار ضرر یا حرج شوند، کافی برای برداشتن ضرر و حرج هستیم. در آنجا مشهور قائلند که باید ضرر و حرج شخصی باشد تا تکلیف برداشته شود. اما گروهی هم برعکس قائلند در حرج و ضرر نوعی تکلیف می شود، گرچه به شخص ضرر متوجه نشود. اما در اینجا، منظور آن است که سبب ضرر و حرج، گاهی عواملی است که متوجه فرد است، و گاهی جامعه، نه اینکه محقق شدن ضرر به شخص یا نوع باشد. بلکه اصل حصول ضرر و حرج برای شخص قطعی است، اما علت آن، این شخص به تنهایی نیست، بلکه در اثر ترك «تنظیم خانواده» و افزایش جمعیت در جامعه، این ضرر و حرج پدید می آید. البته برای تفصیل بیشتر به کتاب القواعد الفقهیه آیت الله سید حسن بجنوردی (ره)، ج 1، ص 201 و القواعد الفقهیه، آیت الله ناصر مکارم شیرازی، ج 1، ص 197 مراجعه شود.

بنابراین، قاعده «لا حرج»، هم می تواند جنبه فردی داشته باشد، و هم جنبه اجتماعی، به ویژه آن که در فلسفه این قاعده آمده است که فرقی بین حرج شخصی و اجتماعی نیست. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ (حج: 78):

خداوند هرگز در دین برای شما مشقتی قرار نداده است.

البته قاعده «لا حرج» در جایی جاری می شود که يك طرف حکم الزامی باشد و بخواهند با این قاعده، آن حکم الزامی را بردارند.

مثلاً در همین مسئله تکثیر نسل، چون مثلاً تکثیر نسل واجب است و از طرفی موجب حرج و مشقت برای فرد و جامعه می شود، قاعده حرج، این حکم الزامی را برمی دارد. در صورتی که چنین چیزی نیست و وجوب و الزام آن ثابت نشده است. و نهایت مسئله ای که در باب تکثیر نسل استفاده می شود، مستحب بودن آن است.

و همین طور، حرمت «تنظیم خانواده» ثابت نشده است تا کسی بخواهد با قاعده «نهی حرج»، تنها حرجی بودن فردی را بردارد، نه جایی که جنبه اجتماعی دارد. بلی در بعضی از فروع «تنظیم خانواده»، مانند آن صورتی که «تنظیم خانواده» متوقف بر حرامی باشد، از قبیل نگاه به عورت، که در آنجا قاعده «حرج»، این نقش را دارد که حرمت را برمی دارد.

ثالثاً: مسئله دیگری که در پاسخ به شبهه عدم ضرورت مطرح

می شود، و آن مسئله تزاخم مصالح فرد با مصالح جامعه است. در آنجا آزادی و اختیار شخص، به خاطر مصالح اجتماعی محدود می شود، همان طوری که در قوانین شهرداری ها و گمرکات این طور معمول است. بدون شك از نظر عقلی و نقلی، مصالح جامعه در این باره مقدم بر مصالح فرد است و حتی اگر احتمال ضرر به جامعه قطعی نباشد، به دلیل اهمیت، حق جامعه، مقدم بر مصالح شخصی می شود.

در موضوع «تنظیم خانواده»، نیز اگر کسی بدون رعایت حق دیگران و مشکلات و پیامدهای تکثیر نسل، بخواهد به آن اقدام کند، بدون شك حق جامعه را ضایع کرده است و دولت به عنوان مسئول جامعه می تواند اقدام کند. همچنین، در جایی که واقعاً در شرایطی باشیم که کنترل جمعیت برای جامعه از ناحیه دولت الزامی باشد و از راه های فرهنگی و تبلیغی امکان به مقصود رسیدن نباشد، در آن صورت، طبق همین قاعده می توان جامعه را الزام به تحدید نسل کرد، بدین خاطر که آزاد بودن بی قید و شرط توالد و تناسل موجب حرج و ضرر رساندن به جامعه است که ظاهراً ما هم اکنون در چنین شرایطی نیستیم.

رابعاً: اما این که گفته شده است: جامعه و حکومت حق ندارد در مسئله ای شخصی و خانوادگی دخالت کند و مردم را تشویق و یا در حال ضرورت و ادار به تنظیم خانواده کند، حتی اگر دولت می بیند مردم از قاعده اولی، یعنی توالد و تناسل سرباز می زنند، حکومت باید مانع شود و جامعه را تشویق به تکثیر نسل کند، پاسخ می دهیم:

همان طوری که بارها تأکید شده است، سیاست اجبار و اعمال زور در مسئله کنترل جمعیت در مرحله کنونی، نه جایز است و نه

موفقیت آمیز، و نه با اصل آزادی انسان سازگار است و این سلب آزادی، تنها در موارد بسیار استثنایی و ضروری که حیات جامعه را در معرض خطر قرار می دهد، باید اعمال شود.

بنابراین، نظام اسلامی می تواند در چنین مواقعی در شرایط بسیار محدود دخالت کند اما در سایر موارد، حکومت متناسب با شرایط و حدود، می تواند امکانات تبلیغی و تشویقی را برای پیشگیری از بارداری فراهم سازد و خانواده ها را به پیامدها افزایش جمعیت و زیاد بچه داشتن آگاه سازد و از حقوق اولیه حکومت به عنوان نماینده مردم، آن است در مواقعی که مصلحت جامعه بر چیزی اقتضا می کند، وارد عمل شود، همان طور که در دیگر امور اجتماعی و سیاسی، مانند گرفتن مالیات، خراب کردن منازل برای خیابان یا فرستادن جوانان به جبهه، وارد می شود و همچنان که در پیش اشاره شد، از اختیارات حکومت اسلامی است که در این موارد دخالت کند و این طور نیست که حکومت در چهارچوب احکام فرعی باشد، و بنابر تعبیر حضرت امام خمینی گاهی «حاکم اسلامی می تواند بنابر مصالحی حج را تعطیل کند.»<sup>(1)</sup>

اما این که گفته شده است، «حرج» و «ضرر» باید واقعی باشد و القائی و تخیلی نباشد، همچنین تحت تأثیر اطلاعات غلط یا برخاسته از ارزش های غربی در نگرش به زندگی و لذت جویی و رفاه طلبی و فرار از مسئولیت فرزند داشتن، نباشد، سخن درستی است، اما واقعاً در شرایط فعلی چنین است که مشکلات و نابسامانی های اجتماعی خیالی

ص: 165

است؟ آیا مشکلات کثرت عائله برای خانواده ها، القائی است و خود آن ها این مشکلات را در نمی یابند. در اینجا نمی خواهیم وارد همان مباحث و استدلال های گذشته بشویم، اما فقط به کمترین ثمرات تنظیم خانواده، اشاره می کنیم:

تنظیم خانواده، می تواند انتخاب برنامه ای باشد توأم با آینده نگری تا از آمدن فرزندان بدون تمایل و ناخواسته پیشگیری کند.

تنظیم خانواده، می تواند فرصتی باشد برای رسیدگی بیشتر به مسائل اقتصادی و اخلاقی و تربیتی و زیستی و آموزشی فرزندان.

تنظیم خانواده، می تواند به طور قابل ملاحظه ای وضعیت تغذیه کودکان را - که یکی از عوامل مهم مرگ و میر در کودکان زیر پنج سال است - بهبود بخشد و با تعداد کم فرزندان و با فواصل مناسب، تغذیه با شیر مادر را ممکن سازد و موجب کاهش نوزادان کم وزن هنگام تولد شود.

افزون بر آنکه، اگر متخصصان و کارشناسان آگاه به ارزش های اسلامی، ضرورت تنظیم خانواده را شهادت دادند، جایی برای این مناقشه نمی گذارد که ضرر و حرج، جنبه غیرواقعی پیدا کرده است، زیرا طی مطالعات و تجربیات روشن و کارشناسانه حاصل شده است.

از سوی دیگر، نمی توان هر نظریه کارشناسی را حمل بر سوءظن کرد و بدون رعایت جوانب، برچسب بدبینانه به آن زد. چنین مباحثی بسیار دقیق و فنی است که طرح هر نکته، پاسخ علمی و واقعگرایانه می طلبد و اگر فردی غیرصالح، طرفدار نظریه تنظیم خانواده باشد، نمی توان اصل نظریه را زیر سؤال برد، و یا افراد دیگر را قیاس به آن

اما درباره اشکال آخر که مباح بودن کنترل بارداری به مباح بودن طلاق تشبیه شده است، برای پاسخ آن به توضیح اشکال دوم (1)

مراجعه شود، و در اینجا از تکرارش خودداری می شود.

## 6. شبهات دیگر

درباره «تنظیم خانواده» اشکالات دیگری مطرح شده است، مانند آنچه موافقین تنظیم، درباره انفجار جمعیت و نگرانی از افزایش جمعیت در ایران و کشورهای اسلامی، و تقسیم هر کیلومتر به تعدادی از مردم، و مباحث دیگر از این قبیل کرده اند. مخالفان به این دلیل پاسخ داده اند، ولی از آنجا که اصل دلیل از روال بحث ما خارج و نیز محل تأمل است، بنابراین، نه اصل دلیل و نه پاسخ آن مورد بحث ما قرار می گیرد. (2)

همچنین گفته اند: پیشگیری از بارداری، بیماری هایی برای زنان ایجاد می کند. برعکس آنانی که مرتب حامله می شوند و زایمان می کنند، از سلامت جسمی و به ویژه سلامتی رحم برخوردار هستند، که این اشکال خارج از روال بحث ما و نیز قابل مناقشه است و ما نیز

ص: 167

---

1- . صفحه 141 همین کتاب.

2- . برای تفصیل این بحث به مقاله آقای دکتر عبدالرحیم عمران در کتاب الاسلام و تنظیم الاسرة، ج 1، ص 254، و مقاله دکتر بنت الشاطی، ج 2، ص 252، همین کتاب، و مقاله نظریه کنترل جمعیت، روزنامه جمهوری اسلامی، قسمت چهاردهم، شماره 3295/11 مراجعه کنید.



## جمع بندی

### اشاره

با توجه به آنچه از اشکالات مخالفان «تنظیم خانواده» و پاسخ آن ها بیان شد، نتیجه گیری می کنیم که این اشکالات، شبهاتی نیستند که حرمت و منعی فراگیر برای «تنظیم خانواده» - با آن شکل که ما مدعی آن هستیم - ثابت کند، برعکس، این شبهات نشانگر آن است که مسئله «تنظیم خانواده»، با توجه به رعایت ارزش ها در فرهنگ اسلامی به خوبی تبیین نشده است، و حدود و ضوابط آن از سوی موافقان مشخص نشده است؛ وگرنه چه بسا، بسیاری مخالفان، دست کم جزء موافقان مشروط درخواهند آمد، و هرگز بخود اجازه نمی دهند، دگرگونی های شرایط اجتماعی عصر حاضر و مشکلاتی را که برای خانواده ها در آینده را به وجود آورده است، نادیده بگیرند و انکار کنند و قائل به تکثیر نسل بشوند، و یا آن را فقط در شرایط بسیار محدود و ویژه ای تجویز کنند.

### تندروی ها

بگذریم از آنچه در سوی مقابل رخ داده است و تندروی در پیشگیری از بارداری در شکل های گوناگون آن مطرح شده است، که جای پرداختن به همه این افراط گری ها نیست؛ اما یادآوری برخی از این نمونه ها برای تنبه، خالی از فایده هم نیست.

ص: 168

1. جایز شمردن سقط جنین در هر صورت و به صورت گسترده برای کنترل جمعیت، شبیه آنچه در ژاپن در سال های 1947 تا 1957م واقع شد و موجب مهار جمعیت گردید. (1)

2. جلوگیری از ازدواج مگر در سن سی سال به بالا برای مردن جهت کنترل جمعیت و عدم تشویق به تشکیل خانواده.

3. اجباری کردن امر «تنظیم خانواده» در حالی که نه به آن کار ضرورتی باشد و نه ابزار و امکانات لازم و تبلیغات مناسب برای «تنظیم خانواده» فراهم شده باشد.

4. دعوت به طلاق و جلوگیری از تداوم کانون خانواده ها برای مهار جمعیت! (2)

5. تعیین قوانین کیفری برای متخلفان از برنامه کنترل جمعیت.

6. بهره گیری از تبلیغات نامناسب و مخالف با مبانی و ارزش های اسلامی، برای «تنظیم خانواده».

و از این قبیل تندروی ها که به نظر ما هم افراط در طرح و انجام کنترل جمعیت، و هم تقریبا آن به مصلحت جامعه و خانواده ها نیست

ص: 169

- 
- 1- . الاسلام و تنظیم الأسرة، مقاله دکتر عبدالرحیم عمران، ج 2، ص 316. وی در این مقاله ادعا می کند در ژاپن برای کنترل جمعیت در این سالها، رشد جمعیت خود را از 34 نفر در هزار نفر به 17 نفر در هزار نفر کاهش داد. و علت مهم آن افزایش 80% سقط جنین بود.
- 2- . روزنامه جمهوری اسلامی نظریه کنترل جمعیت و دیدگاهها، قسمت بیست و نهم، شماره 3310 تاریخ 2/8/1369، به نقل از یکی از کارشناسان به اصطلاح جمعیتی و اقتصادی کشور در يك برنامه رادیویی که وی می گوید: متأسفانه دولت قدرت ایجاد طلاق را در جامعه ندارد، ولی اگر می داشت، می توانست تا حدودی این مشکل جمعیت کشور را حل و کنترل نماید!

و موجب بدبینی و سوءاستفاده گروهی خواهد گردید. امید است در بحث مستقلی در باب شیوه تبلیغ و روش های مؤثر به این بحث پرداخته شود.

## 1. احکام فقهی تنظیم خانواده

### اشاره

با توجه به آنچه درباره «تنظیم خانواده» از نظر اسلامی نوشتیم، جایز بودن کلیت پیشگیری از بارداری ثابت شد؛ ولی از آنجا که موضوع یاد شده از نظر فقهی جنبه های مختلفی دارد؛ مناسب است نظریات برخی از فقهای معاصر را درباره تنظیم خانواده ذکر کنیم و سپس به احکام و فروع این مسئله پردازیم.

1- در تاریخ 18 شهریورماه 1358، وزیر بهداشتی و بهزیستی از حضرت امام خمینی، درباره پیشگیری از بارداری سؤال کردند و ایشان در پاسخ مرقوم داشتند:

در صورتی که از نظر بهداشتی ضرری متوجه بانوان نباشد و شوهر نیز با این امر موافق باشد، حل این مشکل شرعاً جایز است. (1)

2- دفتر حضرت آیت الله العظمی اراکی در پاسخ به این سؤال: که عزل یکی از روش های پیشگیری از فرزنددار شدن در کتاب های فقهی مورد بحث قرار گرفته است و استفاده از این روش جایز شمرده شده است، آیا این روش خصوصیتی دارد یا هر روش دیگری که به نظر متخصصان متعهد، ضرری نداشته باشد پیش از انعقاد نطفه باشد جایز

ص: 170

است. پاسخ داده اند:

اگر مستلزم کار حرام نباشد، مثل لمس و نظر نامحرم و خود را در معرض آن قرار دادن، و موجب عقیم شدن نباشد، اشکال ندارد.

3. حضرت آیت الله العظمی منتظری، در پاسخ شخصی که درباره عزل (ریختن منی در خارج از رحم زن) سؤال می کند و می پرسد آیا «عزل» جایز است، یا هر روشی که به نظر متخصصان متعهد ضرر نداشته باشد و پیش از انعقاد نطفه باشد، جایز است، ایشان در پاسخ می نویسند:

بعد از قرار گرفتن نطفه در رحم، اسقاط آن جایز نیست و دیه هم دارد، ولی جلوگیری از استقرار آن در رحم بهر نحو ممکن با رضایت طرفین مانعی ندارد.

همچنین ایشان در پاسخ این سؤال که:

آیا فرزنددار شدن و تنظیم خانواده، که از حقوق شخصی پدر و مادر می باشد، می تواند نیز از حقوق جامعه تلقی گردد و چون ایجاد فرزند امکانات جدید آموزشی و بهداشتی و اقتصادی افزون تری را می طلبد، جامعه حق داشته باشد همانند پدر و مادر برای فرزنددار شدن و یا نشدنش از این حق استفاده کند و در مواردی دولت اسلامی با توجه به مصالح اجتماعی و ضرورت های آن با روش های غیر مستقیم از این حق استفاده کند؟

به عبارت دیگر یا از حقوق دولت اسلامی این حق می تواند باشد که قانونی برای تشویق به تحدید نسل ایجاد کند یا الزام به تحدید نسل

ص: 171

کند، در پاسخ فرمودند:

باسمه تعالی، اگر حاکم شرع خبیر احیانا مصلحت جامعه را در کنترل و تنظیم خانواده تشخیص دهد تشویق جامعه نسبت به آن مانعی ندارد ولی با راهنمایی نسبت براه های حلال و منع از راه های حرام از قبیل سقط و امثال آن.

این فتواها را نقل کردیم تا نشان دهیم که فقهای بزرگی که به خوبی مسائل فقهی را می دانند و واقعیات جامعه را می شناسند، مسئله پیشگیری و تنظیم خانواده را جایز می دانند. هرچند سخن ما این است که برنامه ریزی برای فرزنددار شدن خردگرایی و یک ضرورت در زندگی است، به ویژه برای طبقات کم درآمد که شرایط خانه و زندگی محدودتری دارند و معنای آن نداشتن بچه نیست، بلکه محاسبه و برنامه ریزی است.

ص: 172

آنچه از روش های پیشگیری از بارداری در بحث ما مطرح می باشد، جنبه شرعی و بُعد حقوقی آن مطرح است و نه جنبه کاربردی آن که خود بحثی است تخصصی. از این رو، ما تنها به دو جنبه کلی آن اشاره می کنیم.

1. آیا همه روش های پیشگیری از بارداری موجب ضرر می شوند و اگر چنین است حکم آن چیست؟

2. در صورتی که برخی از این روش ها متوقف بر انجام کار حرام باشد، حکم آن چیست؟

اما درباره موضوع نخست:

گفته شد، که در گذشته روش های سنتی برای پیشگیری از حاملگی وجود داشت که از رایج ترین آن عزل و بیرون ریختن منی در خارج از رحم بود که حکم آن بیان گردید. اما امروز روش های دیگری رایج شده است. به عنوان نمونه آنچه درباره قرص های پیشگیری (مانند کنتراسپتیو)، کاندم، آمپول های تزریقی و کاشتنی نورپلانت

(کپسول هایی که زیر پوست کاشته می شود)، مسلم است، مواردی از آن ها را پزشکان نسبت به برخی از افراد تجویز نمی کنند و زیان آن را بازگو می کنند. بنابراین، به جز در همان موارد که در هنگام تجویز، پزشکان تعیین می کنند و زیان قابل توجه است، در موارد دیگر، وجهی برای منع آن نیست، و از نظر شرعی هیچ اشکالی ندارد و هیچ قاعده و دلیلی - هم بنابر آنچه ثابت کردیم - بر حرمت بکار گرفتن آن روش ها نیست.

اما درباره دیگر روش های پیشگیری، مانند آی یودی (وسیله ای مسی یا پلاستیکی که درب رحم را می بندد و در مرحله لقاح اثر کرده و مانع بارداری شدن تخمک ماده می گردد.) و روش های جراحی پیشگیری از بارداری، مانند بستن لوله های زن و مرد، نیز از دو جهت قابل طرح می باشد:

1- از آنجا که گاهی به کارگیری این دو روش در زنان متوقف بر دیدن عورت زن توسط زنان یا مردان دیگر است، و دیدن عورت از نظر شرعی حرام می باشد.

2- موجب عقیم شدن دائمی یا موقت زنان یا مردان می گردد.

درباره موضوع اول، بدون شك، نگاه کردن به عورت زن و مرد در شرایط عادی حرام و مورد اتفاق همه مراجع و فقهاست. اما اگر اضطرار باشد، مانند برخی از بیماری ها، و یا پزشك ناچار به معاینه یا جراحی محل مخصوصی می باشد، از نظر شرعی اشکالی ندارد.

همچنین، اگر روش جراحی پیشگیری، متوقف بر دیدن عورت نباشد، اشکالی ندارد.

اما سخن در موارد پیشگیری از بارداری با وجود ابزارهای دیگر پیشگیری است، که آیا جایز است انسان به دلیل اهمیت «تنظیم خانواده» و کنترل جمعیت کاری کند که موجب دیدن عورت وی توسط زن یا مرد شود، یا خیر؟

بدون شك، در صورتی که برای شخص نوعی از پیشگیری از بارداری منحصر شود، یعنی پزشکان بگویند: برای این شخص مثلاً تنها نصب «آی یودی»، امکان پذیر است، و استفاده از روش های دیگر مضرّ می باشد، یا تنها عمل جراحی متوقف بر دیدن عورت برای زن ممکن است، باز نگاه کردن به عورت این شخص در همان صورت اشکال ندارد.

فقط آن صورتی باقی می ماند که زن بخواهد از این روش ها استفاده کند و بکار گرفتن آن متوقف بر دیدن عورت باشد و حال آن که می تواند از روش های دیگر از دسته اول که متوقف بر فعل حرامی (مانند: دیدن عورت) نیست، استفاده کند. در این صورت، استفاده از «آی یودی» محل اشکال است. همچنین عمل جراحی بستن لوله ها، در صورتی که متوقف بر دیدن عورت باشد، از نظر شرعی اشکال دارد.

### **نازایی (عقیم کردن)**

اما درباره موضوع دوم، که عقیم کردن موقت یا دائم مرد و زن باشد. باید گفته شود: در صورتی که عمل جراحی با هر روش دیگر پیشگیری از بارداری، که منجر به نازایی موقت باشد، مانند آنچه که در بستن لوله های زنان و مردان مطرح می گردد و می گویند: با پیشرفت



تکنیک جراحی، برگشت پذیری بستن لوله ها از طریق «میکروسرجری»، 80 درصد موارد موفقیت آمیز و برگشت پذیری ممکن است و زن می تواند حامله گردد. در صورتی که واقعاً چنین است، یا هر روش دیگری که زمینه برگشت نازایی ممکن شود.

در این صورت، بستن لوله زن با اجازه شوهرش جایز است و همچنین بستن لوله مرد بدون اشکال می باشد و عقیم شدن موقت مرد و زن اشکالی ندارد. همچنین به نظر ما عقیم شدن دائمی مرد و زن بر اساس مصالح مهم فردی و اجتماعی بدون اشکال می باشد.

از آنجا که یکی از مباحث اصلی «تنظیم خانواده»، همین مسئله «عقیم کردن» زن و مرد است، این بحث را به طور مبسوط و با ذکر ادله موافقین و مخالفین ذکر می کنیم.

پیش از وارد شدن در استدلال به جایز بودن نازا کردن و نازا شدن زن و مرد، لازم است، به دو نکته اشاره کنیم:

1- منظور از عقیم کردن، در اصطلاح رایج امروز، همان بستن لوله زن یا مرد یا چیزی شبیه این دو نوع روش است که در به کار بردن آن هیچگونه تغییری در غریزه جنسی و در چهره و حرکات و سکنت و جنبه های روانی انسان حاصل نگردد. بدین جهت این نازایی با آنچه در گذشته با وسایل مخصوص مرد را عقیم می کردند و موجب محرومیت شخص برای همیشه از زن و نابودی غریزه جنسی وی می گردید، در اصطلاح از آن اخفاء یاد می شد و در نتیجه، چهره و حرکات وی دگرگون می شد، کاملاً متفاوت است. البته این صورت اخیر مورد بحث در تنظیم خانواده نیست، و از این رو، برای این دو نوع، دو اصطلاح

وجود دارد: «تعقیم» و «اخصاء» نازایی و اخته کردن.

2- منظور از بحث نازا کردن موقت و دائم در بحث «تنظیم خانواده»، جایز بودن آن از نظر شرعی است و نه ضرورت و الزام در به کارگیری از این روش. نتیجه این بحث برای امکان بهره‌گیری از بستن لوله‌های زن و مرد و موارد مشابه آن برای کنترل جمعیت است، نه منحصر کردن پیشگیری از بارداری به آن، بدین جهت، ما فقط در پی جایز دانستن و ندانستن آن از نظر فقه و تعالیم اسلامی هستیم و نه چیزی بیشتر از آن.

عقیم کردن زن یا مرد با روش‌های پزشکی جدید که هیچگونه ضرر و زیانی به آن‌ها نداشته باشد، در صورتی که مورد رضایت زن و شوهر باشد، هیچ دلیلی بر حرمت آن نداریم و آنچه مخالفین استدلال کرده‌اند، قابل مناقشه است، از این رو، اصالت اباحه، همان قاعده اصولی را در اینجا جاری می‌کنیم؛ زیرا شك در حرمت آن داریم و نتیجه اش جایز بودن این روش می‌شود. چه عقیم کردن موقت باشد یا دائمی، فرقی در حکم ندارد.

اما کسانی که عقیم کردن را حرام دانسته‌اند یا تعبیر کرده‌اند «محل اشکال است» بر دو دسته تقسیم می‌شوند:

1- گروهی به طور کلی عقیم کردن را حرام می‌دانند، چه موقت باشد یا دائم.

2- گروهی، تنها عقیم کردن دائم را محل اشکال دانسته‌اند، البته در صورتی که باردار شدن برای زن ضرر داشته باشد، یا فرزندان زن و شوهر، دچار بیماری‌های مزمن و ناقص عضو و دارای بیماری‌های

خونی باشند، آن‌ها را از این موارد خارج کرده اند و عقیم کردن زن یا مرد را در این موارد جایز دانسته اند.

در هر صورت، عموم دلیل‌های این دو گروه مبتنی بر عدم جواز مشترك است و ما در ذیل، یکایک ادله آن‌ها را مطرح می‌کنیم و به نقد و بررسی آن ادله می‌پردازیم.

مخالفین عقیم کردن، به آیه ذیل استدلال کرده اند:

وَلَا ضِدَّ لَهُمْ وَلَا مِئْيَةٍ لَهُمْ وَلَا مَرْثَةٌ فَلْيُبَيِّنْ لَنَا آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرْثَهُمْ فَلْيَغْيِرْ خَلْقَ اللَّهِ جَ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا (نساء: 119)؛

آن‌ها را گمراه خواهم کرد. و با آرزوها سرگرمشان خواهم ساخت. فرمانشان می‌دهم تا گوش دامها را ببرند و گوشت آن‌ها را حرام کنند. فرمانشان می‌دهم که فطرت و خلقت خدا را دگرگون سازند. آری هر کس ولایت شیطان را بپذیرد، خسارت آشکاری متحمل شده است.

مخالفین چنین استدلال کرده اند:

«عقیم کردن» یکی از مظاهر دگرگون کردن خلقت خداوند است و خداوند در این آیه از زبان شیطان نقل می‌کند: من به آنان فرمان می‌دهم که در خلق خدا دگرگونی ایجاد کنند و چون این عمل از شیطان است و عمل شیطان یکی از گناهان بزرگ است و باید از آن اجتناب کرد، همان طوری که قرآن کریم در آیه زیر کارهای شیطان را از

گناهان کبیره شمرده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (مائده: 90)؛

ای اهل ایمان، جز این نیست که شراب و قمار (قمارهای عرب انصاب و ازلام) کار پلید و از کردارهای شیطان است. از این کار شیطانی بپرهیزید، باشد که رستگار شوید.

بنابراین، عقیم کردن در ردیف کارهای شیطان و از گناهان کبیره محسوب می شود و جایز نیست کسی در خلقت خدا تغییر ایجاد کند و در کار خدا دخالت کند و در خلقت انسان دگرگونی ایجاد کند. (1)

### پاسخ به شبهه نازاسازی

اولاً: این روش ها دگرگونی در حیات انسانی نیست. حتی این آیه شریفه در مقام بیان دگرگونی در خلقت انسان نیست. منظور از «تغییر خلق الله» خارج شدن از فطرت الهی و ترك دین حنیف است، همان طوری که خداوند متعال در آیه ای دیگر می فرماید:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ (روم: 30)؛

ص: 179

پس روی خود را به سوی قانون الهی بگردان. سرشت خدا را دنبال کن. همان سرشتی که جان مردم را بر آن سرشت قرار داد و در آن هیچ دگرگونی نیست. و این همان دین اصیل و استوار است.

در این آیه، نیز تبدیل خلق در ترك دین حنیف استعمال شده است و دلالت صریح بر این معنا دارد و تعبیر «تغییر خلق الله» با «تبدیل خلق الله» در يك سیاق و معنا و قرینه برای یگانگی معنا است. (1)

از طرفی معنا ندارد خداوند در ردیف ذکر گمراه کردن (اضلال) و بت پرستی و تحریم حلال‌ها به مسئله تغییر خلق یعنی عقیم کردن پردازد.

و بر فرض که این آیه، دلالت بر مذمت تغییر در خلقت داشته باشد - چنان که برخی از مفسران گفته اند و یکی از احتمالات آیه را این معنا دانسته اند - اما تغییر در خلقت، شامل مواردی چون اخصاء (اخته کردن)، مُثله (بریدن یکی از اعضای سر)، لواط و مانند آن می شود، و نه نازا کردن با بستن لوله و امثال آن، چنان که همین موارد مثله، لواط را در ردیف اخصاء ذکر کرده اند. (2) و کسانی که احتمال فوق را گفته اند - که عموماً آن را ضعیف تر از احتمال اول، یعنی تغییر خلقت به تغییر در فطرت خدا دانسته اند - همین موارد را ذکر کرده اند، و عقیم کردن را ذکر نکرده اند.

ص: 180

---

1- . المیزان، ج 5، ص 85.

2- . المیزان، ج 5، ص 85؛ تفسیر کبیر فخر رازی، جزء 11، ص 49؛ تفسیر روح المعانی، جزء 5، ص 150.

و مؤید احتمال اول، (تغییر به معنای دگرگون کردن دین خدا)، روایتی است از امام باقر و امام صادق در معنای تغییر این آیه که به معنای تغییر در دین خدا آمده است<sup>(1)</sup> و نه به معنای دوم. همچنین مجاهد گفته است: «دروغ می گوید عکرمه، که منظور از آیه اخته کردن است. این تغییر، همان تبدیل دین خدا است که در آیه 30 سوره روم آمده است.»<sup>(2)</sup>

ثانیاً: بر فرض که چنین معنایی در آیه احتمال داده شده باشد، هیچ فقیهی به خود اجازه نمی دهد به چنین معنایی احتمالی و مجمل، برای تحریم حکمی استدلال کند، با توجه به این دو نکته:

1- مفسران در معنای این آیه اختلاف شدید دارند و محققان از اهل تفسیر، احتمال نخست را ترجیح داده اند.

2- آنچه هم احتمال داده شده، از قبیل مثله کردن و اخته کردن است و سرایت دادن این موارد به مورد لوله بستن و عقیم کردن، دگرگونی در خلقت محسوب نمی شود، و لوله بستن مانند جراحی های پلاستیکی و موارد شبیه آن است، که هر کس لوله بستن را از موارد تغییر در خلقت می داند و حرام، باید هرگونه جراحی برای زیباسازی صورت را حرام بداند. از این رو، آیه مزبور از این جهت ساکت و مجمل است و نمی توان برای تحریم عقیم کردن که قاعده اولی مباح بودن آن را ثابت می کرد، استدلال کرد.<sup>(3)</sup>

ص: 181

---

1- تفسیر تبیان، ج 3، ص 334.

2- همان.

3- شهید دکتر محمدحسین بهشتی در مقاله ای همین نظریه را با این استدلال تأیید کرده اند: الاسلام وتنظیم الاسرة، ج 2، ص 456.

### اشاره

گفته اند: اصولاً پیشگیری از بارداری و «تنظیم خانواده»، به طور کلی بر خلاف قاعده و نصوص شرعی است، و اگر در مواردی و در شرایط ضروری تجویز شود، به این معنا نیست که ما به طور کلی آن را با هر روشی حلال کنیم و دولت ها آن را ترویج کنند. چنین چیزی مخالف با فلسفه ازدواج و توالد و تناسل است و اگر چنین شیوه ای گسترش یابد، نسل مسلمانان منقرض می شود، در صورتی که برعکس این روند، اصل بر تکثیر نسل و افزایش مسلمانان و استمرار بقاء انسان است.

بنابراین، عقیم کردن جایز نیست، چه این شخص تاکنون بچه داشته باشد و سپس خود را عقیم کند، یا از آغاز خود را نازا کند. (1)

### پاسخ به شبهه مخالفت با فلسفه ازدواج در عقیم کردن

همان طوری که در آغاز کتاب گفتیم، تنظیم خانواده و استفاده از روش های پیشگیری به معنای نفی توالد و تناسل جامعه نیست. از سوی دیگر اگر روایات اسلامی دلالت بر تکثیر نسل در همه زمان ها داشته باشد، فقط مستحب بودن آن را ثابت می کند و نمی تواند عمل مقابل خودش را حرام کند. یعنی تکثیر نسل، نمی تواند عقیم کردن موقت یا دائم را غیر جایز کند، و تنها چیزی که می تواند آن ادله ثابت کند، مکروه بودن عقیم کردن است و بیشتر از آن دلالتی ندارد.

بگذریم از آنچه ما ثابت کردیم که زیاد بچه داشتن در هر شرایطی

ص: 182

---

1- . مسألة تحديد النسل وقاية وعلاجاً، ص 37؛ الاسلام وتنظيم الأسرة، ج 2، ص 292.

مانند شرایط اجتماعی ما نمی تواند مستحب باشد. و مخالف با فلسفه ازدواج و خلقت انسان و مابین با توالد و تناسل، چیزی را ثابت نمی کند. زیرا تمام این امور، اختیار و اراده انسان را محدود نمی کند، بلکه مطلوب بودن داشتن بچه و بقای انسان را ثابت می کند.

چنین دلیلی مثل این است که کسی بگوید: ازدواج نکردن حرام است، چون مخالف با فلسفه خلقت و توالد و تناسل است. در صورتی که، ازدواج نکردن مکروه است و اگر کسی در شرایطی واقع شد که قدرت بر ازدواج کردن ندارد، یا مشکلاتی دارد، این کراهت هم برداشته می شود.

از طرف دیگر، جمعیت جهان و به ویژه مسلمانان در حال افزایش است و همچنان هم در افزایش خواهد بود و عقیم کردن برای تنظیم خانواده، هم رشد جمعیت را تا حدودی مهار می کند و نسل بشر و مسلمانان به این گونه روش ها منقرض نخواهد شد، تا مخالفت با فلسفه خلقت قلمداد شود.

اما این که گفته اند: عقیم کردن اگر به طور فردی جایز باشد، اما به طور عمومی دولت ها حق ندارند، آن را ترویج کنند.

پاسخ تفصیلی به این اشکال را در بخش دوم در پاسخ به اشکال دوم دادیم، و دوباره آن را تکرار نمی کنیم. [\(1\)](#)

اما تأکید بر این نکته هم خالی از فایده نیست که گرایش جامعه و نظام اسلامی به «تنظیم خانواده» و کنترل جمعیت بر اساس مصالح جامعه و رویارویی با مشکلات است، و انگیزه ای رفاه طلبانه ندارد و

ص: 183



برای فرار از مسئولیت نیست. بنابراین، مسئولان جامعه به ناچار باید تمام روش هایی که می توانند به این هدف کمک کند و دارای زیان نیست بکار گیرند.

از طرف دیگر، روش بستن لوله های زنان و مردان از نظر کارشناسان دارای امتیازاتی است که به راحتی نمی توان از این روش ها چشم پوشی کرد، که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

1- درصد اطمینان این روش برای پیشگیری از بارداری بسیار بالاست. درضمن یکبار برای همیشه موضوع بارداری ناخواسته را خاتمه می دهد.

2- نیاز به پیگیری مداوم برای پیشگیری و همچنین اثرات سوء در سیستم بدن ندارد.

3- از نظر اقتصادی ارزاترین روش هاست و مورد استقبال فراوانی قرار گرفته است.

4- با پیشرفت تکنیک جراحی، برگشت پذیری بستن لوله ها، (باز شدن مجرا در زن و مرد)، از طریق «میکرو سرجری» تا 80% موارد موفقیت آمیز گزارش شده است.

5- تکنیک های بستن لوله در زن متنوع است و برحسب امکانات می توان آن ها را به کار برد.

6- در انجام عمل مرد، معمولاً نیاز به بیهوشی عمومی ندارد. همچنین احتیاج به بستری کردن فرد نیست و پس از ده تا پانزده دقیقه پس از انجام عمل، شخص می تواند مرخص گردد. (1)

ص: 184

---

1- . سمینار جمعیت و توسعه، جمعیت و تنظیم خانواده، 24 تیرماه 1371، ص 14، به نقل از جزوات تکثیر شده در سمینار.

بنابراین، برای هدف مهمی چون «تنظیم خانواده»، با توجه به ضرورت هایی که در شرایط کنونی ایجاب می کند، آسان نیست که براحتی از يك روشی همچون روش فوق با آن همه امتیازات چشم پوشی شود و به دلایلی بسیار سست و مبهم این روش، مورد تحریم یا بی مهری قرار گیرد.

### 3. استدلال به روایات

#### اشاره

برخی از دانشمندان اهل سنت برای جایز نبودن عقیم کردن، به روایاتی از پیامبر استناد جسته اند که در باب اخته کردن (اخصاء) وارد شده است که به برخی از این روایات اشاره می گردد:

1- عن ابن مسعود قال: كنا نغزو مع النبي ليس كنا نساء، فقلنا يا رسول الله، ألا نستخصي؟ فنهانا عن ذلك؛ (1)

یعنی از ابن مسعود نقل شده است که می گفت ما در جنگی با پیامبر خدا بودیم که در آنجا زنان ما نبودند، به پیامبر عرض کردیم ای پیامبر خدا آیا اجازه می فرمایید که ما خود را اخته کنیم؟ پیامبر ما را از این عمل منع کردند.

2. سمع سعید بن المسيب يقول: سمعتُ سعد بن أبي وقاص يقول: ردّ

ص: 185

---

1- صحیح بخاری، ج 3، باب یکره من التبتل والخصاء، ص 239.

رسول الله علی عثمان بن مظعون التبتل، ولو اذن له لأختصينا؛(1)

سعید بن مسیب از قول سعد بن ابی وقاص نقل می کند که می گفت: رسول خدا بر عثمان بن مظعون از جهان بریدن را رد کرد و اگر ایشان رهبانیت را اجازه می دادند ما خود را اخته می کردیم.

مخالفین عقیم کردن گفته اند: چون در این روایات، اخته کردن تحریم شده و عقیم کردن هم مانند آن است، پس عقیم کردن نیز حرام می باشد.(2)

### پاسخ به روایات

واقعیت آن است همان طوری که قبلاً گفتیم، اخته کردن غیر از عقیم کردن است. عقیم کردن، اسلوب جدیدی است که تنها پیشگیری از بارداری می کند و هیچگونه آثار منفی جسمانی و روحی به بار نمی آورد؛ برخلاف اخته کردن (اخصاء) که موضوع آن کاملاً متفاوت است و از نظر شرعی نمی توان حکم عقیم کردن را با آن یکسان گرفت.

بنابراین، پرداختن به سند و دلالت این اخبار وجهی ندارد و هیچ فقیه آگاهی نمی تواند بر حرمت لوله بستن به این روایات استدلال کند.

ص: 186

---

1- . همان.

2- . الاسلام وتنظیم الاسرة، ج 2، ص 456.

اشاره

استدلال کرده اند نازا کردن دائمی (در جایی که امکان برگشت نباشد) با مصلحت زن و شوهر منافات دارد، چون گاهی اتفاق می افتد که پدر و مادری در حادثه ای اتفاقی همه فرزندان خود را از دست می دهند و دیگر نمی توانند بچه داشته باشند و چون لذت داشتن بچه را چشیده اند، دچار مشکل روحی و روانی می گردند و هیچ چیزی خلأ نداشتن فرزند را برای آن ها پُر نمی کند.

و همچنان باید این ناراحتی و سختی را تحمل کنند. پس چرا باید کاری انجام دهند که فرجام احتمالی آن پشیمانی و ناراحتی باشد. (1)

همچنین مخالفان عقیم کردن، استدلال کرده اند، در آن صورتی که زن با رضایت شوهر، خود را عقیم می کند، ممکن است پس از مدتی، شوهر بدلائیل مختلف پشیمان شود. همین پشیمانی موجب اختلاف آنان می شود و یا شوهر می میرد و زن ازدواج می کند، اما قدرت بچه دار شدن ندارد، یا به دلیل عقیم کردن خود، دیگران رغبتی به ازدواج با او ندارند و موجب سرخوردگی و مشکل روحی برای زن می گردد. (2)

بنابراین، چنین مواردی گرچه احتمالی هستند، اما برای جامعه زمینه نگرانی از آینده را فراهم می کند. لذا، مسئولین امور نباید به چنین روشی اقدام کنند و موجب سرخوردگی از «تنظیم خانواده» شد و باید پیشگیری از بارداری را در شکل مناسب فراهم کرد.

ص: 187

1- . تنظیم النسل و موقف الشریعة منه، ص 78.

2- . الاسلام وتنظیم الاسرة، ج 2، ص 292.

این پیش بینی و این گونه استدلال کردن، چیزی شبیه ارشاد و توصیه و دلسوزی از پی آمدهای عقیم کردن است و نمی تواند شکل دلیل برای تحریم عقیم کردن داشته باشد. به عبارت دیگر، چنین بیانی برای فلسفه جایز نبودن عقیم کردن بهتر سازگار است تا دلیلی مستقل بر حرمت عقیم کردن دائمی.

در هر صورت، این بیان نمی تواند بیانگر عدم جواز عقیم کردن باشد؛ زیرا مردم، بسیاری از کارهایی را انجام می دهند که فرجام خوشی هم ندارد و اشکالات فراوانی را به وجود می آورد، با وجود این، دلیل بر ممنوعیت کار نمی شود و کسی نمی تواند به خاطر چنین پی آمدهای احتمالی و بخش اندکی از افراد جامعه، حکم به تحریم عقیم کردن کند.

اما این که گفته شده، تا ممکن است نباید چنین روشی به کار گرفته شود، سخن درستی است. و کارشناسان هم باید کوشش کنند همین موضوع را تعقیب نمایند و زمینه برگشتِ نازایی را فراهم سازند و مردم هم باید تا جایی که ممکن است از این روش عقیم کردن دائمی استفاده نکنند و بستن لوله ها و مانند آن را به روشی انجام دهند که امکان برگشت باشد.

بنابراین، از مجموع شبهات مخالفین عقیم کردن، دلیل بر اشکال شرعی و حرمت آن استفاده نگردید و هیچ کدام دلیل محکمی بر حرام

بودن آن به طور دائم یا موقت اقامه نکردند، پس با توجه به قاعده اصولی «اباحه» و استناد به آن در باب عقیم کردن می گوئیم:

كل شى يکون فيه حرام وحلال فهو لك حلال ابدًا حتى تعرف الحرام منه بعينه، فتدعه؛ (1)

هر چیزی برای تو حلال است، مگر آن که بدانی دقیقاً همان چیز حرام است.

البته، نکته ای که در پیش گفتیم بر جای خود باقی است که اگر عقیم کردن متوقف بر فعل حرامی مانند دیدن عورت باشد، فقط در صورت ضرورت جایز است و در غیر آن، احتیاط آن است که ترك شود.

## احکام فقهی روش های پیشگیری

### فتوای مراجع معظم

با توجه به آنچه گفته شد، و تقسیم بندی هایی که درباره روش های پیشگیری از بارداری از نظر متوقف بودن بر فعل حرام مطرح شد و همچنین تقسیم به روش های موقت جلوگیری و روش های دائم پیشگیری از بارداری، به نمونه ای از فتاوی مراجع توجه فرمائید:

1- حضرت امام خمینی در پاسخ به سؤال «جلوگیری از فرزند موقتاً از نظر اسلام حرام است یا خیر؟» پاسخ فرمودند: جلوگیری موقت اگر موجب عقیم شدن دائمی نشود و ضرر به مزاج و نقص عضو به هم نرساند، اشکال ندارد.

بسمه تعالی، جلوگیری موقت اگر موجب عقیم شدن دائمی نشود

ص: 189

---

1- . وسائل الشیعه، ج 16، ص 495.

و ضرر بمزاج و نقص عضو بهم نرساند اشکال ندارد.

همچنین در پاسخ به سؤال «دستگاهی که خواهران برای جلوگیری از حاملگی استفاده می کنند، چون در رحم گذاشته می شود و مانع انعقاد نطفه می شود، آیا از نظر اسلام اشکالی دارد یا خیر؟ و آیا كفاره دارد یا نه؟» فرمودند:

جلوگیری اگر موجب عقیم شدن یا نقص عضو یا یکی از محرمات شرعیه نشود، مانع ندارد و باید با رضایت شوهر باشد.

2. دفتر حضرت آیت الله العظمی اراکی در پاسخ به سؤال «اگر روش پیشگیری از فرزنددار شدن، متوقف بر حرامی باشد، مانند نگاه کردن پزشک ممائل (زن برای زن و مردم برای مرد باشد) یا برای زن پزشک مرد و بالعکس، باشد، در چه حالتی این حرمت برداشته می شود. آیا محدود به صورتی می شود که تنها استفاده از این روش منحصر باشد و یا در هر صورت برای حفظ مصالح عمومی این حرمت برداشته می شود»، نوشته اند:

بسمه تعالی، نظر و لمس بصورت ولو پزشک ممائل باشد جایز نیست و حرام است مگر این که ضرورت باشد که حکم سائر ضرورت های دیگر دارد.

و نیز درباره این سؤال که «آیا بستن لوله های رحم به طور دائم برای کنترل جمعیت چه حکمی دارد؟» نوشته اند:

بسمه تعالی، جائز نیست و حرام است.

همچنین درباره بستن لوله های رحم، به طور موقت برای پیشگیری از فرزنددار شدن، نوشته اند:

بسمه تعالی، اگر موجب عقیم شدن نشود، اشکال ندارد.

3. حضرت آیت الله العظمی منتظری نیز در پاسخ به سؤال «اگر روش پیشگیری از فرزنددار شدن، متوقف بر حرامی مانند نگاه کردن پزشک به عورت باشد، در چه حالتی این حرمت برداشته می شود، آیا محدود به صورتی می شود، که ضرر به سلامتی مادر یا بچه شیرده یا ترس از بیمار شدن فرزند جدید یا مشقت در تحمل نفقه باشد - که برخی از فقهاء متعرض آن شده اند - یا شامل هر نوع ضرر و یا رعایت مصلحتی می شود؟» نوشته اند:

ارتکاب امر حرام جائز نیست مگر در صورت تراحم یا مصلحت لازم الاستیفائی که شرعاً اهم باشد، و در این جهت موارد مختلف است.

همچنین در پاسخ به سؤالی که درباره بستن لوله های زن یا مرد شده است، نوشته اند:

اگر باز کردن لوله ها ممکن باشد، حکم عقیم کردن را ندارد، بنابراین اگر این عمل (بستن لوله های زن یا مرد) مستلزم خلاف شرعی نباشد، اشکال ندارد و اگر مستلزم ارتکاب خلاف شرع باشد، مثل این که مستلزم نظر به عورت باشد، حتی بوسیله مماتل هم، در غیر حال ضرورت جایز نیست. لکن جلوگیری های موقت دیگر، مانند عزل و استفاده از قرص و آمپول با تجویز پزشک متخصص اشکال ندارد. و همین طور عقیم کردن دائم مرد یا زن. اگر معالجه و سلامت زن یا مرد بر آن منحصر متوقف باشد، یا بدانیم بچه ای که ممکن است متولد شود، عقب مانده بدنی یا عقلی خواهد بود، مانعی ندارد و الا محل اشکال

ص: 191



- آیا عقیم کردن موقت پدر یا مادر برای پیشگیری از فرزنددار شدن جایز است؟

بسمه تعالی، اگر ملازم با ارتکاب امر حرامی نباشد، مانعی ندارد.

- آیا انتخاب روشی برای عقیم کردن دائم مرد یا زن، در چه صورت جایز و در چه صورت جایز نیست، و حد ضرورت برای عقیم کردن دائمی و ملاک آن چیست؟

باسمه تعالی، اگر معالجه و سلامت زن یا مرد بر آن منحصرأ متوقف باشد یا بدانیم بچه ای که ممکن است بدست آید عقب مانده بدنی یا عقلی خواهد بود، مانعی ندارد والا محل اشکال است.

از این فتوای فقهی استفاده می شود که عقیم کردن دائمی بدون عذر، محل احتیاط این دسته از مراجع است و آن هم احتیاط واجب و اگر ضرورت باشد مانند آنچه که در متن نوشته نقل شد، این احتیاط برداشته می شود.

و در مجموع چنین نتیجه گیری می کنیم، عقیم کردن موقت، اگر متوقف بر فعل حرامی نباشد، که در واقع نوعی تنظیم خانواده است، از نظر مراجع تقلید هم بدون اشکال است.

ص: 192



رشد دانش در باره یک موضوع وابسته به اطلاع رسانی است. از آنجا که این بحث دامنه گسترده ای دارد، برای کمال بخشیدن به موضوع و آگاهی از نظریات مختلف شناخت آثار بایسته است. در این بخش به معرفی و توصیف کتاب هایی پرداخته شده است که یا مستقلاً درباره تنظیم خانواده نگاشته شده و یا بخشی از آن به موضوع فوق اختصاص یافته است. در پایان این بخش، فهرست مقالاتی که مربوط به این موضوع است و در مجله ها و روزنامه های داخل کشور و خارج از کشور منتشر شده، آمده است. پیش از ورود به توصیف کتابها، یادآوری چند نکته ضروری می نماید.

1. این کتابشناسی نتیجه جستجوی کامل نیست، و هدف آن نیز معرفی کلیه کتاب های مربوط به این موضوع نیست، و تنها به کتاب هایی پرداخته شده که به جنبه های حقوقی و ارزشی تنظیم خانواده از دیدگاه اسلام پرداخته است.

2. در ابتدا به معرفی کتاب هایی پرداخته شده که مستقلاً درباره

تنظیم خانواده است و سپس کتاب هایی که فصلی از آن مربوط به موضوع فوق است و آنگاه فهرست مقالات مجله ها و روزنامه های عربی و سپس مجله ها و روزنامه های فارسی آمده است.

3. در معرفی هر کتاب به مشخصات آن به ترتیب ذیل پرداخته شده است: عنوان کتاب، نام نویسنده، تعداد چاپ، محل نشر، ناشر، تاریخ نشر، تعداد صفحات، قطع کتاب.

در مواردی که یکی از مشخصات فوق به دست داده نشده است، یا بدین دلیل بوده که کتاب مزبور فاقد آن بوده و یا این که نگارنده، خود آن کتاب را ملاحظه نکرده است و با استفاده از منابع و کتاب های دیگر به معرفی آن پرداخته شده است.

### بخش نخست: کتابها

#### اشاره

کتابهایی که مستقلاً درباره تنظیم خانواده نگاشته شده است: (1)

1. احکام تحدید النسل. یوسف بن علی الزواوی. (چاپ اول: مالزی). تاپی، 50 ص، رقی.

2. الاسلام وتنظیم الأسرة. جمعی از نویسندگان. (چاپ اول: بیروت، الدار المتحدة للنشر، 1973) ج 1، 414 ص، ج 2، 596 ص، وزیری.

کتاب مزبور حاصل تحقیقات جمعی از متفکران اسلامی است که به صورت مقاله و سخنرانی در کنگره اسلامی: «اسلام و تنظیم خانواده»

ص: 195

---

1- . لازم به یادآوری است که در فاصله نگارش و چاپ نخست این کتاب (1371) با چاپ جدید آن (1397) کتاب های بسیاری در فارسی در باره تنظیم خانواده نگاشته شده که استدراک آن تغییراتی را در تنظیم کتاب ایجاب می کرد که از آن صرف نظر شد.

در رباط مغرب ارائه شده است. این کنگره توسط دکتر عصام ناظر، نماینده منطقه خاورمیانه ای سازمان جهانی تنظیم فرزندان، وابسته به سازمان ملل، در موافقت با ضرورت تنظیم خانواده، برگزار شده است، و جمعی از نویسندگان و محققان بیست و دو کشور اسلامی در آن شرکت کردند.

عناوین کلی مقالات کتاب به شرح زیر است:

1- نگرش اسلام به خانواده. در این بخش ده تن از محققین، نظریه خود را تحت عناوین متنوعی ارائه کرده اند. در پایان این بخش، مقالات کسانی که در کنگره شرکت نکرده اند به چاپ رسیده است.

2- اسلام، جامعه و تحول. در این بخش، شش مقاله به چاپ رسیده است، که عموماً در رابطه با تحولات جامعه و نیازهای ضروری آن بحث شده است و ارتباطی بین تنظیم خانواده و ضرورت های اجتماعی برقرار شده است.

3- اسلام و تنظیم فرزندان. در این بخش، پانزده سخنرانی و مقاله در موضوع فوق با نگرش های متفاوت از نویسندگان معروف جهان اسلام به چاپ رسیده است.

4- نظریه اسلام درباره سقط جنین و عقیم کردن. در این بخش یازده مقاله و سخنرانی در مخالفت با سقط جنین و پیامدهای آن و نیز نظریه اسلام درباره عقیم کردن، و بیشتر در موافقت با جواز آن، به چاپ رسیده است. در پایان کتاب، قطعنامه کنگره و فهرست های کتاب و اسامی مدعوین به ترتیب کشورها آمده است.

3- استعراض علمی لحركة تحديد النسل. خورشید احمد. (چاپ)

اول: بیروت، مؤسسه الرساله، 1395 ق). 46 ص رقی.

این کتاب که نخست به ضمیمه کتاب حرکت تحدید النسل، ابوالاعلی مودودی چاپ شده بود، سپس مستقلاً چاپ گردید. کتاب حاضر در پنج بخش تنظیم شده است: 1- آیا مشکلات اقتصادی اساس حرکت کنترل جمعیت است؟ 2- حرکت تحدید نسل و سیاست های جهانی. 3- مشکل جمعیت و دفاع. 4- حقایق اقتصادی. 5- آیا کنترل جمعیت می تواند چاره ساز مشکلات انسانی باشد. در پایان کتاب، راه حل کارسازی برای مشکل بیان شده است.

4. اطفال تحت الطلب و منع الحمل. صبری القبانی. (چاپ دهم: دمشق).

نویسنده از پزشکانی است که به بحث های علمی و پزشکی و در مخالفت با کنترل جمعیت پرداخته است.

5. الاسلام قوة الغداالعالمية. پاول شمتز. ترجمه محمد شامه. (چاپ اول: قاهره، مکتبه وهبه، 1394 ق). 224 ص، وزیری.

کتاب اسلام قدرت آینده جهان، بیانگر نگرانی های غرب از رشد جمعیت مسلمانان در جهان است. در این کتاب به توصیف آماری از رشد جمعیت کشورهای اسلامی و نسبت این رشد جمعیت با دیگر مذاهب جهانی، مانند مسیحیت و یهودیت و مذاهب محلی، پرداخته شده است.

6. الاعلام الاسلامی و رسالته فی ابطال الدعایة لتحديد النسل. (رسالة ماجستير) المعهد العالمی للدعوة الاسلامیه، 1403 ه.

7. أسرة طيبة ووطن عزیز، السید فرج. (چاپ اول: قاهره).

ص: 197

این کتاب در موافقت با کنترل جمعیت نوشته شده است و مقایسه ای بین مشکلات جامعه و خانواده و اهمیت تکثیر نسل می کند. برای تشویق خوانندگان به کنترل جمعیت، از روایات نبوی استفاده شده و اساساً کتاب جنبه تبلیغی دارد.

8. اهداف الأسرة فی الاسلام والتیارات المضادة. حسین محمد یوسف. (چاپ دوم: قاهره، دار الاعتصام، 1398 ق). 135 ص، وزیری.

9. تحديد النسل. حسن البناء، تحقیق و تعلیق و تخریج: محمد عقیفی. (جده: مکتبه المنهل).

10. تحديد النسل ابادة للعالم الاسلامی. المجلس التأسیسی لرابطة العالم الاسلامی. (مکه مکرمه. رابطة العالم الاسلامی).

11. تحديد النسل وتنظیمها فی ضوء الكتاب والسنة. عبدالعزيز، محمد علی موسی. (بیروت، عالم الكتاب، 1988 م).

12. تحديد النسل جريمة فی حق الدین والوطن. عبدالغفار عزیز. (قاهره، مؤلف، 1988 م). 132 ص، رقیعی.

13. تحديد النسل من وجهة نظر اسلامیه. عبدالرسول السید علیخان. (چاپ دوم: بیروت، دار المهاجر، 1393 ق). 53 ص، رقیعی.

مشمول بر سه بخش است. در بخش نخست، درباره فلسفه احکام و ازدواج در اسلام و اهمیت آن و مقتضیات فطرت انسان بحث کرده است. در بخش دوم، درباره دعوت به کنترل جمعیت و ادله طرفداران آن بحث کرده است و در پایان به مناقشه در ادله موافقان پرداخته است. نویسنده کتاب از مخالفان کنترل جمعیت است که در پاسخ به ادله موافقان، پاسخ انفجار جمعیت و مشکلات اقتصادی را داده است.

14. تنظیم النسل. ولید قمحاوی. (چاپ اول: بیروت، دارالعلم للملایین، 1954 م). 244 ص، وزیری.

15. تنظیم خانواده. الیزابت دریپر. ترجمه سیاوش آگاه. (چاپ اول: تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1356). 370 ص، وزیری.

این کتاب دارای چهار بخش به ترتیب ذیل است: بخش اول درباره تنظیم خانواده و علت کنترل جمعیت بحث کرده است. بخش دوم درباره تولید مثل و کنترل آن است. بخش سوم درباره فرد و اجتماع و آموزش های لازم در این باره، و بخش چهارم عمل و پیگردی در زمینه دامنه گسترش استفاده از وسائل پیشگیری و همچنین درباره مسائل جمعیت و رفاه و محیط بحث کرده است.

16. تنظیم الاسرة فی ضوء القرآن والسنة. احمد الشرباصی. (چاپ اول: قاهره، دارالکتاب العربی، 1969 م).

همانند کتاب دیگر مؤلف (الدین و تنظیم الأسرة) در موافقت با تنظیم خانواده است و با استناد به آیات قرآن و احادیث نبوی، به اشکالات مخالفان تنظیم خانواده پاسخ داده است.

17. تنظیم النسل و موقف الشریعة الاسلامیة منه. عبدالله بن عبدالمحسن الطریقی. (چاپ دوم، ریاض، 1410). 669 ص، وزیری.

فهرست مباحث کتاب به شرح زیر است:

تعریف تنظیم نسل و سابقه تاریخی آن، وسایل تنظیم نسل، سقط جنین، عقوبات شرعی مترتب بر سقط جنین، کنترل جمعیت اجتماعی: ادله موافقین و مخالفین کنترل، دعوت به تحدید نسل در کشورهای اسلامی و انگیزه های آن، راه حل مشکلات اقتصادی و آثار

ص: 199



مترتب بر کنترل جمعیت و نظریه اسلام در این باره.

نویسنده، از مخالفان جدی تنظیم خانواده و کنترل جمعیت است که به مناقشات فقهی، اجتماعی و علمی پرداخته است و به تفصیل، جنبه های مختلف فردی و اجتماعی پیشگیری از بارداری و پیامدهای آن را ذکر کرده است. در پایان کتاب، فهرست منابع، آیات و روایات آمده است.

18. تنظیم الأسرة و تنظیم النسل. محمد ابوزهره. (چاپ اول: قاهره، دارالفکر العربی). 112 ص، وزیری.

فهرست مباحث مهم کتاب عبارت است از:

تنظیم خانواده و سابقه بحث خانواده در قوانین کشورهای اسلامی، تلاش های جدید در کشورهای مصر درباره تنظیم خانواده، تعدد زوجات، تنظیم نسل، طرفداران کنترل در کشورهای اسلامی.

تکثیر نسل در احادیث، عدم جواز کنترل نسل به طور کلی.

مؤلف در بخش نخست، پیرامون خانواده و تلاش های قانونی برای صیانت آن بحث می کند، و در بخش دوم درباره تنظیم نسل و حرکت های انحرافی (از دیدگاه خود) برای محدود کردن جمعیت مسلمانان مباحثی را ارائه می دهد.

19. الجوانب الطیبة للعزل فی الفقه الاسلامی. سعید محمود دیان العوضی. (وزارة الصحة العامة، 1401 ق = 1918 م) 40 ص.

20. حركة تحديد النسل. ابوالاعلی المودودی. (چاپ اول: بیروت، مؤسسه الرسالة، منشورات الشركة المتحدة للتوزیع، 1395 ق). 214 ص، رقی.

ص: 200

مشمول بر شش فصل و دو ضمیمه است. در فصل اول درباره هدف از حرکت تحدید نسل و جریان تاریخی آن بحث می کند. در فصل دوم درباره پیامدهای کنترل جمعیت از جنبه های اخلاقی و اجتماعی، و در فصل سوم به مخالفان اروپایی کنترل جمعیت پرداخته است. در فصل چهارم دیدگاه اسلام درباره تحدید نسل و در فصل پنجم به ضررهای آن و در فصل ششم دلایل موافقین را به نقد می کشد.

در این چاپ دو ضمیمه بر کتاب افزوده شده است، یکی درباره تنظیم خانواده و دیدگاه اسلام و دوم، مقاله خورشید احمد درباره نقد علمی تحدید نسل آورده شده است.

این کتاب در مخالفت با کنترل جمعیت نوشته شده است، و عناوین و مباحث کتاب به خوبی گویای جهتگیری نویسنده است. وی به شیوه استدلالی، نظریه موافقان کنترل جمعیت، به ویژه مشکلات اقتصادی و انفجار جمعیت را به نقد می کشد.

21. حول تحدید النسل. فیصل ابوالفضل شیب. مقدمه از محمد غزالی (قاهره، دارالانصار، 1980 م).

22. الدین وتنظیم الأسرة. احمد الشرباصی. (چاپ دوم: قاهره، دار مطابع الشعب، 1966 م). 210 ص، وزیری.

کتابی است در موافقت با تنظیم خانواده که مؤلف به طور محدود، کنترل جمعیت را جایز می شمارد و در طرح تنظیم خانواده به ارزش های اسلامی تأکید می کند.

23. رسالة فی العزل عن الحرة الدائمة. الشيخ عبدالله المامقانی.

(نگاه کنید به: الذریعة، ج 15/261).

24. رسالة في العزل عن الحرة الدائمة. عبدالصمد موسوی. (نگاه کنید به: الذریعة، ج 15/261).

25. رؤية موضوعية في الدعوة الى تنظيم الأسرة. عبدالرحمن التّجار. (چاپ اول، قاهره).

در این کتاب در موافقت با کنترل جمعیت به آیات قرآن و احادیث نبوی استدلال شده و مباحث مختلفی از جنبه های اجتماعی و اقتصادی در باب تنظیم خانواده مطرح گردیده است.

26. قضية تحديد النسل في الشريعة الاسلامية. ام كلثوم يحيى مصطفى الخطيب. (جده: الدار السعودية، 1402 ق 1982 م). 208 ص، وزیری.

27. لمصلحة من تحديد النسل او تنظيمه؟ عبدالعزيز بن الدردير. (قاهره، مكتبة القرآن، 1990 م) 176 ص، وزیری.

فهرست عناوین اصلی کتاب:

دیدگاه قرآن درباره تنظیم نسل، دیدگاه سنت درباره تحدید نسل، مناقشه در ادله طرفداران کنترل جمعیت، طرفداران کنترل و مسائل اقتصادی، مبنای کنترل با نص کتاب و سنت.

عناوین کتاب گویای سمت گیری مؤلف در مخالفت با کنترل جمعیت است. و بر این اساس در فصل مشبعی از آغاز کتاب با نگرش قرآن و سنت به مسائل جمعیت، اقتصاد، ازدواج می پردازد، و در پایان، ادله موافقان را نقد می کند.

28. مسألة تحديد النسل: وقاية وعلاج. محمد سعيد رمضان

ص: 202

البوطی. (چاپ چهارم: دمشق، مکتبه الفارابی، 1409 ق.). 234 ص، وزیری.

فهرست مباحث مهم کتاب عبارت است از:

دیدگاه اسلام درباره قانون، تشریح قوانین و بهترین روش برای اجرای آن، فرق بین آزادی قانونی و آزادی شرعی، کنترل نسل با اسباب پیشگیری، کنترل نسل با روش های درمانی، سقط جنین و حالات ضروری، سقط جنین در فرزندان نامشروع، احکام قضایی سقط جنین، و احکام جزایی سقط جنین و تطبیق آن با قانون.

نویسنده که از محققان اسلامی سوریه است، با تفکیک موضوع پیشگیری از بارداری به صورت شخصی و اجتماعی، با تنظیم خانواده در شکل فردی آن موافقت دارد، اما حرکت اجتماعی و دولتی را برای کنترل جمعیت به هر شکل جایز نمی داند و از آثار و توابع کنترل جمعیت، گسترش سقط جنین و بی علاقهگی به تشکیل خانواده و عدم پایبندی به ارزش های اسلامی می داند.

29. النسل والعناية به. عمر رضا كحّالة. (چاپ چهارم: بیروت، مؤسسة الرسالة، 1408 ق.). دو جلد، ج 1، (مربوط به بحث تحدید نسل) 190 ص، وزیری.

عناوین اصلی کتاب عبارت است از: خانواده و پیدایش آن، زاد و ولد و عوامل موروثی، زایمان و سلامتی مادر، ولادت و موالید، انتساب فرزندان، تحدید نسل و حکم اسلامی آن. عقیم کردن، و تحدید نسل در عصر جدید.

کتاب در دو بخش تنظیم شده است. نیمی از آن به عنوان مقدمه در

ص: 203

باب اهمیت خانواده و تکثیر نسل و وسائل جانبی آن است و در بخش دوم، نظریه موافقان کنترل و مسئله انفجار جمعیت، به طور مبسوط نقد شده است. در پایان کتاب، به مباحث حقوقی و فقهی و تاریخی پیشگیری از بارداری پرداخته شده است.

30. نظرة الاسلام الى تنظيم النسل. محمد سلام مدكور. (قاهره، دارالنهضة العربيه، 1969 م) 98 ص.

در پایان این فصل مناسب است یادآوری گردد که برخی از کتاب ها هیچگونه نشانه و مشخصه نداشتند تا در لیست کتاب های توصیفی درج گردند و فقط عنوان کتاب و مؤلف آن در برخی از کتاب ها یادداشت شده بود مانند:

31. الشريعة الاسلاميه وتنظيم النسل. محمود الشلتوت.

32. رأى الاسلام فى تحديد النسل. عبدالرزق حمود.

33. استراتيجية الأسرة وقضايا الزواج. صاحب حسين صادق.

34. فكرة تحديد النسل ومراحلها واسبابها. عبدالرحمن الخيّر.

35. تنظيم النسل وتحديده وموقف الاسلام منه. عطية محمد سالم.

36. نظرات فى الوراثة والجنين وتحديد النسل. احمد شوكت الشطى.

37. منع الحمل. محمد فتحى.

کتابهایی که بخشی از آن مربوط به تنظیم خانواده است:

39. الاسلام والحياة الجنسية. محمود بن الشريف. (چاپ اول: بیروت، دار مكتبة الهلال، 1988 م). 128 ص، رقعی.

عنوان فصل مربوط به تنظیم خانواده، عبارت است از تجدید

لاتحدید. در این فصل در مخالفت با کنترل جمعیت، ادله ای آورده شده و بیشتر به جنبه های منفی اجتماعی و علمی کنترل جمعیت پرداخته شده است.

40. الاسلام ومستقبل الحضارة: تنظيم النسل بين التحديد والاخصاب. صبحی صالح. (چاپ دوم: بیروت، دار قتیبه و دارالشوری، 1990 م). 442 ص، وزیری.

بخشی از کتاب (33 صفحه) مشتمل بر مباحث گوناگونی است درباره تنظیم نسل و احکام فقهی و اجتماعی آن. مؤلف در مجموع از موافقان مشروط تنظیم خانواده است و روش های پیشگیری از بارداری را در محدوده نیازها و مشکلات خانواده جایز می شمرد، نه مانند انفجار جمعیت و تنگناهای اقتصادی و اجتماعی حکومت ها.

41. خاتمیت: ازدیاد نفوس از دیدگاه اسلام و علت تبلیغات در جهت کنترل نفوس. مرتضی مطهری. (تهران، انتشارات صدرا، 1370) ص 78 - 81.

42. الزواج فی القرآن والسنة: النسل تحدیده. عزالدین بحر العلوم. (چاپ دوم: بیروت، دارالزهراء، 1404 ق) 344 ص، وزیری.

عنوان بحث مربوط به تنظیم خانواده عبارت است از: النسل تحدیده. مؤلف در این بخش از کتاب به اهمیت توالد و تناسل اشاره کرده است. با وجود این «عزل» و پیشگیری از بارداری را به صورت مشروط و فردی جایز می شمارد و از طریق اهل بیت عصمت به روایاتی که دال بر جواز پیشگیری است، اشاره می کند.

43. الفتاوی، دراسة لمشكلات المسلم المعاصر، النسل بين التحديد

ص: 205

محمود شلتوت. (چاپ دوّم: قاهره، دارالقلم مطبوعات الادارة العامة للثقافة بالازهر، 1959 م). 461 ص، وزیری.

عنوان بحث مربوط به کنترل جمعیت عبارت است از: «النسل بین التحدید والتنظیم» که در چهار قسمت تنظیم شده است: تحدید معنای کنترل نسل، تباین تعریف نسل در معنای کلی آن با زندگی انسان و حکمت خدا، اسلام بر کثرت نسل تشویق کرده است، برخی از موارد تنظیم نسل جایز است.

44. مجموعه مقالات سمینار دیدگاه های اسلام در پزشکی:

مسئله تحدید نسل. گردآوری و تنظیم: سیدحسین فتاحی معصوم. (چاپ اول: مشهد، دبیرخانه دائمی سمینار و با همکاری مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران 1371 ش). 534 ص، وزیری.

عنوان بحث مربوط به تنظیم خانواده در چهار بخش به شرح زیر (در 36 صفحه) تنظیم شده است:

1- مسئله تحدید نسل: محمدهادی معرفت. در این مقاله، مسئله تحدید نسل از دیدگاه فقاهت با صرف نظر از کراهت اولیه، مورد بررسی قرار گرفته و به جز عقیم کردن دائم، در چهار صورت جایز شمرده شده است. و در عقیم کردن دائم جای بحث و گفتگو می داند.

2- آیا کنترل جمعیت شرعاً جایز است؟ ناصر مکارم شیرازی. در این مقاله، مسئله افزایش جمعیت و مشکلات و پیامدهای رشد جمعیت مورد بررسی قرار گرفته و ضرورت آینده نگری تأکید شده است. درباره تجویز پیشگیری از بارداری با توجه به ادله تکثیر نسل،

اشکالات مخالفان پاسخ داده شده است و در مجموع، نویسنده محترم، جلوگیری از طریق عزل و مواد شیمیایی و نصب دستگاه (آ. یو. دی) را جایز می‌داند، ولی کورتاژ و سقط جنین را ممنوع می‌شمارد، و جایز بودن برداشتن رحم را مشروط به عفونی شدن آن می‌داند.

3- نظری به مسئله تنظیم خانواده و کنترل موالید. محمدعلی تسخیری. در این مقاله دلایل هر یک از طرفداران آزادی موالید و تنظیم خانواده طرح و نظر برگزیده مولف، مطلوب بودن تکثیر نسل از لحاظ کیفی است. گرچه نظریه انفجار جمعیت و تبعات آن را هم مردود می‌شمارد.

در پایان در این کتاب نتیجه‌گیری می‌شود که هر فرد در صورتی که نیاز به تحدید نسل احساس کند، از راه‌های مشروع مانند عزل می‌تواند اقدام کند، و دولت اسلامی تا جایی که ممکن است، مسئله تحدید نسل را به صورت قانونی و الزامی مطرح نسازد و اگر دولت اسلامی با فشار طاقت فرسا مواجه شد، دولت به طور موقت می‌تواند از ازدیاد نسل جلوگیری کند.

4- مسئله تحدید نسل و کنترل افزایش جمعیت. هاشم هاشمزاده هریسی. در این مقاله به استحباب تناکح و تناسل در شرع مقدس پرداخته شده که اگر با اعمال حرام تراحم ایجاد شود، آن عمل استحباب تبدیل به حرام می‌شود. سپس به روایات جواز عزل پرداخته شده و جایز بودن آن به عنوان یکی از راه‌های پیشگیری از بارداری جایز شمرده شده است و در پایان اشاره‌ای دارد به روایات نبوی و علوی (ع) در مذمت کثرت عیال.



45- النسل وقضية تحديده عند الغزالي. عبدالكريم اليافي (قاہرہ: المجلس الاعلى لرعاية الفنون والاداب والعلوم الاجتماعية، 1961 م). ص 415 - 429 ص، وزیری.

کنگره ای به مناسبت شخصیت غزالی در دمشق 1961، برگزار می گردد و درباره امام غزالی مقالاتی ارائه می گردد، یکی از مقالات این مجموعه که به صورت کتاب چاپ می گردد مقاله: «النسل وقضية تحديده عند الغزالي»، است که در این مقاله دیدگاه مثبت غزالی با پیشگیری از بارداری را تحلیل می کند.

46. نظرية الضرورة الشرعية: تحديد النسل وعلاقته بالضرورة. جميل محمد بن مبارك. (چاپ اول: منصوره مصر، دارالوفاء للطباعة والنشر والتوزيع، 1408 ق). 494 ص، وزیری.

بخشی از کتاب (27 صفحه) مشتمل بر بحث تحديد نسل و ارتباط آن با ضرورت شرعی است و این که کنترل جمعیت، آیا یکی از ضرورت هایی است که بتواند قاعده تکثیر نسل را محدود کند یا خیر.

این قسمت از کتاب، دارای دو بخش می باشد، در بحث نخست از ارتباط بین کنترل جمعیت و ضرورت های شرعی بحث می کند و معتقد است چنین ضرورت اجتماعی برای کنترل جمعیت نیست. به همین دلیل، استدلال مجوزین «عزل» را ضعیف می شمرد و پاسخ می دهد. و در نهایت روش های دیگر پیشگیری را عنوان و نیز با آن مخالفت می کند و فقط عقیم کردن موقت را در شرایط ضروری، مانند بیماری های زن، جایز می شمرد.

بحث دوم مؤلف درباره سقط جنین و مراحل گوناگون آن است که

از دیدگاه مذاهب چهارگانه اهل سنت به آن پرداخته است. در مجموع، مؤلف از مخالفان کنترل جمعیت است.

47. نظرية الضرورة الشرعية: قواعد الضرورة وتطبيقاتها. وهبة الزحيلي. (چاپ چهارم: بیروت، مؤسسة الرسالة، 1405 ق). 243 ص، وزیری.

مؤلف در بحث موجزی به مباحث قواعد ضرورت و موارد تطبیق آن و از آن جمله به پیشگیری از بارداری، مانند عزل و سقط جنین و روش های دیگر، پرداخته است و در این بحث کوتاه، از موارد ضرورت، تنظیم خانواده را می داند که به دلیل شرایط فردی، جامعه ناچار به انجام آن است.

## فهرست مقالات عربی تنظیم خانواده

### فهرست مقالات عربی تنظیم خانواده(1)

فهرست مجلات و روزنامه هایی که به زبان عربی درباره تنظیم خانواده مقاله درج شده است.

لازم به یادآوری است که مقالات به ترتیب الفبایی نام مؤلف در مجلات زبان عربی و سپس فارسی درج می گردد و ترتیب مقالات به شرح زیر می باشد:

نام مؤلف، عنوان مقاله، نام مجله یا روزنامه، (شماره مسلسل، تاریخ انتشار)، شماره صفحه.

1. ابن باز، عبدالعزيز بن عبدالله، «حول تحديد النسل»، مجلة الحج:

ص: 209

---

1- . با تشکر از استاد کتابشناس آقای عبدالجبار الرفاعي که در تهیه این فهرست از فیش های ایشان نیز استفاده شده است.

(سال 19، شماره 2، دسامبر 1964 م)، ص 75.

2. ابوزهره، محمد. «تنظيم الأسرة وتنظيم النسل»: مؤتمر الثاني لمجمع البحوث الاسلامية. مجله الازهر (مايو 1965 م)، ص 247 - 303.

3. ابوزهره، محمد. «تنظيم النسل». لواء الاسلام (شماره 11، نوفمبر 1962 م). ص 676 - 680.

4. الاصلاحى، سلطان احمد. «رؤية الاسلام نحو قضيه تحديد النسل» تعريف: آفتاب عالم الندوى. البعث الاسلامى. (جلد 35، شماره 2، شوال 1410 ق). ص 70 - 84. (و شماره 3، ذى قعدة، 1410 ق)، ص 16 - 30 الامة. «عدم الانجاب يحفظ للمرأة نضارتها». مجله الأمة. (شماره 32، 5/1983 م)، ص 84.

5. البار، محمدعلى. «منع الحمل وحكمه فى الاسلام». المسلم المعاصر: (سال 11، شماره 442/1405 هـ). ص 91 - 100.

6. بوطالب، عبدالهادى، «ضبط الانجاب بقواعد الاخلاق»، مجله الاسلام اليوم. (شماره 5، 11/1407 هـ) ص 16 - 30.

7. البيانونى، محمد ابوالفتح. «تحديد النسل والنظريات الاقتصادية». مجلة النور. (سال چهارم، شماره 45، 10/1407 هـ)، ص 28 - 33.

8. التسخيرى، محمدعلى. «رأى فى تنظيم العائلة وتحديد النسل». التوحيد. (سال 7، شماره 39، 8/1409 هـ) ص 76 - 85.

9. الجندى، محمد توفيق. «تحديد النسل بين العلم والدين». مجلة الجامعة (جامعة الملك فيصل بالمنطقة الشرقية - الدمام)، (سال 5، شماره 5، 1983 م)، ص 91 - 100.

ص: 210

10. حتوت، حسان. «منع الحمل الجراحی»، در سمینار: الانجاب فی ضوء الاسلام (الکویت، شعبان 1403 ق)، ص 11 - 13.
11. الحسینی، لیلی. «موقف الاسلام من تحديد النسل». الجهاد. (سال 2، شماره 5، رجب و شعبان 1401 ق)، ص 57.
12. خان، ظفرالاسلام. «قضية تنظيم النسل: الوجه الآخر». المختار الاسلامی. (سال 2، شماره 22، جمادی الاولى 1401 ق)، ص 68 - 70.
13. زکی، احمد. «النسل بین الحد والاطلاق». مجلة العربی: (شماره 22 سبتمبر 1960 م) ص 8.
14. السنهلی، عتیق الرحمن. «تحديد النسل من وجهة نظر الاسلام». البعث الاسلامی. (سال 12، شماره 8، مايو 1968 م)، ص 58 - 72.
15. السبع، محمد مروان. «ضجة حول حبوب منع الحمل: اسباب معارضة الكنيسة لمنع النسل بالحبوب» العربی (شماره 57، اغسطس 1963 م)، ص 119.
16. الشققی، عبدالرزاق. «مشكلة تنظيم النسل فی مجتمعنا العربی». المعرفة (سال 2، شماره 10، كانون اول 1963 م)، ص 24 - 31.
17. الشرقاوی. «الاسلام و تحديد النسل». مجلة الازهر. (جلد 35، شماره 4، دسامبر 1963 م)، ص 545.
18. الشوری، ابراهیم. «النسل بین التحديد والتنظيم». اخبار العالم الاسلامی. (مكة المكرمة، 7 يوليو 1975 م)، ص 11.
19. صبحی نبیل. «اضواء علی دعوة تحديد النسل». الامة. (سال 1، شماره 10، 8/1981)، ص 28.
20. القبانی، محمد عبدالسلام. «تحديد النسل». الازهر (سال 29،

21. القصبي، سعيد. «تنظيم النسل ضرورة تحتمها الظروف وليس بدعة تتنافى مع الاديان». العربي (شماره 76، مارس 1965 م)، ص 13.
22. الكتاني، عبدالرحمن. «الاسلام يبيح تحديد النسل بطريقة اختياريه وعند الضرورة ولا يبيح للدولة إتخاذ أىّ تشريع فى الموضوع». الاحياء. (جلد 2، جز 2، سال 6/1403 ق)، ص 157 - 168.
23. كنون، عبدالله. «قرار الرابطة بشأن النسل». اخبار العالم الاسلامى. (شماره 438، 28 يوليو 1975 م)، ص 27.
24. مذكور، محمدسلام. «هل نحن جادون فى تحديد النسل». العربي: (شماره 87، فبراير 1966 م)، ص 27.
25. مذكور، محمدسلام. «النسل بين المنع والاطلاق» العربي. (شماره 145، ديسمبر 1970 م)، ص 7.
26. الندوى، خطيب احمد، «تحديد النسل فى ضوء الكتاب والسنة». البعث الاسلامى. (سال 14، شماره 1، اغسطس 1969 م)، ص 64 - 69.
26. النشرة السكانية. «تنظيم الاسرة وجهة الاسلامية». النشرة السكانية (بغداد)، (شماره 21، 11/1981 م)، ص 120 - 121.
27. يكن، زهدى. «منع الحمل لتحديد النسل جائز شرعاً» العربي، (شماره 49، دسامبر 1962 م)، ص 43.

### فهرست مقالات فارسى تنظيم خانواده

فهرست مقالات مجلات و روزنامه هاى كه درباره تنظيم خانواده و رشد جمعيت و كنترل جمعيت در ايران و جهان، به زبان فارسى درج

شده است. اهمیت معرفی این مقالات به این خاطر است که فضای بحث را در ایران روشن می سازد.

لازم به یادآوری است که در این بخش از ذکر نویسنده مقاله خودداری شده و تنها عنوان مقاله، نام روزنامه یا مجله، شماره مسلسل، دوره یا سال انتشار، شماره صفحه و تاریخ انتشار ذکر شده است.

28. ضرورت کنترل جمعیت در ایران. ابرار (شماره 386، سال 2)، ص 5، 9/12/1368.

29. تأثیر افزایش جمعیت در ایجاد فقر در جامعه. پاسدار اسلام (شماره 36، سال 3)، ص 17، 9/1363.

30. بررسی حکم افزایش جمعیت از دیدگاه اسلام. پاسدار اسلام (شماره 36، سال 3)، ص 18، 9/1363.

31. بررسی مسایل و مشکلات افزایش جمعیت در ایران. کیهان (شماره 13851، ص 8، 14/12/1368.

32. بحران افزایش جمعیت ایران. جمهوری اسلامی (شماره 3026، سال 1)، ص 8، 17/8/1368.

33. نگرشی بر کنترل جمعیت در ایران. جمهوری اسلامی (شماره 3045، سال 11)، ص 2، 9/9/1368.

34. تشریح اعمال سیاست های کنترل رشد جمعیت کشور. جمهوری اسلامی (شماره 3053، سال 11)، ص 9، 19/9/1368.

35. نقد و بررسی مشکل کنترل جمعیت کشور. جمهوری اسلامی (شماره 3133، سال 11)، ص 1، 27/12/1368.

36. نقد و بررسی نظرات موافق با افزایش جمعیت (قسمت 2).

ص: 213

جمهوری اسلامی (شماره 3282، سال 12)، ص 9، 8/7/1369.

37. نقد و بررسی نظرات موافق با افزایش جمعیت از دیدگاه های مختلف (قسمت 3). جمهوری اسلامی (شماره 3283، سال 12)، ص 9، 9/7/1369.

38. بررسی نظرات موافق با افزایش جمعیت (قسمت 4). جمهوری اسلامی (شماره 3284، سال 12)، ص 11، 10/7/1369.

39. تأثیر رشد جمعیت در مشکلات جامعه. جمهوری اسلامی (شماره 3301، سال 12)، ص 11، 1/8/1369.

40. عوامل اعتقادی و روانی در ضرورت کنترل رشد جمعیت کشور. جمهوری اسلامی (شماره 3310، سال 12)، ص 9، 12/8/1369.

41. نقد و بررسی نظرات موافق با کنترل جمعیت در ایران (قسمت 10). جمهوری اسلامی (شماره 3291، سال 12)، ص 9، 19/7/1369.

42. راه های مبارزه با رشد جمعیت در ایران (قسمت 28). جمهوری اسلامی (شماره 3309، سال 12)، ص 10، 10/8/1369.

43. آموزش عالی کشور و ضرورت کنترل جمعیت (قسمت 22).

جمهوری اسلامی (شماره 3303، سال 12)، ص 11، 3/8/1369.

44. بررسی نظرات موافق با کنترل جمعیت در ایران (قسمت 6). جمهوری اسلامی (شماره 3286، سال 12)، ص 13، 12/7/1369.

45. بررسی نظرات موافق با کنترل جمعیت در ایران (قسمت 7). جمهوری اسلامی (شماره 3288، سال 12)، ص 13، 15/7/1369.

46. بررسی نظرات موافق با کنترل جمعیت در ایران (قسمت 8). جمهوری اسلامی (شماره 3289، سال 12)، ص 13، 17/7/1369.

ص: 214

47. کنترل جمعیت در جامعه اسلامی ایران (قسمت 11). جمهوری اسلامی (شماره 3292، سال 12)، ص 11، 21/7/1369.
48. بررسی نظرات موافق با کنترل جمعیت ایران (قسمت 15). جمهوری اسلامی (شماره 3296، سال 12)، ص 11، 25/7/1369.
49. بررسی رابطه امکانات با رشد جمعیت کشور در محور انرژی (قسمت 16). جمهوری اسلامی (شماره 3297، سال 12)، ص 13، 26/7/1369.
50. سیاست های فرهنگی وزارت آموزش و پرورش در مقابل رشد جمعیت (قسمت 21). جمهوری اسلامی (شماره 3302، سال 12)، ص 11، 2/8/1369.
51. بررسی کاهش درآمدها و افزایش هزینه های خانوارها در رشد جمعیت کشور. جمهوری اسلامی (شماره 3299، سال 12)، ص 10، 29/7/1369.
52. بررسی علل سیاسی رشد جمعیت. جمهوری اسلامی (شماره 3311، سال 12)، ص 11، 13/8/1369.
53. اهداف و نتایج کنترل رشد جمعیت در ایران. جمهوری اسلامی (شماره 3312، سال 12)، ص 11، 11/8/1369.
54. رشد جمعیت و مشکلات آن در نظام آموزشی کشور. کیهان، شماره 13681، ص 5، 18/5/1368.
55. رشد جمعیت و مشکلات آن در استفاده از منابع آبی کشور. کیهان، شماره 13682، ص 5، 19/5/1368.
56. رشد جمعیت و مشکلات آن در ایجاد کار و استفاده بهینه از



نیروی انسانی در ایران. کیهان، شماره 13683، ص 5، 23/5/1368.

57. لزوم هماهنگی ساختار اقتصادی با رشد روزافزون جمعیت کشور. کیهان، شماره 13684، ص 5، 24/5/1368.

58. نقد و بررسی علل ارائه شده پیرامون کنترل جمعیت. کیهان، شماره 13710، ص 14، 23/6/1368.

59. بررسی جایگاه اجرای سیاست های توسعه اقتصادی در کنترل جمعیت. کیهان، شماره 13713، ص 14، 27/6/1368.

60. ارزیابی وضعیت اقتصاد در قبال رشد جمعیت کشور. کیهان، شماره 13737، ص 6، 25/7/1368.

61. بررسی تأثیرات رشد ناموزون جمعیت در ایران. کیهان، شماره 13755، ص 12، 18/8/1368.

62. اعلام آمار جمعیت رسمی کشور ایران در سال 1368. کیهان، شماره 13766، ص 11، 1/9/1368.

63. بررسی عوامل توسعه بی رویه شهر تهران و بحران تراکم جمعیت آن از دید کارشناسان. کیهان، شماره 13789، ص 5، 28/9/1368.

64. گزارشی از مشکلات زندگی و رشد بی رویه جمعیت در تهران و پیشنهاد راه حل های آن. کیهان، شماره 13794، ص 5، 4/10/1368.

65. تحلیل و پیش بینی وضعیت جمعیت جهان در پایان قرن بیستم. کیهان، شماره 13871، ص 10، 18/1/1369.

66. پیش بینی جمعیت ایران و دیگر کشورها در اوایل قرن بیست و یکم. کیهان، شماره 13871، ص 12، 18/1/1369.

ص: 216

67. مروری بر گزارش سازمان ملل از پیش بینی جمعیت جهان در پایان قرن بیستم. کیهان، شماره 13879، ص 6، 27/1/1369.
68. تحلیلی درباره کنترل رشد جمعیت و تأثیر آن در کمبود مسکن. جمهوری اسلامی، شماره 3305، سال 12، ص 11، 6/8/1369.
69. بررسی حفظ محیط زیست و وجود حاکمیت الگوی مصرفی از طریق کنترل رشد جمعیت ایران. جمهوری اسلامی، شماره 3307، سال 12، ص 11، 8/8/1369.
70. نقش رشد اقتصادی در کنترل جمعیت. جمهوری اسلامی، شماره 3315، سال 12، ص 9، 17/7/1369.
71. بررسی نظرات موافق با کنترل جمعیت (قسمت 5). جمهوری اسلامی، شماره 3285، سال 12، ص 10، 11/7/1369.
72. نظریه مالتوس پیرامون افزایش جمعیت در جهان. کیهان فرهنگی، شماره 5، سال 3، ص 21، 5/1365.
73. نظریه خواجه نصیرالدین طوسی پیرامون روند رشد جمعیت در جهان. کیهان فرهنگی، شماره 5، سال 3، ص 22، 5/1365.
74. رد نظریات مالتوس پیرامون جمعیت توسط خوزه دوکاسترو. کیهان فرهنگی، شماره 7، سال 3، ص 19، 7/1365.
75. نقدی بر نظریه مالتوس درباره جمعیت. کیهان فرهنگی، شماره 7، سال 3، ص 36، 7/1365.
76. نقدی بر انتقاد آقای مرتضی جعفری نسب به مقایسه نظریه ابن مسکویه و مالتوس درباره رشد جمعیت. کیهان فرهنگی، شماره 11، سال 3، ص 17، 7/1365.

77. مشکل جمعیت و بررسی راه های حفظ محیط زیست بهتر بشر در عصر تکنولوژی. کیهان فرهنگی، شماره 12، سال 4، ص 42، 12/1366.

78. طرح سؤالات فقهی پیرامون کنترل جمعیت و سقط جنین. آینه پژوهش، شماره 1، سال 1، ص 48، 3/1369.

79. نقش جمعیت فعال در تولید ملی و رشد اقتصادی و بررسی نقش متقابل آن دو. کیهان، شماره 13600، ص 10، 9/2/1368.

80. مسایل و مشکلات رشد جمعیت از دیدگاه صاحب نظران مربوطه (قسمت 2). کیهان، شماره 13678، ص 5، 15/5/1368.

81. بررسی مشکلات افزایش جمعیت در کشور (قسمت 4).

کیهان، شماره 13679، ص 3، 16/5/1368

82. مشکلات افزایش جمعیت ایران از لحاظ خدمات درمانی. کیهان، شماره 13680، ص 5، 17/5/1368.

83. تأثیرات رشد جمعیت بر اقتصاد. اطلاعات، شماره 18753، ص 6، 21/2/1368.

84. بررسی علل و آثار زیانبار افزایش جمعیت در جهان سوم و راه های جلوگیری از آنان. اطلاعات، شماره 18870، ص 6، 17/7/1368.

85. رکود جدید افزایش جمعیت و بحران آن در جهان. اطلاعات، شماره 18938، ص 7، 9/10/1368.

86. تحقیقی پیرامون رشد جمعیت جهان و ضرورت برنامه ریزی در این زمینه. اطلاعات، شماره 18990، ص 6، 13/12/1368.

ص: 218

87. بررسی عواقب سوءرشد جمعیت در کشور و ضرورت کنترل آن. اطلاعات، شماره 18961، ص 5، 5/11/1368.
88. تحلیلی از آمار جمعیت جهان در سال 2000، اطلاعات، شماره 19017، ص 10، 25/1/1369.
89. کیفیت رشد جمعیت در ایران (قسمت 1). اطلاعات، شماره 19022، ص 6، 1/2/1369.
90. بررسی کیفیت رشد جمعیت در ایران (قسمت 2). اطلاعات، شماره 19023، ص 6، 2/2/1369.
91. وضعیت رشد جمعیت در ایران. اطلاعات، شماره 19026، ص 6، 5/2/1369.
92. گزارشی از کنگره بین المللی اسلام و سیاست جمعیت و مشکلات ناشی از آن در جامعه. اطلاعات، شماره 19030، ص 6، 10/2/1369.
93. بررسی راه های کنترل رشد جمعیت ایران (قسمت 5). اطلاعات، شماره 19035، ص 6، 16/2/1369.
94. وضعیت رشد جمعیت در ایران (مشکل تأمین مسکن و ممنوعیت سقط جنین) (قسمت 6). اطلاعات، شماره 19036، ص 6، 17/2/1369.
95. بررسی پدیده های افزایش و کنترل جمعیت. کیهان، شماره 13976، ص 12، 27/5/1369.
96. ضرورت کنترل جمعیت (نرخ رشد جمعیت در جهان سوم و مقایسه آن با ایران) (قسمت 1). کیهان، شماره 13980، ص 5،

97. بررسی وضعیت افزایش جمعیت در جهان و راه حل هایی جهت کنترل آن. کیهان، شماره 13999، ص 16، 24/6/1369.
98. گزارش دفتر برنامه عمران سازمان ملل دوباره توسعه انسانی در سال 1990 در سطح جهان. کیهان، شماره 14074، ص 6، 24/9/1369.
99. بررسی رشد جمعیت تا سال 2000 در جهان. کیهان، شماره 14113، ص 6، 13/11/1369.
100. آمار جمعیت ایران در سال 1368 و نرخ رشد آن در کشور. رسالت، شماره 1121، سال 4، ص 12، 1/9/1368.
101. آمار افزایش سالانه جمعیت در جهان. رسالت، شماره 1146، سال 4، ص 1، 1/9/1368.
102. بررسی خطرات رشد جمعیت در جهان. رسالت، شماره 1224، سال 5، ص 6، 15/1/1369.
103. بررسی عوامل جمعیتی و اثرات جانبی آن. رسالت، شماره 1323، سال 5، ص 10، 17/5/1369.
104. رابطه رشد جمعیت با توسعه اقتصادی کشور. رسالت، شماره 1351، سال 5، ص 10، 19/6/1369.
105. پیامد و عواقب رشد جمعیت. رسالت، شماره 1351، سال 5، ص 10، 19/6/1369.
106. تأثیر عدم تعادل بین جمعیت و منابع در تخریب محیط زیست. رسالت، شماره 1459، سال 6، ص 14، 30/10/1369.
107. پیامدهای رشد بی رویه جمعیت و بیسوادی در جامعه.

108. بررسی وضعیت جمعیت در جهان و آثار آن در جامعه. رسالت، شماره 1491، سال 6، ص 10، 15/12/1369.
109. تحلیلی از جمعیت اروپا و آسیا و مقایسه آن ها از نظر نحوه زندگی. اطلاعات، شماره 19196، ص 16، 3/9/1369.
110. بررسی عواقب رشد جمعیت در ایران و ضرورت کنترل آن. اطلاعات، شماره 19198، ص 6، 5/9/1369.
111. آمار مقایسه ای افزایش جمعیت کشورهای در حال رشد و کشورهای توسعه یافته. اطلاعات، شماره 19204، ص 11، 12/9/1369.
112. بررسی مشکلات ناشی از ازدیاد جمعیت در کشور. اطلاعات، شماره 19214، ص 7، 24/9/1369.
113. بررسی جمعیت در شهرهای ایران و ضرورت برنامه ریزی در این باره. اطلاعات، شماره 19281، ص 7، 20/12/1369.
114. گزارشی از جمعیت و اوضاع اقتصادی ایران. ابرار، شماره 112، دوره 2، ص 3، 3/1/1368.
115. تحلیلی پیرامون بحران رشد جمعیت و کمبود غذا در جهان. ابرار، شماره 191، دوره 2، ص 8، 14/4/1368.
116. عوامل گسترش جمعیت در ایران و جهان (قسمت 1). ابرار، شماره 247، دوره 2، ص 6، 22/6/1368.
117. بررسی عوامل و آثار رشد جمعیت در جهان و ایران (قسمت آخر). ابرار، شماره 250، دوره 2، ص 6، 26/6/1368.

118. ملاحظاتی پیرامون وضعیت رشد جمعیت در ایران. اطلاعات، شماره 19037، ص 6، 18/2/1369.
119. وضعیت رشد جمعیت در ایران (ضرورت اتخاذ اخلاق جدید در جامعه آینده) (قسمت 8). اطلاعات، شماره 19038، ص 6، 19/2/1369.
120. مقایسه ای از رشد جمعیت بین کشورهای ثروتمند و فقیر و راه های مبارزه با آن. اطلاعات، شماره 19194، ص 6، 30/8/1369.
121. بررسی خطرات رشد جمعیت در ایران. اطلاعات، شماره 19123، ص 6، 4/6/1369.
122. آماری از میزان رشد جمعیت در جهان. اطلاعات، شماره 19132، ص 6، 14/6/1369.
123. آماری از میزان رشد جمعیت در ایران، اطلاعات، شماره 19132، ص 6، 14/6/1369.
124. بررسی وضعیت رشد جمعیت و مسکن در کشور جمهوری اسلامی ایران. اطلاعات، شماره 19264، ص 7، 29/11/1369.
125. تحقیقی پیرامون بحران جمعیت در جهان. اطلاعات، شماره 19097، ص 6، 2/5/1369.
126. تحقیقی از رشد بی رویه جمعیت ایران. اطلاعات، شماره 19097، ص 6، 2/5/1369.
127. شیوه های برخورد با بحران های آموزشی ناشی از افزایش جمعیت کشور. اطلاعات، شماره 19115، ص 11، 25/5/1369.
128. خطرات و پیامدهای رشد جمعیت ایران. اطلاعات، شماره

129. نگاهی به وضعیت رشد جمعیت در ایران از طریق آمار و ارقام (قسمت 2). اطلاعات، شماره 19117، ص 6، 28/5/1369.
130. بررسی تأثیر رشد جمعیت بر اقتصاد و جامعه. اطلاعات، شماره 19155، ص 11، 14/7/1369.
131. تشریح سیاست توزیع متعادل جمعیت در کشور. اطلاعات، شماره 19168، ص 11، 30/7/1369.
132. آماری از روند جمعیت جهان و دورنمای جمعیت جهان در سال 2000 م. اطلاعات، شماره 19240، ص 11، 25/10/1369.
133. بررسی ابعاد رشد بی رویه جمعیت در ایران. ابرار، شماره 647، سال 6، 3/11/1369.



## فهرست آیات

سوره

آیه صفحه

البقرة

ولکم فی القصاص حیاة یا اولی الالباب

142 180

البقرة

هُنَّ لِبَاسٍ لَّكُمْ وَانْتُمْ لِبَاسٍ لَّهُنَّ

44 187

البقرة

نساؤکم حرث لکم فاتوا حرثکم انّی شنتم

43 222

البقرة

وان لیس للإنسان الاّ ما سعی

152 286

البقرة

قال الذین یظنون انّ هم ملاقوا اللّٰه، کم من فئة...

133 249

النساء

یا ایها الذین اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة

25 1

النساء

وليخش الذين لو تركوا من خلفهم ذرية ضعافا

1449

ص: 224

النساء

ولأضلّلتهم ولأمنينهم ولأمرتهم... 192 119

المائدة

ما يريد الله ليجعل عليكم من حرج 6 127

المائدة

يا ايها الذين آمنوا اتّما الخمر والميسر والانصاب 90

192

الانعام

قد خسروا الذين قتلوا اولادهم سفها بغير علم 140 149 و 136

هود

وما من دابة في الارض الا على الله رزقها 6 147

الرعد

وقد ارسلنا رسلاً من قبلك وجعلنا لهم ازواجا وذريه 38

25

النحل

والله جعل لكم من انفسكم ازواجا وجعل... 72 113

الاسراء

ولا تجعل يدك مغلولة الى عنقك ولا تبسطها 29 155

الإسراء

ان ربك ييسر الرزق لمن يشاء ويقدر 30 148

الإسراء

ولا تقتلوا اولادكم خشية املاق... 149 31

الانبياء

وففهمناها سليمان 51 79

الحج

ما جعل عليكم فى الدين من حرج 78

175

المؤمنون

ولقد خلقنا الانسان من سلاله من طين...

ص: 225

## النُّور

وليستعفف الذين لا يجدون نكاحا 33 126

## الفرقان

والذين اذا انفقوا لم يسرفوا ولم يقتروا 67 64

## العنكبوت

اللّٰه يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر له 62 148

## الرُّوم

فاقم وجهك للدين حنيفا فطره الله 30 193

## الرُّوم

ومن آياته ان خلق لكم من انفسكم ازواجا 71 45 و 8

## الذَّارِيَات

وفي السماء رزقكم وما توعدون 22 148

## التَّجْم

وان ليس للانسان الا ما سعى 39 152

## التكوير

واذا المؤودة سُئلت باى ذنب قُتلت 8 136

ص: 226

ابى الله ان يجرى الاشياء إلاّ باسباب امام صادق 154

اعقل الناس انظرهم فى العواقب امام على 156

اعوذ بالله من جُهد البلاء قالوا ما جُهد البلاء رسول الله 129

الا ان ترضى او يشترط ذلك عليها حين... امام صادق 138

آن ها لاتكون مؤودة حتى تَمّر على التارات السبع امام على 145

انه سئل عن العزل، اما الأمة فلا بأس.... صادقين 137

تزوجوا بكرا ولودا رسول الله 27

تزوجوا فائى مكاتر بكم الامم غدا فى القيامة رسول الله 27 و 114

تناكحوا تكثروا فائى اباهى بكم الامم يوم القيامة رسول الله 114

ثم سأله عن العزل فقال... ذلك الواد رسول الله 138

حق الولد على الوالدان يُعلمه الكتابة والسباحة رسول الله 65

ذاك الى الرجل يصرفه حيث يشاء امام صادق 49

ذاك اليه ان شاء عزل وان شاء لم يعزل امام باقر 50

ردّ رسول الله على عثمان بن مظعون التبتل رسول الله 199

العسر يُفسد الاخلاق امام على 71

فاما الحرّة فأتى اكره ذلك الا ان يشترط صادقين 53

الفقر هو الموت الاكبر، وقلة العيال احد اليسارين رسول الله 130

الفكر فى الامر قبل ملابسته يؤمن الزلل امام على 157

قلة العيال احد اليسارين رسول الله 58 و 128

قله العيال احد اليسارين وكثرة العيال احد الفقيرين رسول الله 128

قوام العيش، حسن التقدير وملاكه حُسن التدبير امام على 88

كاد الفقر ان يكون كفرا رسول الله 71

كان على لا يعزل وانا اعزل امام صادق 51

كنا نعزل على عهد النبى والقرآن ينزل

تقرير پیامبر 55

كنا نعزل على عهد رسول الله فبلغه ذلك فلم ينهانا تقرير پیامبر 56

كنا نغزوا مع النبى ليس لنا نساء

رسول الله 199

كان شى يكون فيه حرام وحلال فهو لك حلال امام صادق 202

كلكم راع و كلكم مسئول. فالامام راع رسول الله 99

لا بأس بالعزل عن المرأة الحرّة ان احب صاحبها امام باقر 50

مأبئى فى الاسلام بناء احب الى الله من التزويج رسول الله 25

من الدين التدبّر فى المعيشه امام صادق 88

وضعه موضعا حسنا رسول الله 65

هلك صاحب العيال، هلك صاحب العيال امام صادق 60 و 130

يا صبياد اى شئ اكثر ما يقع فى شبكتك امام صادق 60 و 131

يا معشر الشباب من استطاع منكم الباءة فليتزوج رسول الله 126

ص: 228



ابن باز، عبدالعزيز بن عبدالله: 136، 150، 229

ابن براج: 54.

ابن حزم ظاهري: 49، 55، 137.

ابن سينا، بوعلی: 47.

ابوزهره، محمد: 40، 229، 56، 135، 150، 217.

ابوطالب، عبدالهادی: 230.

آگاه، سیاوش: 216.

اراکي، آيت الله عبدالنبي: 184، 204.

اقبال، محمد: 159.

الاصلاحی، سلطان احمد: 230.

الانطاکی، داود: 47.

البار، محمد علی: 230.

بجنوردی، سيد حسن: 175.

بحرالعلوم، عزالدين: 224.

البحرانی، شيخ يوسف: 48.

ص: 229

- بنت الشاطي، عايشه: 180.
- بهشتي، شهيد محمد حسين: 195.
- البيانوني، محمد ابو الفتح: 230.
- پاپ يازدهم: 16.
- پولبي، جان: 79.
- تسخيري، محمد علي: 225، 230.
- جرجاني، اسماعيل: 47.
- جزني، منير: 101، 169.
- جعفري، مرتضى: 239.
- جعفري، محمد توفيق: 230.
- حتحوت، حسان: 91، 230.
- حسن البنا: 215.
- حسيني، سيد علي: 124.
- الحسيني، ليلي: 230.
- حكيم، سيد محسن طباطبائي: 48.
- خان، ظفر الاسلام: 231.
- خرازي، محمد باقر: 121، 162.
- خميني، امام روح الله: 124، 125، 178، 184، 203.
- خورشيد احمد: 159، 213.
- الخيري، عبدالرحمن: 222.
- الدردير، عبدالعزيز: 220.

ديان العوضى، سعيد محمود: 218.

ص: 230

رازی، ابوبکر: 47.

رازی، فخر: 193.

الزحیلی، وهبة: 48، 56، 227.

زکی، احمد: 231.

الزواوی، یوسف بن علی: 212.

السامرايی: 91.

سلیمان بن داوود: 51.

سید علیخان، عبدالرسول: 215.

السید، فرج: 214.

الشاطبی، ابراهیم بن موسی: 135.

شامه، محمد: 158.

السیب، فیصل ابوالفضل: 219.

الشریاضی، احمد: 37، 216، 219.

شریف، محمود: 56، 187، 223.

الشطی، احمد شوکت: 222.

الشفقی، عبدالرزاق: 231.

شلتوت، محمود: 222، 224.

شمتز، پاول: 158، 214.

الشوری، ابراهیم: 231.

الشوکانی: 55.

صادق، صاحب حسین: 222.

صدوق، محمدبن علی بن بابویه: 49.

ص: 231

صالح، صبحی: 223.

طالقانی، آیت اللہ سید محمود: 142.

طباطبائی، علامہ محمد حسین: 45.

طبرسی، رضی الدین: 85، 124.

طوسی، الشیخ محمد بن الحسن: 48، 49، 54، 88، 137، 194.

طوسی، خواجہ نصیرالدین: 238.

طوسی، علی بن حمزہ: 49، 137.

عالم الندوی، آفتاب: 230.

عمران، عبدالرحیم: 14، 180، 182.

غزالی، امام محمد: 226.

فتاحی معصوم، سید حسین: 224.

فتحی، محمد: 222.

قبانی: محمد عبدالسلام: 231.

القصبی، سعید: 231.

قمحاوی، ولید: 216.

قمی، علی بن ابراہیم: 97.

قیانی، صبری: 214.

الکتانی، عبدالرحمن: 232.

کحالة، عمر رضا: 221.

کی نیا، مہدی: 68، 73، 74، 80، 81، 82، 83، 85، 107.

کینگ، گرگوری: 13.

البوطى، محمد سعيد رمضان: 56، 135، 159، 172، 193، 220.

ص: 232

مالتوس: 12، 13، 238، 239.

مامقاني، عبدالله: 219.

مبارك، جميل محمد: 37، 39، 171، 227.

متين، عطاءالله: 66.

مجلسي، علامه محمدباقر: 59.

المجوسي، علي بن عباس: 47.

محسني، منوچهر: 12، 16، 35، 102، 169.

محمدعلي موسى، عبدالعزيز: 215.

محمد يوسف، حسين: 215.

محمود، عبدالرزاق: 222.

مدكور، محمد سلام: 196، 201، 221.

مطهري، مرتضی: 150، 223.

معرفت، محمدهادي: 225.

مكارم، آيت الله ناصر: 175.

منتظري، آيت الله حسينعلي: 97، 185، 206، 207.

موسوي، عبدالصمد: 219.

النجار، عبدالرحمن: 219.

الندوي، خطيب احمد: 232.

النووي، محيي الدين بن شرف: 145.

هاشم زاده هريسي، هاشم: 226.

اليافي، عبدالكريم: 226.



يحيى مصطفى الخطيب، ام كلثوم: 219.

ص: 233

پرسا، رولان: 12، 35، 102، 169.

یزدی، سیدمحمدکاظم: 48.

یوسفی، ناصر: 76.

ص: 234

در این فهرست به ترتیب الفبای نام مؤلفان، کتاب هایی که در این نوشته از آن ها استفاده شده است، معرفی می شود. و البته کتاب هایی که درباره تنظیم خانواده و کنترل جمعیت مورد استفاده قرار گرفته در این فهرست نیامده است، زیرا در فهرست توصیفی تنظیم خانواده، به طور مشروح معرفی شده اند.

1- آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی. غررالحکم و دُرر الکلم. با تحقیق و تنظیم سید جلال الدین محدث. (چاپ دوم: تهران، انتشارات دانشگاه تهران، 1361 ش). هفت جلد، وزیری.

2- ابن حزم الاندلسی، علی بن احمد بن سعید. المُحَلَّى بالاثار. تحقیق عبدالغفار سلیمان البُنداری. (بیروت، دارالکتب العلمیه، 1408 - 1988). دوازده جلد، وزیری.

3- ایولکست. جهان سوم و پدیده کم رشدی، ترجمه منیر جزنی.

4- البجنوردی الموسوی، سید میرزا حسن. (قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، افسست از چاپ مطبعة الاداب، 3989 ق = 1969 م). جلد، وزیری.

5- البحرانی، یوسف. الحدائق الناضرة. (چاپ دوم: قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسين بقم، 1363 ش.). 25 جلد، وزیرى.

6- البخارى، محمدبن اسماعيل. صحيح البخارى. (بيروت، دارالمعرفة للطباعة والنشر) چهار جلد، رحلى.

7. پولوس، آنجلوآنجلو. جهان سوم در برابر کشورهای غنى. ترجمه اميرحسين جهاننگلو. (چاپ اول: تهران، انتشارات خوارزمى، 1352). 277 ص، رقى.

8- الحر العاملى، محمدبن الحسن. وسائل الشيعه. (چاپ دوم: تهران، مكتبة الاسلامى، 1383 ق.). 20 جلد، وزیرى.

9- حكيمى، محمدرضا، محمد، على، الحياة. (چاپ سوم: تهران. دائرة الطباعة والنشر تحت اشراف جامعة المدرسين فى قم، 1360 ش) 6 جلد، وزیرى.

10. الحسينى، على. الموسيقى. (چاپ اول: چاپ اسماعيليان، 1413 ق) 240 ص، رقى.

11. خمينى امام، روح الله. صحفيه نور (مجموعه رهنمودهاى امام خمينى). (چاپ اول: تهران، سازمان مدارك فرهنگى انقلاب اسلامى، انتشارات سروش، 1369 ش.). 21 جلد، وزیرى.

12. رولان پرسا. جمعيت شناسى اجتماعى، ترجمه منوچهر محسنى. (چاپ اول: تهران انتشارات دانشگاه تهران، 1353 ق.). 145 ص، وزیرى.

13. الزحيلي، وهبة. الفقه الاسلامى وادلته. (چاپ سوم: دمشق، دارالفكر المعاصر، 1409 ق = 1989 م). 8 جلد، وزیرى.

ص: 236

14. الشوكاني، محمدبن علي بن محمد. نيل الاوطار. (بيروت، دارالجيل، افست از چاپ قاهره، دارالحدیث.) 4 جلد، وزیری.
- 15- طباطبائی، محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. (چاپ دوم: بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، 1392 ق = 1972 م.) 20 جلد، وزیری.
- 16- الطبرسی، رضی الدین الحسن بن الفضل. مکارم الاخلاق. (چاپ ششم: بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، 1392 ق = 1972 م.) 480 ص، وزیری.
17. الطوسی، محمدبن الحسن بن علی. النهایة فی مجرد الفقه والفتاوی. (چاپ دوم: بیروت، دارالکتاب العربی، 1400 ق = 1980 م.) 10 جلد، وزیری.
- 18- الغزالی، امام ابی حامد محمدبن محمد. احیاء علوم الدین. (بیروت، دارالمعرفة.) 4 جلد و ضمیمه فهرست یک جلد، رحلی.
- 19- القمی، علی بن ابراهیم. تفسیر القمی. (چاپ سوم: قم، دارالکتاب للطباعة والنشر، 1404 ق.) 2 جلد، وزیری.
20. الكلینی الرازی، محمدبن یعقوب. الاصول من الکافی. (چاپ چهارم: بیروت، دار صعب، دارالتعارف، 1410.) تصحیح علی اکبر غفاری، 2 جلد، وزیری.
21. کی نیا، مهدی. کانون خانوادگی و بزهکاری. (چاپ اول: تهران، انتشارات مجله مکتب امام انجمن ملی اولیاء و مربیان، 1357 ش) 246 ص، رقعی.
- 22- کی نیا، مهدی. مبانی جرم شناسی. (چاپ دوم: تهران، انتشارات

23. متین، عطاءالله، مجله بهداشت جهان و تغذیه. (تهران، شماره دوم، سال ششم).

24- المجلسی، محمدباقر. بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الأئمة الاطهار. (چاپ دوم: بیروت، مؤسسة الوفاء، 1403 م.) 110+1 جلد، وزیری.

25- مروارید، علی اصغر. سلسله الینابیع الفقهیه. (چاپ اول: بیروت، مؤسسة فقه الشیعه، الدار الاسلامیه، 1410 ق = 1990 م.) 25 جلد، وزیری.

26- مکارم شیرازی، ناصر. قواعد الفقهیه. (چاپ دوم: قم، مکتبه امیرالمؤمنین، 1367 ش.) 2 جلد، وزیری.

27- منتظری حسینعلی. دراسات فی ولایة الفقیه. (چاپ اول، قم مکتب الاعلام الاسلامی، 1408 ق.) 4 جلد، وزیری.

28- الیزدی، محمدکاظم الطباطبائی. العروة الوثقی. (چاپ دوم: بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، 1404 ق = 1984 م.) 2 جلد، وزیری.

29- یوسفی، ناصر. مجله آینه اندیشه. (تهران، شماره 10 تیرماه 1371 ش.).

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

